

جنبش اجتماعی زنان

در غرب ۲-

شیده شادلو

● موج دوم باعث شد برای اولین بار مردان و زنان به خود جرأت دهند و باور کنند که می‌شود فقر و گرسنگی، بیماری و استبداد را از بین برد.

در بخش اول تحلیلی از جنبش اجتماعی زنان در غرب ارائه شد بخش نخست به سنج‌شناسی فمینیسم اختصاص داشت. در این شماره که سبب‌شناسی فمینیسم نام دارد، از ساختار اجتماعی، اقتصادی نظام سرمایه‌داری و تأثیر آن بر زنان سخن می‌رود. ادامه‌ی تأثیرهای سیاسی، فردی و روان‌شناختی نظام سرمایه‌داری، بر زنان را در شماره بعد پی‌گیرید.

۱- ساختار اجتماعی نظام سرمایه‌داری و تأثیرات آن بر زنان

● ۱-۱- تحولات اجتماعی سرمایه‌داری و انقلاب صنعتی

به‌طور کلی، تحولات اجتماعی را که اندیشه‌های سرمایه‌داری، لیبرالیسم و نیز موج دوم صنعتی در جامعه‌ی غرب ایجاد کردند، تحولی بسیار فراگیر و عمیق بود. اگرچه تفکرات سرمایه‌داری از قرن ۱۴ و ۱۵ به تدریج در اروپا به وجود آمد، اما این جریان پس از گذر زمان، در قرن ۱۷ به صورت 'انقلاب' در ساختار جوامع اروپایی به وجود آمد. در این دوران انگیزه‌ی 'کار اقتصادی' و 'سود و سرمایه' به عنوان مؤثرترین عامل در تحول انقلاب عمل می‌کند. عملکرد این عوامل در زمینه‌ی مسائل اجتماعی غرب شامل موارد زیر است: ظهور تمدن جدید صنعتی و تفوق آن بر تمدن کشاورزی، دارای دستاوردهای متفاوتی نسبت به موج اول کشاورزی است. الوین تافلر، موج دوم انقلاب صنعتی و تفاوت آن را با دوران ماقبل صنعتی این چنین به تصویر می‌کشد:

«سی صد سال پیش به این طرف در طول کم و بیش نیم قرن، انفجاری رخ داد که امواج آن سراسر کره زمین را به لرزه درآورد، جوامع را در هم ریخت و تمدنی، نوین خلق کرد. این انفجار «انقلاب صنعتی» بود. نیروی جزر و مدغول آسای آن که همان موج دوم بود، با تمامی نهادهای گذشته تصادم کرد و باعث دگرگونی شیوه‌ی زندگی میلیون‌ها انسان شد. [در شیوه‌ی زندگی کشاورزی] زمین مبنای اقتصاد، زندگی، فرهنگ، ساختار خانواده و سیاست را تشکیل می‌داد. در همه‌ی آن‌ها حیات در حول و حوش دهکده‌ای شکل گرفت که در آن تقسیم ساده‌ای از کار حکم‌فرما بود و به تدریج طبقات معینی نظیر اشراف، روحانیون، رزم‌آوران، رعایا، بردگان یا غلامان، پدیدار شدند. در همه‌ی آن‌ها ساخت قدرت تمام و کمال استبدادی بود. در همه‌ی آن‌ها تولد، مقام فرد را در زندگی تعیین می‌کرد و اقتصاد نامتمرکز بود، به نحوی که هر ناحیه و محله بیش‌ترین قسمت مایحتاجش را خود فراهم می‌آورد. ... ولی تا سال‌های ۱۷۵۰-۱۶۵۰ می‌توانیم از جهان 'موج دوم' سخن بگوییم. علی‌رغم باقی‌مانده‌های گذشته بدوی و نشانه‌های آینده‌ی صنعتی، تمدن کشاورزی بر کره زمین سلطه‌ی کامل داشت و به نظر می‌رسد که قصد دارد برای همیشه چنین بماند. این جهانی بود که در آن 'انقلاب صنعتی' ناگهان ظاهر شد، موج دوم را به‌راه انداخت و ضدتمدنی عجیب، قدرتمند و فوق‌العاده پر انرژی خلق کرد. نظام صنعتی چیزی بیش از دودکش‌ها و خط تولید انبوه بود. 'نظام اجتماعی' غنی و چند وجهه‌ای بود که بر تمام جنبه‌های زندگی اثر گذاشت و همه خصایص گذشته‌ی 'موج اول' را مورد حمله قرار داد. ... همه چیز را به‌هم ربط داد و مانند قطعه‌های یک ماشین روی هم سوار کرد تا نظام اجتماعی قدرتمندتر، به‌هم پیوسته‌تر و جامع‌تری را که بشر تا آن زمان شناخته بود، به‌نام 'تمدن موج دوم' خلق نماید.»

«موج دوم با خود گستره‌ای شگفت‌انگیز از امید بشری به‌همراه آورد. برای اولین بار مردان و زنان به خود جرأت دادند تا باور کنند که می‌شود فقر و گرسنگی، بیماری و استبداد را از بین برد. نویسندگان و

فیلسوفان آرمان‌گرا از آبه مورلی، روبرت اوون سنت سیمون، فوریه، پرودون، لوتیس بلا ادوارد بلای و بسیاری دیگر در تمدن در حال تکو صنعتی، توانایی بالقوه‌ی برای ایجاد صلح، خدمت‌هماهنگی، اشتغال برای همه، تساوی ثروت، امکان دیدند و آن را پایان امتیازهای مبتنی بر ثروت و پای تمامی شرایطی که در طول صدها هزارسال حیات بدوی و هزاران سال تمدن کشاورزی به‌نظر تغییرناپذیر و ازلی می‌رسید ارزیابی کردند. ۲»

از دیگر دستاوردهای مهم موج دوم صنعتی و اندیشه‌ی سرمایه‌داری بالا رفتن ظرفیت تولید کالای خدمات در نتیجه عدم تکیه اقتصاد جامعه به تفکرات کشاورزی و استقرار نظام صنعتی بود که به‌طور فزاینده‌ی صورت مولد سود و سرمایه عمل می‌کرد. تداوم نظام، فرهنگ و شیوه‌ی جدیدی از زندگی را طریقی می‌کرد. چراکه فرهنگ پیشین که هنوز حاکم بود، تمدن نوظهور عناد داشت. این تقابل تمدن جدید قدیم، در نهایت به نفع نظام سرمایه‌داری تمام شد. **هارولد لاسکی** در این باره می‌نویسد: «سرمایه‌داران به‌طور ذاتی یک فلسفه است. بدین جهت آن‌هایی نظریه‌ی سرمایه‌داری را می‌پذیرفتند، احتیاج نداشتند برای توجیه اعمال خود به دلایلی خارج فلسفه مورد قبول خود استناد جویند. در نتیجه کلیه‌ی شئون، اعمال و اقدام‌های افراد، تحت سلطه انگیزه‌ی ثروت طلبی قرار گرفت و اگر چنین نشده سرمایه‌داری نمی‌توانست یک انقلاب واقعی ایجاد کند. سرمایه‌داری در وجه‌های مختلف اجتماعی با اصول سنت‌هایی مواجه گردید که مخالف او بودند. این وجه‌ها، بدون هیچ استثنایی اصول و سنت‌ها را نفی داد و یا درصد تغییر برآمد. سرمایه‌داری نخست آن رسوم قدیم را تغییر داد و سپس همه را یکباره کذا کرد.

... جان کلام آن که آیین سرمایه‌داری تولید کنند را از قید مقرراتی که مانع بهره‌برداری کامل از این تولید باشد آزاد کرد. تکامل آیین لیبرالیسم حقیقت پیدایش و توسعه نظریه‌ای است که مقصود توجیه این اقدام بود.»^۳

علل پیروزی افکار سرمایه‌داری این بود که افراد در چهارچوب قواعد و اصول کهن قادر نبودند، به‌طور کامل از ظرفیت تولید جدید بهره‌مند شوند و تنها همین یک جواب کافی و قانع‌کننده است. افراد جدیدی با روش‌های جدید چنان ثروت‌های عظیمی تولید کردند که در جامعه‌ی قدیم هرگز کسی امکان دسترسی به آن را نداشت. جاذبه‌ی این ثروت‌ها در مردم توقع‌ها و آرزوهای تازه‌ای ایجاد کرد و از آن‌جا که اساس جامعه به نحوی بود که این توقع‌ها و آرزوها را تأمین نمی‌کرد، حقانیت اساس اجتماعی موجود، مورد تردید قرار گرفت...

به همین جهت بود که نظام سرمایه‌داری در صد برآمد، فرهنگی متناسب با نظرات خویش به وجود آورد... سرمایه‌داری می‌خواست که برای سرمایه حقی قابل شود و آن را از مداخله هر قدرتی مصون و محفوظ نگاه دارد، به‌ناچار در راه حصول به مقصود خود از دو مرحله گذر کرد: نخست کوشش کرد تا راه نفوذ در عادات و رسوم، جامعه را تغییر دهد و به دنبال آن، تلاش خود را متوجه در دست گرفتن حکومت کرد. این نظام جامعه را تغییر می‌داد تا از راه تغییر عادات و رسوم، زمینه‌ی مساعد برای ابراز نظرات خویش فراهم کند و حکومت را در دست می‌گرفت تا قدرت حاکمه را برای پیشرفت و اشاعه‌ی مقاصد خویش مورد استفاده قرار دهد.^۲

«لیبرالیسم به سبب سابقه‌ی خود در مقابل سنت‌ها» ایستادگی کرد و به همین جهت طرفدار ابتکار عمل شخصی بود، به سنت‌ها و یک شکلی جامعه، که همیشه مورد توجه قدرت‌های سیاسی است، رغبتی نداشت، بدین معنی که تحمیل شکلی واحد از سنت‌ها را بر جامعه نوعی تجاوز به حقوق فردی می‌دانست و معتقد بود که افراد باید با رضایت و به مدد دانش خود قوانین عمومی را وضع کنند و عقیده داشت که اعتبار قوانین نباید به این سبب باشد که از طرف مرجعی عنوان شده، بلکه این اعتبار باید ناشی از رضایت و قبول عامه باشد. بدین ترتیب رنگی از رمانتیسم در لیبرالیسم وجود داشت که نقش و اهمیت آن زیاد است.^۳

● ۱-۲ - اتمیسم فلسفی یا اندیویدوالیسم

پس از این دیدگاه می‌توانیم به تلاش سرمایه‌داری و لیبرالیسم در جهت اصالت دادن فرد، پی‌بیریم. در عصر صنعتی، اتم‌گرایی فیزیکی (یعنی جهان یک کل یکپارچه نیست، بلکه از ذراتی مجرد، فناناپذیر، تجزیه‌ناپذیر، نامرنی و تفکیک‌ناپذیر تشکیل شده است)، به اتم‌گرایی فلسفی گسترش یافت. برای جامعه‌ی صنعتی در حال شکوفایی عمی جامعه‌ای که حرکت خود را به سوی تولید انبوه محصولات ماستنی، که هر کدام از اجزای مجرد تشکیل شده، آغازیده، این ایده که جهان از اجزا مجردی ترکیب یافته، امری اجتناب‌ناپذیر است. دلایل سیاسی و اجتماعی نیز برای پذیرش انگاره‌ی اتمی واقعیت وجود داشت. همان‌گونه که موج دوم نهادهای کهنه‌ی از پیش‌به‌جای مانده موج

اول را در هم شکست، لازم بود تا مردم را هم از چنگ «خانواده گسترده»، کلیسای مقتدر و سلطنت رها کنند. «سرمایه‌داری صنعتی به «خردمایه‌ای» برای فردباوری احتیاج داشت. همان‌طور که تمدن کهن کشاورزی روبه زوال می‌رفت و تجارت گسترش می‌یافت و تعداد شهرها نسبت به یکی دو قرن قبل از نظام صنعتی، چندین برابر می‌شد، طبقات در حال ترقی بازرگانان که خواستار آزادی تجارت و استفاده از وام و گسترش بازارهایشان بودند، مفهوم جدیدی از فرد ارائه دادند. براساس این مفهوم هر شخص به منزله‌ی یک اتم تلقی می‌شد. فرد دیگر تنهاعضو کنش‌پذیر قبیله، کاست یا طایفه نبوده، بلکه یک موجود آزاد و مستقل محسوب می‌شد. هر شخصی حق

داشت که صاحب مال و دارایی شود، اندوخته‌ای به دست آورد، به فعالیت و داد و ستد بپردازد، تلاش کند که موفق شود یا در گرسنگی بماند و همچنین از حق انتخاب مذهب و نیک بختی در زندگی خصوصی برخوردار شود. به‌طور خلاصه واقعیت صنعتی مفهومی از فرد ارایه داد که به میزان زیاد نظیر اتم بود یعنی تجزیه‌ناپذیر، فناناپذیر و ذره بنیادی جامعه.^۴

● ۱-۳ - تحول فرایند

جامعه‌پذیری

بدین ترتیب هم نگرش جامعه نسبت به فرد دگرگون شد و هم نگرش فرد نسبت به جامعه. به علاوه این که جامعه، انتظار نوع رفتار و شیوه‌ی زندگی دیگری را از افراد داشت.

بنابراین پدیده‌ای که فرد با طی کردن آن به عضوی از اجتماع مبدل می‌شد، دگرگون شد. یعنی در حوزه «جامعه‌پذیری» تحولی ایجاد شد. «در فرایند جامعه‌پذیری اعضای یک جامعه، یک گروه و یا یک خرده فرهنگ، کلیه ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها و مهارت‌های معنوی و مادی را فرا می‌گیرند تا به صورت انسان اجتماعی درآیند.»^۵ این فراگیری از طریق نهادهایی چون خانواده، آموزش و پرورش و غیره، اعمال می‌شود. در تحول‌های اجتماعی که در نتیجه‌ی

استقرار لیبرالیسم و انقلاب صنعتی در غرب صورت گرفت، علاوه بر تحول در جامعه‌پذیری به مفهوم عام، «جامعه‌پذیری جنسی» نیز متحول شد. در پدیده‌ی جامعه‌پذیری جنسی با افراد به اقتضای جنس آن‌ها به گونه‌های متفاوت برخورد می‌شود و پدیده‌ی اجتماعی شدن به دو طریق متضاد بر این دو جنس اعمال می‌شود و برعکس مردان، «زنان همواره با برخورداری انفعالی و حتی دفعی از متن کار و فعالیت‌های اجتماعی بیرون رانده و کنار گذاشته می‌شوند.»^۶ بنابراین به آنان واکنش «سلطه‌پذیری» از طریق نهادهای فوق‌الذکر به منظور سلطه به کل حیات وجودی ایشان - روح، ذهن، جسم و غیره - به اجبار



تعلیم داده می‌شود. متاکاپلان در این مورد می‌گوید: «تقریباً در همه سیستم‌های اجتماعی، ظلم بر زنان یا جامعه‌پذیری و سرکوب روان‌شناختی در ارتباط است، پرسوسه‌ای که مردم [آن‌را] ایستارهای اجتماعی و سیاسی می‌دانند. مهم است که به‌خاطر آورییم، آنچه ما به عنوان تفکرهای رایج در مورد زنان مدنظر داریم، اغلب اوقات طرز تلقی‌های مردان طبقه‌ی حاکم نسبت به زنانشان است، این تفکرها از طریق رسانه‌ها، آموزش نقش جنسی در مدارس و سازماندهی اجتماعی بر همه زنان و مردان ... رسوخ می‌کند. این ایده که همسر و مادر توسط کار شوهر مورد حمایت قرار می‌گیرند، ایده طبقه‌ی حاکم است... طبقه‌ی حاکمی که اغلب به این‌که مردان می‌توانند از زنانشان حمایت کنند و در عوض زنان در جامعه و خانه مطیع شوهرانشان باشند، مباحثات می‌کنند.»^۷

این ایده در نظام ماقبل صنعتی غرب نیز حاکم بوده است؛ چه زنانی که در طبقه‌ی ایت (تخیگان) حاکم فعالیت اقتصادی نمی‌کردند و چه زنان افشار پایین جامعه که مجبور به کار بودند، از دو طریق تحت فشار

● با پیدایش جامعه‌ی صنعتی و از میان رفتن روابط فئودالیت، زنان برای باز پس گرفتن آزادی و برابری از دست رفته‌شان شروع به تشکیل گروه‌هایی برای مبارزه کردند.

روابط سنتی حاکم بر جوامع ماقبل صنعتی شد. نتیجه خانواده و به دنبال آن منزلت سنتی ز دستخوش پریشانی و از هم گسیختگی شد. در پی زوال خاندان‌های اشرافی و ظهور دولت دموکراتیک، زنان طبقه‌های بالا، نفوذ سیاسی خود را از دست دادند. سوی دیگر، زنان طبقه‌های پایین نیز به علت صنعتی شدن، مقدار زیادی از کار سنتی خود را از دست دادند. از خانه به کارخانه کشیده شدند و پایه‌ی قدرت اقتصادی خود را از دست دادند. صنعتی شدن کار سنتی زنان به معنای آن بود که دیگر اداره‌ی صنایع اساسی خانگی مانند تهیه آذوقه، پارچه و لباس اختیار آنان خارج شده بود.

کاهش مشارکت زنان در اداره‌ی امور خانگی وابستگی آنان را به شوهرانشان افزایش داد و منجر به از بین رفتن قدرت آن‌ها در برابر همسرانشان شد. کاهش اهمیت خانواده و در نتیجه کاهش منزلت سیاسی و اقتصادی زنان نوبدیخس موقعیت جدیدی برای آن‌ها بود چرا که این بار به وابستگی‌های خانوادگی متکی نبود. نظام کارخانه‌ای و امکان کار ضروری برای نخستین بار دورنمای دموکراتیک جدید درباری و برابری و استقلال فردی زمینه‌ای برای چالش با فرضیه‌های سنتی درباره‌ی تابعیت طبیعی زن ^{۱۲-۱۳} مرد، فراهم آورد.

بدین‌سان واکنش «سلطه‌پذیری» که توسط فرهنگ قرون وسطایی از کانال‌های فوق‌الذکر به زنان القا می‌شد، زیر سؤال رفت و جامعه‌پذیری به گونه‌ی دیگری صورت پذیرفت.

در نتیجه باید توجه داشت که همراه با دگرگونی‌ها و تغییرات اجتماعی سریع، نه تنها سپیده‌ی جامعه‌پذیری متحول شد، بلکه جامعه‌پذیری ماقبل صنعتی دیگر نمی‌توانست پاسخ‌گوی نیازهای اقتصادی - اجتماعی آن جوامع باشد. بنابراین تمدن جدید با تغییر نهادهای جامعه‌پذیری، به ایده‌آه‌ی سازی نگرش‌ها و نقش‌های جدید جنسی اعضا با جامعه پرداخت و به قول تافلر: «تمدن جدید (تمدن صنعتی) با خود اشکال جدید خانواده، کار و عشق ورزیدن و زندگی، نظام جدید اقتصادی، تعارض‌ها، جدید سیاسی و مهم‌تر از همه آگاهی دگرگون یافته‌ی آنها به همراه آورد که عبارت بود از: تأثیر در خانواده، متزلزل ساختن سیستم اقتصادی و قلع کردن سیستم‌های سیاسی و درهم شکستن ارزش‌ها، زیر سؤال بردن روابط کهنه قدرت و مزایا و حقوق ویژه‌ی نخبگان، تأثیر بر روش‌های تولیدی، به مبارزه خواندن نظام کهنه ایجاب جریان‌ها در کار، زندگی خانوادگی، نگرش‌های جنسی اعتقادات اخلاقی و شخصی منعکس شده‌اند» ^{۱۴}

انواع این خانواده می‌توان **خانواده‌ی زادروگا** در بالکان و **خانواده گسترده** در اروپای غربی را نام برد. خانواده، ایستا بود و گویی ریشه در خاک داشت.

با آغاز حرکت موج دوم، در جوامع موج اول، خانواده فشار تحول را حس کرد. در درون هر خانواری برخورد امواج پیشگام به شکل تعارض/حمله به اقتدار پدرشاهی و روابط دگرگونی یافته والدین و فرزندان و مفاهیم جدید آداب و معاشرت ظاهر شد. با انتقال تولید اقتصادی از مزرعه به کارخانه، افراد خانواده، دیگر به صورت یک واحد با یکدیگر کار نکردند. با نیاز به کارگران برای کار در کارخانه، وظایف اصلی خانواده به نهادهای تخصصی دیگر واگذار شد. تعلیم و تربیت کودکان را مدارس بر عهده گرفت. مواظبت از سالخورده‌گان به خانه‌های سالمندان یا مراکز رفاهی دیگر سپرده شد. بالاتر از همه، جامعه‌ی نوین به تحرک نیاز داشت. کارگرانی مورد نیاز بودند که به دنبال شغل از این‌جا به آن‌جا بروند. خانواده‌ی گسترده با داشتن مسئولیت خویشاوندان سالخورده و بیمار معلول بر دوش و داشتن عده‌ی زیادی کودک قادر به هیچ‌گونه تحرکی نبودند. بنابراین ساخت خانواده به تدریج شروع به تغییر کرد. مهاجرت به شهرها رشته‌ی خانواده را از هم گسست و بحران‌های اقتصادی ویرانگر، خانواده‌ها را بر آن داشت که خود را از زیر بار گران خویشاوندان ناخواسته، رها کنند. کوچک‌تر و کوچک‌تر شوند تا بتوانند از تحرک بیش‌تری برخوردار شوند.

«خانواده هسته‌ای» متشکل از پدر، مادر و عده کمی فرزند، بدون خویشاوند دست و پاگیر، الگوی نوین مورد قبول همه جوامع صنعتی شد» ^{۱۱}

«این تحول که در نتیجه‌ی مناسبات و فرهنگ صنعتی و بر مبنای ضرورت‌های گریزناپذیر شهرنشینی شکل گرفت به تدریج سبب شد که زن در خانواده قدرت بیش‌تری را نسبت به موقعیتش در خانواده گسترده به دست بیاورد. زیرا مردان خانواده فقط به یک مرد (شوهر) محدود می‌شد، در صورتی که در خانواده سنتی و گسترده زنان زیر نفوذ چندین و چند مرکز تصمیم‌گیرنده یعنی تمام مردان خانواده (پدرشوهر، شوهر، برادرشوهر، برادر و پدر) قرار داشتند؛ بالتبع در تصمیم‌گیری‌ها نقش چندانی بر عهده نداشتند ولی با این تحول زنان توانستند در تصمیم‌گیری‌ها در محدوده خانواده نیز نقش بیش‌تری ایفا کنند» ^{۱۲}

در رابطه با تحول موقعیت زنان **آلیسون جگر** در کتاب «سیاست‌های فمینیست و ذات بشر» تحلیل زیر را ارائه می‌دهد:

«پدیده‌ی صنعتی شدن، همراه با ظهور دولت دموکراتیک، ^{۱۳-۱۴} موجب ویرانی و سپس تغییر شکل

نظام پدرسالار قرار داشتند: یکی کلیسا، دومی خانواده (کلیسای کاتولیک، خانواده گسترده)

۱- تقابل بورژوازی با کلیسای کاتولیک

همان‌طور که در قبل نیز اشاره کردیم بورژوازی در راه پیش‌برد اهداف خود از جریان رفرمیسم مذهبی در اروپا بهره جست و از طریق آن با کلیسای کاتولیک رو در رو شد.

«... غرب از نظر فلسفی، فکری، اجتماعی و تولیدی، از نظر تمدن و فرهنگ با قرون وسطی یعنی مذهب قرون وسطایی کلیسا و مذهب کاتولیک‌های حاکم بر غرب، درگیر مبارزه‌ای همه جانبه بود و خودبه‌خود با همه قیدها، حدود و ارزش‌های اخلاقی و فکری و اعتقادی که کلیسا به نام دین از آن‌ها دفاع و حمایت می‌کرد، در افتاده و به آن‌ها حمله کرده و آن‌ها را نابود کرده بود و در مسیر پایگاه‌هایی که همواره دین و مذهب، نگاهبان بود، ارزش و حقوق و شخصیت معنوی و اجتماعی و انسانی زن را که همراه با قید و بندها و سنت‌های ضد زن و انحرافی بود در آمیخته‌ای به نام سنت مذهبی و در مجموعه‌ای به نام دین حمایت می‌کرد. بعد از رنسانس و بعد از رشد بورژوازی و انقلاب بورژوازی، فرهنگ بورژوازی که آزادی فرد است بر کلیسا پیروز شد. با این پیروزی، بر حاکمیت حقوقی و اخلاقی و روحی و علمی کلیسا و مذهب، خود به خود این پایگاه هم در مسیر هجوم و حمله بورژوازی نابود شد و نتیجه‌ای که همه قیدها و ارزش‌ها، و حتی سنت‌های انحرافی یا سنت‌های انسانی و ارزش‌های مثبت یا منفی درباره‌ی زن که به نام دین از آن‌ها حمایت می‌شد، در برابر رشد بورژوازی و فرهنگ بورژوازی فروریخت» ^{۱۱}

به این ترتیب به مهم‌ترین نهاد جامعه‌پذیری یعنی کلیسا ضربه مهلکی وارد شد و به تبع آن زنان از تعهدهای ناشی از ارزش‌ها و سنت‌های اجتماعی که مذهب کاتولیک به وجود آورده بود، فارغ شدند و به ارزش‌های دیگری که این بار نظم نوین سرمایه‌داری آفریده بود، متعهد شدند و از جامعه و فرهنگی که تساهل مذهبی در آن رواج یافته بودند، با هویتی دیگر به جامعه‌ی نوین ملحق شدند.

۲- تحول در نهاد خانواده

قبل از انقلاب صنعتی مردم به زندگی در خانواده‌های بزرگ چند نسلی تمایل داشتند که متشکل بود از عمو - دایی - عمه - خاله - اقوام زن - شوهر - مادر بزرگ - پدر بزرگ، که همگی زیر یک سقف به سر می‌بردند و به صورت یک واحد تولید اقتصادی با هم کار می‌کردند. از



بر این اساس می‌توانیم ادعا کنیم که: «روند صنعتی شدن باعث تحول در محدودیت‌های سنتی می‌شود و الگوی سنتی تبعیض جنسی را تغییر می‌دهد»^{۱۵}

با پیدایش جوامع مدرن، در تعریف جامعه‌پذیری نیز تجدید نظر به عمل آمد. «چرا که ایدئولوژی مدرنیته، با تأکید بر آزادی، برابری و موفقیت به عنوان هنجارهای جهانی و متعالی و [تاکید بر] ویژگی‌های شخصی سودمند، با هنجارهای فرهنگی فراکیر، تصادم پیدا می‌کند و با این واقعیت اجتماعی که تصاویر متعارضی از نقش‌ها و نگرش‌ها ایده‌آل مونث را منتقل می‌کند، حمایت می‌شود»^{۱۶}

بنابراین جریان صنعتی شدن و تفکرهای سرمایه‌داری در اروپا، با طرح ایده اصالت فرد، و از جمله زن و اعتقاد به توان انسان برای نیل به کمال نهایی بدون هیچ واسطه‌ای، حتی کلیسای کاتولیک، به آن‌گونه که پروتستان‌تیسیم معتقد است، زن را در فضایی قرار می‌دهد که ناگزیر برای نیل به استقلال فردی می‌کوشد و با هویت جدیدی که ایدئولوژی مدرنیته برایش خلق نموده، «پرسنالیسم» را به مثابه فلسفه‌ای برگرفته از اندیویدوالیسم می‌آفریند:

«فلسفه‌ای که گروهی از فمینیست‌ها مبارزات خود را تحت تأثیر آن قرار دادند. این فلسفه دلایل ابزاری (توجیه اقتصادی نقش کارکردی مادر و همسر) را رد می‌کرد و خواهان حیثیت و کرامت فردی بود. پرسنالیسم برای فمینیست‌های آن عصر این الزام را فراهم آورد که برای هر موجود شرافتمندی طرد تبعیض بین زن و مرد به مثابه طردی است که در هر موجود انسانی از طبقات یا نژادهای مختلف مطرح می‌شود و طرد تبعیض بین مردان طبقات و نژادهای مختلف در مورد زنان نیز صادق است. این اصل عقیده دارد نفی جنسیت، فرعی از نفی طبقاتی و نژادی است. همان‌گونه که سلطه بر نسان‌ها به بهانه‌ی رنگ، نژاد و سرزمین، محکوم است؛ سلطه بر نسان‌ها به بهانه‌ی رنگ، نژاد و مؤنث نیز محکوم است»^{۱۷}

همچنین زنان با تحول جامعه‌پذیری به حقایق نوینی دست یافتند. «این که گفته و نوشته شده است که مقام و موقعیت درجه دوم زنان در جوامع، ناشی از طبیعت و سرشت آن‌هاست، چندان با حقایق علمی سازگار نیست و همان‌گونه که اولین ریپد تحقیق کرده است، موقعیت پست‌تر زنان در جامعه نتیجه روابط اجتماعی و حاصل حاکمیت مردان است و نه مربوط به سرشت و ساختمان بدنی آنان»^{۱۸}

«در این رابطه گروهی از نظریه پردازان فمینیست، فمینیست‌های لیبرال، معتقدند که از نظر

اندیشه‌های سرمایه‌داری نیز از حمایت کرد.

۲- تأثیر ساختار اقتصادی نظام سرمایه‌داری بر زنان

از دست‌دادن نقش‌هایی که زنان در نظام فئودالی داشتند و ایجاد فاصله‌ی زمانی برای یافتن نقش‌های جدید تأثیر بسیار زیادی بر زنان داشت. همچنین در نظام صنعتی که الیت فئودال از بین رفت و طبقه‌ی بورژوازی روی کار آمد، به قشر متوسط در جامعه افزوده شد. چرا که ثروتمندترین قشر، ملاکان زمین، مضمحل شده بودند و فقیرترین اقشار در نتیجه‌ی تنوع مشاغل صنعتی، راحت‌تر از قبل توان کسب کار و درآمد را یافته بودند؛ بنابراین «طبقه‌ی متوسط» در جامعه شکل گرفت. طبقه‌ی متوسط، یعنی طبقه‌ای که بین دوطیف فقر و ثروت قرار دارد.

همچنین وضعیت اقتصادی زنان درحالی بین فقر و ثروت، بین فشار اقتصادی و تلاش برای استقلال، باعث به‌کارگیری تدبیرهایی توسط زنان می‌شوند؛ تعمق در این پدیده ذهن ما را به سوی آنچه تحت عنوان فمینیسم می‌شناسیم، رهنمون خواهد شد.

بررسی تحول موقعیت اقتصادی زنان، یکی از راه‌هایی است که می‌توانیم از طریق آن به چرایی پیدایش فمینیسم در غرب پی ببریم. زنان که قبل از انقلاب صنعتی از فعالیت و کار اجتماعی، کار بیرون از چهارچوب خانواده دور بودند و برای زنده ماندن، در خفا و در محیط خانه به تولید خانگی (عمدتاً بدون مزد) می‌پرداختند، اینک مستقیماً وارد بازار کار شدند... در چنین دورانی اگرچه شرایط کار در بیرون از خانواده برای زنان بسیار طاققت‌فرساست و سیستم تقسیم‌کار، زنان را در مشاغلی جای می‌دهد که حداقل دستمزد را دارد اما در عین حال سبب می‌شود که زمینه‌ی فعالیت اجتماعی و عرصه‌ی رقابت با مردان در فعالیت‌های اقتصادی برایشان فراهم آید و در نتیجه وابستگی اقتصادی آنان به مردان به تدریج رنگ ببازد.

در واقع تا پیش از انقلاب صنعتی به دلیل این‌که کارهنوز گروهی و اجتماعی نشده بود و عرصه‌ی فعالیت‌های تولیدی و فردی، محدود به چارچوب سنتی خانواده بود، اعتراض‌های اجتماعی برای کسب حقوق نیز نمی‌توانست شکلی واحد و سازمان یافته به خود بگیرد.

از سویی نگرش نوین سرمایه‌داری که در رویارویی با مناسبت‌ها و فرهنگ بازدارنده‌ی فئودالی با شمار احترام به آزادی‌های فردی و حقوق مساوی برای

جامعه‌شناسی، تمایز مشهود میان دو جنس ذاتی نیست، یعنی در نتیجه تفاوت‌های زیستی حاصل نشده، بلکه این تمایز در نتیجه روند جامعه‌پذیری متفاوت و شرطی شدن نقش‌های جنسی به وجود آمده است»^{۱۹}

بنابراین در این فضای فکری، زنان خود را ناگزیر به مقابله با موانع در راه کسب حقوق خویش می‌دیدند: «با پیدایش جامعه‌ی صنعتی و از میان رفتن روابط اجتماعی و سیاسی دوره‌ی فئودالیت‌ه زنان برای باز پس گرفتن آزادی و برابری از دست رفته‌شان شروع به تشکیل دادن گروه‌هایی برای مبارزه کردند»^{۲۰} و موقعیت خویش را بیش از پیش تغییر دادند. ولی این تغییر موقعیت زنان، در غرب آن‌طور که آلیسون جگر استدلال می‌کند «در نتیجه‌ی دگرگونی نقش و اهمیت اقتصادی و سیاسی خانواده بود»^{۲۱} چراکه تغییر ساختار زنان هم به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماع، باعث تحول عمیق می‌شود و هم باعث تغییر نگرش موقعیتش در جامعه و این تغییر و تحول که به‌طور بنیادی در روند صنعتی شدن در غرب صورت گرفت،

تقابل عشق و خشونت

می‌شد وقتی صحبت‌های اولیه به اتمام می‌رسید احساس می‌کردم که راحت می‌توانم کار کنم. البته این نقش‌ها چندان راضی‌کننده نبود چون فکر می‌کنم در یک کار هنری عوامل مهم دیگری هم وجود دارد مثل خود نقش، کیفیت و کمیت نقش. به هر حال کارهای سینمایی من فعالیت‌های چندان چشمگیری نبوده خود من آن‌ها را جزو فعالیت‌های کاریم به حساب نمی‌آورم.

- حالا بیاییم به سراغ نمایش مصاحبه، در مورد صفتیه که در این نمایش شما نقش آن را بازی می‌کنید، صحبت کنید.

- در مورد نقش نمی‌توانم توضیح خاصی بدهم. این نمایشنامه یک شخصیت را معرفی می‌کند و من آگ بخواهم نقش را توضیح بدهم کل نمایشنامه را بیان کرده‌ام. فقط می‌توانم بگویم که شاید یکی از سخت‌ترین کارهای من در این نمایش بود.

به هر حال مونولوگ و تک‌گویی از سخت‌ترین کارها در بازیگری است. نمایش را خیلی دوست دارم از کار و تمرین هم راضی هستم، منتها نمی‌دانم کار چه حد موفق بوده است؟ و این کار را در جشنواره شانزدهم فجر به روی صحنه بردیم. متأسفانه آن زمان رییس مرکز هنرهای نمایشی تازه آمده بودند و شرایط خوبی مهیا نبود و حتی از نظر محل تمرین در مضیق بودیم و در منزل کار می‌کردیم. از دی ماه به طو پراکنده تمرینات را شروع کردیم و بهمین ماه کار را جشنواره اجرا کردیم. در حال حاضر هم قرار بود نمایشنامه‌ای به نام مجلس نامه را اجرا کنیم که بنا بر دلایلی قرار شد این کار به تعویق بیفتد و ما با یک تمرین یک هفته‌ای مصاحبه را برای اجرا آماده کردیم.

- چه خصوصیات در صفتیه دیدید که با او ارتباط برقرار کردید؟

- به عنوان نقش چیزی که برای من جالب بود، آر دردی بود که این آدم کشیده و رنج و اندوهی که با خود همراه دارد. گاهی اوقات آدم‌ها طوری به هم نزدیک می‌شوند که می‌توانند یک فصل مشترک با هم داشته باشند. درد و رنج این دختر باعث شد که من به آر نزدیک بشوم. عشقی که او به مادر دارد و... همگی ملموس بود و راحت می‌شد با او ارتباط برقرار کرد صحبت کرد. اما شرایطی که این آدم پشت سر گذاشت بود و دوران پر التهابی که گذرانده بود و زجری که در این دوران بر این آدم مستولی شده بود برایم زیبا بود در تعجب هستم که چطور این آدم با این روحیه زندگی می‌کند و با مردم ارتباط برقرار می‌کند. حال این که پایان نمایش چگونه باشد و... بحثی جداست شخصیت صفتیه چیز خاصی ندارد و خیلی شبیه ب

اسپر شکنجه‌گران فرانسوی می‌شود. او که از خشونت بیش از حد فرانسوی‌ها به ستوه آمده، دست به عملی می‌زند که شاید برای تماشاچی قابل درک و باور نباشد...

- کدام یک از کارهایتان بیش‌تر مورد پسندتان قرار گرفته است؟

- کارهایی که من اجرا کردم همگی در یک حد نیستند. به دلیل عدم آشنایی، با گروه‌هایی همکاری می‌کردم که شناخت دقیقی از آن‌ها نداشتیم و به همین دلیل شاید در کارهایی که از نظر ارزش‌گذاری چندان خوب نباشند، شرکت داشتیم ولی به عنوان تجربه، تأثیر بسزایی بر من داشتند. به همین دلیل نمی‌توانم بگویم کدام کارم از بقیه بهتر بوده است. البته مجموعه کارهایی که با آقای رحمانیان انجام دادم تا به حال برایم رضایت‌بخش بوده است.

- علت خاصی داشته‌که اکثر کارهای شما با آقای رحمانیان (همسرتان) بوده است؟

- بله، مادر دانشکده گروه دانشجویی داشتیم. از آن‌جا با دید و تفکر ایشان نسبت به مسائل اجتماعی آشنا شدم و آن را پسندیدم. همین مسئله باعث همکاری بیش‌تر ما می‌شد که این قضیه تا به حال ادامه پیدا کرده است.

- موافقت درباره‌ی کارنامه‌ی سینمایی و کارهای تلویزیونی شما که بیش‌تر تله تاترها و تاترهای تلویزیونی هستند صحبت کنید.

- بله، تقریباً کارهای تلویزیونی من به تله تاترها محدود می‌شود و آن هم به علت شرایطی که برای تاتر پیش آمده بود، چون شرایط برای کار مناسب نبود، طبیعی است که یک سری افراد تأثیری به تلویزیون سوق پیدا کردند و کارهایی را که سابقاً نمی‌شد در سانس‌های نمایشی کار کرد، توانستیم در تلویزیون ضبط کنیم که یک بخش زیادی از تله تاترهایی که من در آن‌ها حضور داشتم شامل همین نوع کارها می‌شود. در سینما فعالیت آنچنانی نداشتیم، خصوصاً خیلی کم در چند اثر سینمایی که شامل مسافران (بهرام بیضایی)،

الوالو من جوجوام (مرضیه برومند) دنیای وارونه (شهریار بحرانی) کل فعالیت من در سینما می‌شود.

البته من بیش‌تر به خاطر خودکار، محیط پشت صحنه کار و گروه جذب این کارها شدم تا مسائلی مانند نقش و...

- یعنی نقش، متن و قوت کار و کارگردان برایتان اهمیتی نداشته است؟

- چرا این‌ها هم تأثیر داشته است ولی شاید گروه و افراد آن بیش‌تر برایم اهمیت داشت و همین مسئله باعث

این روزها، نمایش مصاحبه به نویسندگی و کارگردانی محمد رحمانیان و بازی حبیب رضایی و مهتاب نصیرپور در سالن چهارسوی تاتر شهر اجرا می‌شود. این نمایش که از دو سال پیش تاکنون در حسرت اجرای عمومی مانده است، هم اکنون با استقبال خوب به روی صحنه می‌رود. این موضوع پنهان‌اشد تا با بازیگر زن این نمایش، مهتاب نصیرپور به گفت‌وگو بنشینیم.

نصیرپور سال ۷۲ در رشته تاتر از دانشکده‌ی هنرهای زیبا فارغ‌التحصیل شد. او که کارهای بسته و گریخته‌ای در تاتر داشته است، تاکنون نتوانسته از استعداد ذاتی خود آنچنان که باید و شاید استفاده کند. اکثر مردم



نیز او را با تاترهای موفقش می‌شناسند. مهتاب نصیرپور که تا به حال در تله تاترهای چراغ گاز، خانه‌های اجاره‌ای، همه پسران من، فیزیک دان‌ها، سوء تفاهم و شاهدی برای بازپرسی بازی کرده است در چند فیلم سینمایی و چندین مجموعه تلویزیونی نیز ایفای نقش کرده است. البته علاقه‌ی بیش از حد او به تاتر هیچ‌گاه اجازه‌ی دوری وی از صحنه را نمی‌دهد، نصیرپور این‌بار نیز با اجرایی نسبتاً قوی نقش دختری الجزیری را بازی می‌کند که گام در راه آزادی وطن گذارده و



سپهر علی آبادی

- مرکز هنرهای نمایشی دچار تغییر و تحول شده است آیا شما به این تغییر و تحول به هدف سوق پیدا کردن جریان تئاتر به بستری مناسب اعتقاد دارید؟

- بله، نمونه‌اش همین نمایش که ما حدود شش یا هفت سال پیش پیشنهاد اجرای آن را به مرکز هنرهای نمایشی دادیم که این پیشنهاد رد شد. این نمایش لطمه‌ای به شرایط جامعه نمی‌زند و این حرف‌ها و پیام‌ها باید توسط هنرمندان گفته شود. الان فضای بازتری ایجاد شده و به عنوان بازیگر می‌گویم که دست‌اندرکاران تأثیر تلاش می‌کنند تا فضای مناسب‌تری به وجود بیاید و متعاقب آن گروه‌های

- فضای نمایش بر روی دایره‌گردان محدود است. آیا این به معنی محدود بودن نعیم و صفیه نیست؟ آیا این حرکت دایره‌ی سیر تکاملی و رو به جلو این دو را نشان می‌دهد؟

- من نمی‌دانم و فکر می‌کنم باید از کارگردان پرسید. اما به نظر من این نمایش خیلی ساده است، چه از نظر اجرا و چه از نظر اسم که مصاحبه است با دو نفر از اقشار آسیب دیده‌ی جامعه. من که خودم در صحنه هستم، احساس می‌کنم، آدم‌هایی هستیم که مثل مدل در ویتترین قرار داریم تا دیگران ببینند و ما را ببینند. ما به عنوان دو نمونه و شاید به عنوان الگو روی صحنه هستیم و قشنگی حرکت دایره این است که وقتی تماشاچی حرکت گردشی را می‌بینند گمان می‌برد که طرف دیگر سکه، چیز دیگری باشد، اما می‌بیند آن طرف هم مثل طرف دیگر است.

- نعیم و صفیه وجه اشتراک فراوانی دارند ولی بین این دو تضاد هم هست، به نظر شما تضاد خاصی بین این دو وجود دارد؟

- نعیم تا حدی عقب افتاده و از لحاظ ذهنی آدم دورمانده‌ای است، او آدم بسیار ساده‌ای است و عملی که انجام می‌دهد کاملاً از روی سادگی است. صفیه تا حدی پیچیده‌تر است و رفتاری که از او سر می‌زند از سر پیچیدگی است. هر دو یک عمل را انجام می‌دهند شاید تضادشان در نوع عملکردشان است. تأثیر خشونت در این دو به صورت خشونت ظهور می‌کند و این را به وضوح می‌بینیم این‌جا تأثیر خشونت بسیار مخرب‌تر است و این دو عشق خود را از بین می‌برند و نابود می‌کنند و این مسئله تأثیر خشونت قبلی‌ست که در این‌فرد باقی مانده است. به هر حال فکر نمی‌کنم تضاد خاصی وجود داشته باشد.

- نقش مادر صفیه در زندگی او چیست؟ چرا مادر نتوانسته بر او تأثیرگذار باشد؟

- یک جور سمبل عشق است. برای دختری که به علت شرایط خاص نمی‌تواند با جامعه ارتباط برقرار کند و یا ازدواج کند و به آینده امیدوار باشد، مادر تنها کسی‌ست که به عنوان یک وزنه می‌تواند او را نگه دارد و به او آرامش دهد. مادر سمبل عشق و عاطفه است ولی صفیه در پایان او را از بین می‌برد. با از بین رفتن مادر، صفیه دلیلی برای زندگی ندارد و دائماً کابوس می‌بیند و می‌خواهد دنیا را از بین ببرد.

- نقش صفیه در قالب یک مرد می‌توانست معنی پیدا کند؟

- نه نمی‌توانست، اگر بخواهیم نمونه‌های این چنینی داشته باشیم می‌توانیم نعیم را مثال بزنیم ولی با این شرایط، صفیه نمی‌تواند در قالب یک مرد باشد.

ختره‌هایی‌ست که در جامعه ما هستند. حالا شرایطی رای او به وجود آمده است که باز هم قابل درک است و من می‌توانم شرایط او را درک کنم.

آیا صفیه نماد دختری شکست خورده است که در حاشیه جامعه قرار گرفته؟

فکر می‌کنم اگر قضیه را بازتر کنیم. می‌توانیم نگاه جدیدی داشته باشیم. این نمایش تقابل عشق و خشونت است. وقتی خشونت بیش از حد مجاز باشد ن وقت چیز دیگری برای آدم در زندگی نمی‌ماند. همان‌طور که برای این دختر پیش می‌آید. من فکر می‌کنم به دلیل مسئله انقلاب و شرایط اجتماعی که در گذشته‌ی این آدم بوده است او جزء آدم‌های تاریخ مصرف گذشته است، صفیه این احساس را نسبت به خود دارد. او آدمی‌ست که در دوران خیلی تأثیرگذار بوده است، فعالیت می‌کرده و در روند اجتماعی و تفافات آینده کشورش نقش داشته است ولی الان انقلاب تمام شده است و این آدم با تمام مسائل و مشکلاتی که داشته به یک گوشه افتاده است و دیگر مصرفی ندارد. فکر می‌کنید دلیل آن چه می‌تواند باشد؟ همان موردی که گفتم: مسئله‌ی بحران اجتماعی که در جامعه‌ی او پیش آمده و مسائلی که بر این آدم گذشته است.

- آیا صفیه عشق به زندگی را فدای عشق به آرمان و هدف نکرده است؟

- این طور فکر نمی‌کنم، نه نه این‌طور نیست... فکر می‌کنم لطماتی به این آدم وارد آمده است و خیلی ساده است که نمی‌تواند مثل بقیه راحت زندگی کند. از این طرف جامعه هم می‌خواهد بعد از بحران‌هایی که این آدم گذرانده و همچنین بعد از گذشت انقلاب، او را تبدیل به یک آدم معمولی و سالم کند.

- ما در انتهای نمایش می‌بینیم که صفیه (نماد قشر آسیب دیده) راه چاره‌ای ندارد و سرگردان و بی‌هدف می‌ماند؟

- این حقیقتی‌ست که نمی‌توان آن را انکار کرد. واقعاً هم نقش ندارد و کاری هم نمی‌تواند بکند و نمایش هم در صدد چاره‌جویی نیست. نمایش می‌خواهد این افراد را نشان بدهد. یک سری لطمات و زیان‌هایی است که به این آدم‌ها وارد شده که شاید به چشم نیاید. اما زخم‌هایی هستند که دیده نمی‌شوند. وجود دارند و هست. این مسائل می‌تواند بعداً در روند و حرکت جامعه به سوی آینده تأثیرگذار باشد.

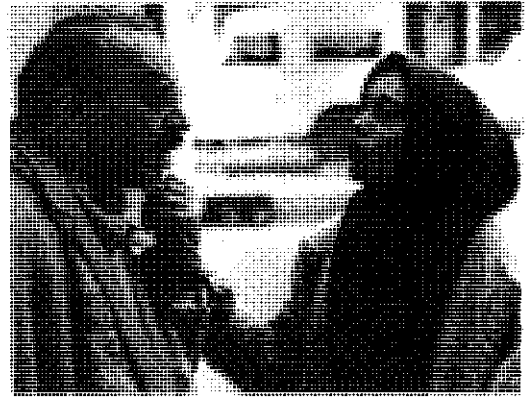


اجرا در بیاورند. البته معتمد که تغییرات تنها در یک بعد نمی‌تواند اتفاق بیفتد. مخصوصاً مسئله هنر که به مسائل دیگر اجتماعی وابسته است و اگر آن‌ها سامان بگیرد قاعدتاً روی تئاتر که یکی از شاخه‌های هنر است. تأثیر مستقیم می‌گذارد.

- زنان در تأثیر امروز محدودیت‌هایی دارند؟

- من محدودیت خاصی را نمی‌بینم. الان هر زنی می‌تواند فعالیت کند، کارگردانی کند و بازی کند، حتا می‌توانم بگویم که فعالیت و بازی در تئاتر برای زنان راحت‌تر از تلویزیون و سینما است. حالا به علت

کسی در انتظار او نیست



دختری با کفش‌های کتانی شاید جذاب‌ترین و باورپذیرترین فیلم صدرعالمی باشد، او که در کارنامه‌ی خود فیلم‌های خانوادگی و ملودرام **راهی، گل‌های داوودی، پاییزان و قربانی** را دارد، در آثار پراکنده‌ی سینمایی خود مشکلات خانوادگی را طرح کرده است اما این بار صدرعالمی موضوعی را نشانه می‌رود که کم‌تر در جامعه‌ی ما به آن پرداخته شده است. البته در این برهه از زمان که کارگردانان جوایز نام تنها به خاطر تسخیر گیشه و ثبت اثر سینمایی، در کارنامه‌ی خود موضوع جوانان را برای کار انتخاب می‌کنند و موضوعات جدید (بخوانید محدودیت‌های سابق) را سرلوحه‌ی کار خود قرار می‌دهند، صدرعاملی اثری جسورانه و متفکرانه را به سینمای حال حاضر ایران تقدیم می‌کند.

درست است که حذف بعضی سکانس‌ها به فیلم و ریتم آن ضربه وارد کرده است ولی باید مد نظر داشت که در حال حاضر جامعه‌ی ما ظرفیتی بیش از این را ندارد. دختری با کفش‌های کتانی از نماهای اولیه تساپایان، ریاکاری افراد جامعه و سرخوردهای

نامعقولانه‌ی خانواده‌ها در برابر فرزندانشان را به نمایش می‌گذارد.

نباید از این حقیقت گذشت که فیلم از ابتدا به طرح مضمون می‌پردازد و هیچ‌گاه تحلیل‌وار عمل نمی‌کند. صدرعاملی نمی‌خواهد شخص خاصی را مورد انتقاد مستقیم قرار دهد و تماشاچی تا پایان فیلم مقصر اصلی را نمی‌شناسد: تداعی، خانواده، آیدین، جامعه! خانواده‌ی تداعی که از افراد سنتی و تازه به دوران رسیده هستند با دختر خود همدردی نمی‌کنند و مشکل کوچک او را آنچنان بزرگ می‌کنند که دخترک راهی جز فرار بر خود نمی‌بیند. خانواده‌ی تداعی، در برابر دختر خود چندان سنجیده عمل نمی‌کنند و هیچ کدام از اشتباهات دختر را خود بر گردن نمی‌گیرند و نمی‌پذیرند که بسیاری از این مسائل به خود آن‌ها باز می‌گردد.

دوگانگی شخصیت پدر و مادر و برخوردهای متفاوت و ضد و نقیض این دو، تداعی را دچار سردرگمی می‌کند. دخترک که از رفتار و گفتار خانواده و برخورد ناشایست آنان به ستوه آمده، راه فرار را بر می‌گزیند. در همین زمان، رفتار پدر آیدین معقولانه‌تر به نظر می‌رسد. او پسر را از محیط دور می‌کند و با او درباره‌ی آینده و مشکلاتش به گفت‌وگو می‌نشیند و آیدین را مجاب به ترک این دوستی می‌کند. البته تضاد بین واقعیت‌ها و فضای موجود در بسیاری از صحنه‌های فیلم به نمایش در می‌آید.

در تمامی سکانس‌ها تماشاگر با شخصیت اصلی هم‌دل و همراه است و کاملاً با او ارتباط برقرار می‌کند. مشکلات و سردرگمی‌های تداعی آنچنان عیان می‌شود که جنبه‌ی عینی و نقادانه آن به تماشاچی منتقل می‌گردد.

دختری با کفش‌های کتانی یک اثر فرم نیست،

چون فرم آیزود ی فیلم در سکانس‌های پایانی کاملاً برهم می‌خورد. فیلم سرگذشت دختر کم سن و سال معصومی ست که اسیر خیالبافی‌ها و آرزوهای بزرگ کودگانه خود قرار گرفته است. او که از سوی خانواده طرد شده است به ناچار همه چیز زندگی را در رسیدن به محبوب خود و همراه و همسفر او شدن می‌داند. تداعی می‌خواهد به این افسانه‌ی شخصی خود (برگرفته از کتاب کیمیاگر که راهنما و الگوی آیدین تداعی است) دست پیدا کند. به هر قیمتی!

دخترک که جزء نسل جدید به شمار می‌رود، فراه از سن خود فکر می‌کند ولی مسائل را سطحی می‌نگرد او می‌خواهد از جو حاضر و مناسبات و روابط موجود دل بکند و بالاتر از همه این‌ها باشد. (راه رفتن همیشگی تداعی روی بلوک‌های سیمانی گواه این مدعاست.)

فیلم مردم شعار دهنده و مصلحت‌اندیش بی‌عمل را به خوبی به تصویر می‌کشد همان‌طور که تداعی برای گرفتن کمک و راهنمایی به دوست، آشنا و معلم رجوع می‌کند ولی دست آخر سرخورده و مایوس به راهی نامشخص قدم می‌گذارد.

فیلم از لحاظ فضا سازی، نورپردازی، حرکت دوربین و عوامل صحنه‌ای چنگی به دل نمی‌زند موسیقی فیلم هم هیچ‌گونه هماهنگی و همخوانی با فیلم ندارد و در هیچ‌یک از صحنه‌ها کمکی به اثر نمی‌کند. استفاده از بازیگران حرفه‌ای و معروف و شلوغ کردن صحنه‌ها هم از نقاط ضعف فیلم به شمار می‌رود که به ریتم کند فیلم، کمکی نمی‌کند.

تداعی در نماهای پایانی با آیدین دیدار می‌کند ولی وقتی از تغییر عقیده‌ی او باخبر می‌شود کتاب شاخه گل را برایش به یادگاری می‌گذارد و پوزخند می‌زند. پوزخندی که همه را نشانه می‌رود. این بی‌دخترک به خانه باز می‌گردد (همسطح خیابان) اما چراغ‌های خاموش خانه، نشان می‌دهد که کسی در انتظار او نیست! آیا نمای پایانی دلخواه کارگردان ایران بوده است؟! □

محمد رضا سروش

از مسائل هنری نمی‌تواند باشد. بلکه بر می‌گردد به زمینه اجتماعی و فرهنگی و تعلیم و تربیت، که البته نتیجه و تأثیر آن را در مسائل هنری می‌بینیم. اگر ریشه‌یابی کنیم، این قضیه تنها در هنر تأثیر نگذاشت است. این مسائل ریشه‌دار است.

– اگر پیشنهادی به زنان جهت فعالیت در کارهای هنری دارید، بفرمایید؟

– چون خود من دانش آموخته‌ی این رشته هستم و از دانشگاه کار را شروع کرده‌ام به تمامی دوستانم پیشنهاد می‌کنم که اگر علاقه‌مند به هنر هستند، تحصیل در هنر را فراموش نکنند. اصولاً خیلی از مشکلات و مسائلی که در جامعه ما هست به دلیل عقب ماندگی فرهنگی بی‌سوادی و عدم رشد فرهنگی ست و این وظیفه بر ماست که سطح فرهنگی، ذهنی خودمان را بالا ببریم شاید این قضیه الان تأثیری بر جامعه نداشته باشد ولی به عنوان مادران آینده بر کودکان فردا تأثیر خواهد داشت و خیلی از مشکلات با این مسئله حل شدنی ست. □

– تا آن‌جا که می‌بینیم و می‌دانم، بله! خیلی طبیعی است که بعضی این‌طور فکر می‌کنند و این‌طور کار کنند. دیدگاه‌های فمینیستی و دیدگاهی که به طور مشخص به زن بپردازد و کار کند وجود دارد ولی من اصولاً فکر می‌کنم که اشتباه است! چون مسائل و مشکلات اجتماع ما هم گریبان‌گیر مردان هست و هم زنان. اگر مشکلات به طور کلی حل شود هم مردان در آرامش خواهند بود و هم زنان. نمی‌توان گفت که زنان تحت تأثیر بعضی مسائل هستند و مردان تحت تأثیر بعضی مسائل...

– یعنی شما معتقدید که مساوات رعایت می‌شود؟

– نه، رعایت نمی‌شود. ولی می‌گویم اگر شرایطی است که زنان تحت فشار قرار گرفته‌اند، همان شرایط در مورد مردان هم وجود دارد. مثلاً در مورد کاری که ما الان انجام می‌دهیم، هیچ فرقی نمی‌کند که کارگردان ما زن باشد و یا مرد. مشکلات ما آن قدر زیاد و متنوع است که ربطی به زن یا مرد بودن ندارد. اگر فشاری وارد می‌شود

تقابل عشق و خشونت

مشکلات شخصی و مشغله فکری و ذهنی و دلمشغولی آن‌ها مجال فعالیت برای زنان کم‌تر به وجود می‌آید.

– بسیاری معتقدند هنر در ایران مردسالارانه است. شما به عنوان یک زن هنرمند چه طور نقش‌هایتان را انتخاب می‌کنید؟

– (باخنده) به نظر من این‌طور هم نیست. خصوصاً بعد از انقلاب که زمینه‌ی کاری برای زنان خیلی بهتر شده است. حالا این که من چه‌طور نقش انتخاب می‌کنم، باید بگویم که حتا بعضی اوقات همسرم به من پیشنهاد می‌کند که کار کنم ولی خودم ترجیح می‌دهم بعضی پیشنهادها را قبول نکنم. بنابراین در مورد خودم هیچ‌گاه تحت فشار نبودم. اصولاً بین من با کسانی که در عالم هنر با آن‌ها ارتباط دارم، مشکل خاصی وجود ندارد. به خصوص در تأثیر که فضای فرهنگی تری برقرار است و زنان از این لحاظ مشکلی ندارند.

– به نظر شما در هنرهای نمایشی ایران، دیدگاهی به نام فمینیسم وجود دارد؟

شیرین منطقی: همیشه به زن بودنم افتخار می‌کنم



هست که وجود دارد. چرا که قدرتی که خداوند به زن داده خیلی بالاست. مثل عشق و مقام مادری و این عشق و ایثاری که زن در تمامی مسائل و زمینه‌ها از خودش نشان می‌دهد خیلی بالاست و من فکر می‌کنم

احساس هر کسی بالاترین چیزی است که آن شخص دارد و بعد از آن منطق و ایثار است که به وضوح در زن دیده می‌شود و این یک پدیده الهی است و بالاترین انگیزه‌هاست و بالاتر از آن برای من صحبتی نمی‌تواند باشد. من زن‌ها را دوست دارم چرا که با همه ظرافتشان، عشقشان، احساسشان، قدرتمند هستند. یک زن اگر جنگجو هم باشد چون عشق غالبش هست، موفق و قوی هست و این منتهای زیبایی هست. ما اگر تاریخ را نگاه کنیم می‌بینیم که شاهان مرد با خونریزی و ایجاد ترس حکومت می‌کردند و این ضعف است در حالی که زن با زیرکی و ایجاد امنیت و... همه چیز را به خوبی زیر نظر و تحت کنترل دارد.

- از سبک‌تان بگویید.

- سبک من بستگی به حال روحی‌ام دارد چون معمولاً همه کارهایم وابسته به احساسم هست ولی به طور معمول (امپرسیونیسم) رئال که بیش‌تر برای باروری فکری و لذت بصری است انجام می‌دهم. اغلب کارهایم با کاردک است و در بعضی قسمت‌های اضطرابی از قلم استفاده می‌کنم.

- آیا تاکنون نمایشگاهی از آثارتان در خارج از کشور داشته‌اید؟

- همان‌طور که قبلاً اشاره کردم متأسفانه مقیم آلمان هستم. اما تمام ذرات وجودم مال ایران است و عاشق ایران هستم تا حدی که سال‌هایی که در ایران نبودم

بقیه در صفحه ۴۲

● خواستن نصف هدف و پشتکار تمام هدف است.

● هنر صیقل روح و پرورش فکر و نزدیکی به وجود ذات حق است.

را نشان می‌دهد و از نظر من یک نقاشی خوب باید پر معنی و با احساس باشد.

- آیا در زمینه‌های دیگر هنری هم فعالیت داشته‌اید؟

- بله، من همراه با نقاشی با موسیقی آشنا شدم و در زمینه ارگ و گیتار فعالیت داشتم و از بچگی هم شعر می‌گفتم.

- زن در نقاشی‌های شما جایگاهی دارد؟

- قبل از هر چیز باید بگویم که من به زن بودنم همیشه افتخار می‌کنم و حتا برای یک لحظه حاضر نیستم که زن بودنم را با مردی که بالاترین موقعیت و مقام را دارد عوض کنم و به همین ترتیب زن اصولاً در کارهای من جایگاه خاصی دارد. کارهای من اغلب گل و طبیعت هست. زن را همیشه مظهر زیبایی و قدرت می‌دانم و زیبایی را با گل و قدرتش را با کوه و یا ستون و مجسمه نشان می‌دهم.

- نظر شما درباره‌ی زن چیست؟

- به نظر من بعد از خدا، زن بالاترین مقام را دارد و فکر می‌کنم برخلاف این که بعضی‌ها زن را موجود ضعیفی می‌شمارند زن کامل‌ترین و قدرتمندترین موجودی

شیرین منطقی از سن هشت سالگی زیر نظر مادرش استاد ایران قزل ایغ نقاشی را شروع کرد. در سال اول دانشکده هنر بنا به دلایل شخصی تغییر رشته داد و در رشته‌ی مدیریت درس خواند. بعد از آن رشته‌ی پوست را انتخاب کرد و در این زمینه شروع به تحصیل کرد. مطلع شدیم گالری کمال‌الملک آثاری از او را به نمایش گذاشته است. شیرین منطقی مقیم آلمان است ازین رو در آخرین روز نمایشگاه موفق شدیم قبل از سفر با او گفت و گویی داشته باشیم.

- چه شد که به نقاشی علاقه‌مند شدید؟

- من در همان اوایل کودکی عاشق طبیعت بودم و بازی ستاره‌ها و یا تکه‌های ابر را که نقش‌های مختلفی داشتند مدت‌ها نظاره می‌کردم و برایم خیلی جالب بود. موقعی که مادرم نقاشی می‌کشید ساعت‌ها به آن نگاه می‌کردم و لذت می‌بردم و همیشه جست‌وجوگر چیزی بودم که واقعاً روح تشنه‌ام را راضی کند که متوجه شدم نقاشی نزدیک‌تر از هر چیزی به من است.

- از چه کسانی تعلیم و تأثر گرفته‌اید؟

- اولین استادم مادرم ایران قزل ایغ بود و بعد آقای صدقدار و آقای رحیم نوه‌سی.

- نقاشی برای شما چه تعریفی دارد؟

- نقاشی صیقل روح و پرورش فکر و نزدیکی به وجود ذات حق است و راه نزدیکی و تماس با مردم هر اجتماعی است.

- به شکل بصری اثر بیش‌تر اهمیت می‌دهید یا به مفهوم آن؟

- تمامی تابلوهای من مفهومی دارد که حالت روحی‌ام

تازه‌های نشر

● دوشیزه آگنی

ناهید توسلی، نشر هنوز، ۴۰۰ تومان.
کتاب دوشیزه آگنی مجموعه‌ای از هشت داستان کوتاه فارسی‌ست به نام‌های: دوشیزه آگنی، غزاله، سلد، مارتا، لالا، آناندا، تاج ماه.

سنیرو روانی‌پور درباره‌ی این کتاب می‌گوید: «استفاده‌ی کاملاً رو از اسطوره‌ها در قصه یا قصه‌واره، از نظر من کار درستی نیست. دیگر اینکه جواب همه چیزها را نمی‌توان پیدا کرد... ما گروگان کرده: خویشیم و این خویش شامل باورها، سنت‌ها، آدماهایی که در طول زندگی دیده‌ایم، می‌شود. به همین قصه‌ی زیبای سلد نگاه کن، دخترک خودش در حوض غرق می‌کند اما چه کسانی او را به آن می‌کشاند؟»

● ماشنکا

لادیمیر نابوکوف، ترجمه‌ی خلیل رستم خانی، نشر دیگر، ۶۵۰ تومان.

نویسنده در سال ۱۸۹۹ در سنت پترزبورگ به دنیا آمد. پدرش دولت مرد لیبرال سرشناسی بود. پس انقلاب روسیه سفرهای فراوانی را شروع کرد و طی آن زبان‌های برگرفته از لاتین و اسلاوی را در کمبریج مطالعه کرد و خود را به عنوان یکی از برجسته‌ترین نویسندگان مهاجر روس تثبیت کرد.

خنده در تاریکی، آدا، آتش بی‌رمق، افتخار، نایا و... از دیگر آثار نابوکوف هستند. □

● لِنَا

کته رشایس، ترجمه‌ی روشنگ داریوش، نشر دیگر، ۱۷۵۰ تومان.

کته رشایس نویسنده‌ی کتاب لِنَا. ماجرای جنگ و داستان ده ماه، در سال ۱۹۲۸ در اتریش دیده به جهان گشود. او در آغاز جنگ دوم جهانی و هنگام اشغال اتریش توسط ارتش هیتلر ۱۲ ساله بود و حوادث جنگ را از نزدیک تجربه کرد. لِنَا و چند اثر دیگر او تحت تأثیر تجارب این ایام خلق شده‌اند. از جمله کتاب سگ آبی و دوستانش که اولین رمان اوست، در سال انتشار (۱۹۶۳) در زمره‌ی آثار پرفروش بود.

لِنَا ماجرای جنگ و داستان ده ماه زنجیره‌ی ماجراهایی است که با صمیمیت از زبان لِنَا، دخترکی ۱۲ ساله نقل می‌شود. ماجراها در دهکده‌ی کوچکی در اتریش و در بحبوحه‌ی جنگ دوم جهانی اتفاق می‌افتند و با جذابیتی بسیار، حس بیگانگی آدمی را با خلق و خو و روابط حاکم بر یک نظم جنگ طلب ترسیم می‌کند. □

● ماهیگیر بزرگ

لوید. سی. داگلاس، ترجمه‌ی دکتر داریوش ادیب، نشر آینه‌ی آثار، ۲۱۰۰ تومان.

ماهیگیر بزرگ رمانی تاریخی و سرگرم کننده است با سرگذشت دختری عرب که خون سلطنتی در رگ‌هایش جریان دارد و به قصد انتقام‌گیری از بی‌مهری پدر به یهودیه می‌رود و با شمعون، پسر یونا ماهیگیری خشن، خودخواه، مادی و بی‌ایمان برخورد می‌کند و... □



● زندگی واقعی آخاندرو مایتا

اریو بارگاس یوسا، ترجمه‌ی حسن مرتضوی، نشر یگر، ۲۲۰۰ تومان.

ماریو بارگاس یوسا نویسنده‌ی معروف پرویی و به قولی یکی از سه فرد برجسته‌ی ادبیات معاصر آمریکای لاتین به شمار می‌رود.

سبک روایت یوسا که «گفت‌وگوی تلسکوپی» نام گرفته است، مبتنی بر این ویژگی‌ست که چندین مجموعه‌ی وقایع متفاوت و دور از هم در ساختار پیچیده‌ای از گفت و گو بر هم منطبق می‌شود. زمان در آثار یوسا خطی نیست و ساختی مارییچی دارد. □

● چنین گذشت بر من

اتالیا کینز بورگ، ترجمه‌ی حسین افشار، نشر دیگر، ۵۵۰ تومان.

کینز بورگ در این کتاب خط حکایت ملموس، پرحادثه و سرشار از ناگفته‌های دوست داشتنی انسان را دنبال می‌کند، خط بزرگی که موسان را به چخوف متصل می‌کند و به مانسفیلد می‌رسد. □

● ویریدینا (فیلم نامه)

بوییس بونول، ترجمه‌ی پیام یزدان جو، نشر دیگر، ۷۵۰ تومان.

ویریدینا نیز هم چون دیگر آثار بونول با تحسین و تکفیرهای جنجالی بسیاری همراه بوده است، اما به طور خاص این فیلم در زمان خود از دو جهت عمده مورد بحث و انتقاد گسترده قرار گرفت، یکی به خاطر آن که بونول این بار به شدیدترین صورت ممکن با

اعتقادات مسیحی و اوهام کاتولیکی در افتاده بود و دیگر از آن جهت که ویریدینا برخلاف انتظار همگان در مادرید و در اسپانیای تحت سلطه‌ی فرانکو ساخته شد. □

● آرامش شبانه

فریده خردمند، نشر نگاه سبز، ۷۵۰ تومان.

فریده خردمند متولد ۱۳۳۶ تحصیلاتش را در دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک در رشته‌ی ادبیات نمایشی و نمایش نامه‌نویسی گذرانده و از سال ۶۷ تا ۶۹ در رادیو مرکز خلیج فارس و پس از آن نیز ۲ سال در رادیو تهران در زمینه‌ی نویسندگی، کارگردانی و بازیگری فعالیت کرده است.

نخستین کتاب او برای کودکان **آرزوی سهره** را در سال ۷۳ منتشر کرد. نخستین مجموعه داستان‌های کوتاهش با نام **پرنده‌های هست** و قصه‌ای برای کودکان **بادبادک** را در سال‌های ۷۶ و ۷۷ به چاپ رساند. آرامش شبانه مجموعه داستان جدید اوست که در سال ۷۸ توسط انتشارات نگاه سبز به چاپ رسیده است. □

● یادنامه‌ی علامه محمد قزوینی

به کوشش علی دهباشی با مقدمه‌ی دکتر عبدالحسین زرین کوب، نشر کتاب و فرهنگ ۲۲۰۰ تومان.

نام محمد قزوینی همراه است با نقد مدرن و تصحیح متون. زیرا روشی که قزوینی در این راه بنیاد گذاشت در سال‌های بعد از او به مکتبی مبدل شد که رسیدن به حد دقت علمی از او آرزوهای اهل علم شد. در این یادنامه ضمن چاپ مقالات در تجلیل و معرفی زنده یاد محمد قزوینی، نمونه‌هایی از نشر وی و

همچنین نمونه‌هایی از نامه‌های وی که از مهم‌ترین بخش‌های کتاب به شمار می‌رود، انتشار یافته است. □

● حقوق بین‌الملل خصوصی (جلد ۲)

دکتر بهشید ارفع نیا، نشر بهتاب، ۱۴۵۰ تومان. در جلد اول این کتاب تابعیت و اقامتگاه و وضع بیگانگان با تغییرات و اصلاحات کامل به چاپ رسیده است و در جلد دوم تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها با تغییرات و اصلاحات کامل، چاپ شده است. نویسنده در این کتاب سعی کرده مطالب علمی حقوق را با عباراتی ساده شرح دهد. □

● مجموعه قوانین و مقررات حقوق

بین‌الملل خصوصی

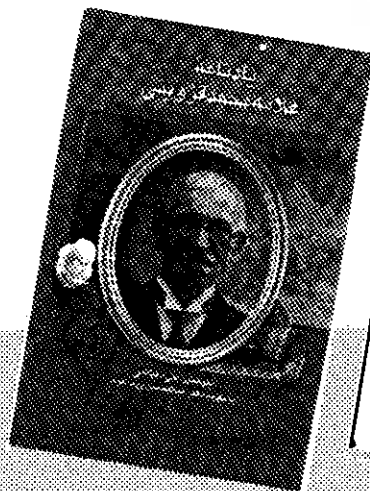
دکتر بهشید ارفع نیا، استاد دانشگاه و وکیل پایه یک دادگستری، نشر بهتاب، ۸۵۰ تومان.

نویسنده‌ی این کتاب قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی را گردآوری کرده است و سعی کرده است از یک سو از بین مجموعه‌های مختلف قانونی، مواد مخصوص رشته‌ی حقوق بین‌الملل خصوصی انتخاب شود و از سوی دیگر کلیه‌ی قوانین و مقرراتی را که به نحوی به موضوعات این رشته ارتباط دارد، گردآورد. □

● قوانین و مقررات ویژه‌ی زنان در

جمهوری اسلامی ایران

مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری این مجموعه شامل هفت بخش به ترتیب موضوعات:



تازه‌های نشر

درباره‌ی کتاب روان‌شناسی زن باید گفت این عنوان بسیار جامع‌تر و گسترده‌تر از محتوای کتاب است. محتوای کتاب به بررسی علل افسردگی، خشم، دستورالعمل‌هایی برای کنترل آن می‌پردازد. همواره گونه‌ی که عنوان اصلی کتاب **Women, Anger & Depression: Strategies for Self-empowerment** (یعنی زنان، خشم، افسردگی) راه‌های قدرت بخشیدن به خویش) است. عنوان روان‌شناسی زن، نه متناسب با محتوای کتاب است و نه عنوانی است که خود نویسنده‌ی آن را بر کتابش برگزیده است.

● حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام

آیتا... محمد مهدی شمس‌الدین، ترجمه‌ی محسن عابدی، انتشارات بعثت، ۵۰۰ تومان.
در این کتاب صلاحیت زن برای قرار گرفتن در رأس دولت بررسی شده است و نویسنده در آغاز کتاب یادآور شده است: «چنین دریافته‌ایم که اتفاق نظر فقیهان نامشروع بودن اداره حکومت توسط زن، ادعایی است که دلیلی معتبر برای اثبات آن وجود ندارد و این مسئله‌ای است که بحث‌های کتاب حاضر، عهده‌دار بیان آن است.»

نویسنده‌ی کتاب حاضر آیتا... شیخ محمد مهدی شمس‌الدین، عالم برجسته و رئیس مجلس اسلامی شیعی اعلا لبنان و از شخصیت‌های بزرگ لبنان است که در یک مجموعه‌ی چهارجلدی به عنوان کلی «مسائل حرجه فی فقه المرأة» برخی از مسائل مهم اجتماعی

قانون اساسی، قوانین و مقررات حقوقی، کیفری، بین‌المللی، استخدامی، اجتماعی و فرهنگی است. در این مجموعه علاوه بر قوانین و مقررات جدید التصویب، سیر تحولات قوانین و مقررات در ابتدای هر بخش تألیف شده است. □

● خلاصه‌ی مقالات کنگره‌ی جهانی جایگاه و نقش زن از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)

و مجموعه‌ی مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای علمی کار ستاد برگزاری یکصدمین سال میلاد امام خمینی (ره) کمیته بانوان □

● فاطمه (س) در آیین‌های کتاب

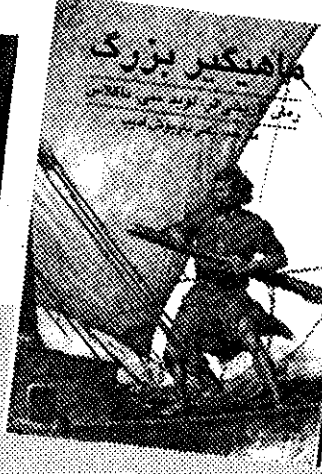
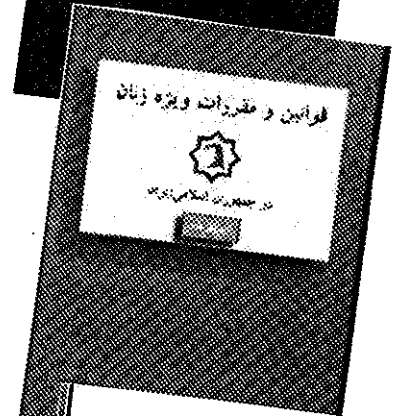
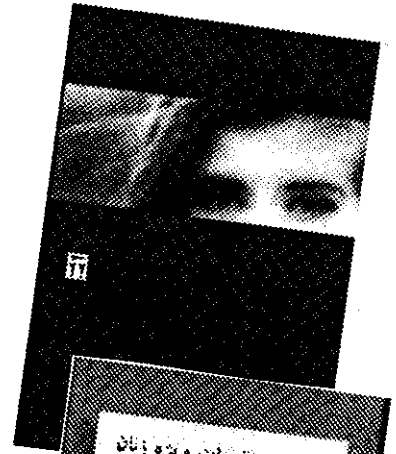
اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، معرفی ۱۶۲۹ کتاب مستقل درباره‌ی حضرت زهرا علیهاسلام به ۲۶ زبان در پانزده قرن هجری به کوشش دفتر نشرالهادی □

● رایحه یاس

ویژه‌نامه‌ی نشریه‌ی ریحانه به مناسبت میلاد با سعادت حضرت زهرا «س» و یکصدمین سالگرد میلاد امام خمینی (ره)، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری □

● روان‌شناسی زن

لوئیس فرانکل، ترجمه‌ی شکوه‌السادات خونساری نژاد، نشر شکوه دانش، ۶۸۰ تومان.



● صورت‌بندی‌های اقتصادی پیش‌سرمایه‌داری

کارل مارکس، ترجمه‌ی خ. پارسا، نشر دیگر، ۴۵۰ تومان.

این کتاب بخشی از یادداشت‌هایی است که مارکس هنگام تدارک «نقد اقتصادی و سیاسی» و «سرمایه» در سال‌های ۱۸۵۸-۱۸۵۷ نوشته است. □

● فصلنامه‌ی پوشش

شماره ۲، پاییز ۷۸، صاحب امتیاز شهلا حبیبی ۱۸۵۰ تومان.

دومین شماره‌ی فصلنامه‌ی پوشش، در ۸۶ صفحه‌ی رنگی و سیاه و سفید با مطالبی درباره‌ی پارچه‌شناسی، برش و دوخت لباس، کیف و عروسک سازی، آشپزی، گزارش و گفت‌وگو منتشر شد. □

● فهرست کتاب‌های رسیده:

«ایستگاه میر، ویولت رازق پناه، نشر آینه آثار، ۶۰۰ تومان.

«هوشمندان سیاره‌ی اوراک، جلد دوم، فریبا کلهر، نشر قدیانی، ۵۰۰ تومان.

«لطیفه‌های شیرین برای کودکان، مه‌تاعربشاهی، نشر الهگان.

«زندگی را باختن، حمید بهاری، نشر بهتاب، ۵۵۰ تومان.

«جنس دوم، مجموعه مقالات، جلد سوم، نوشین احمدی خراسانی، نشر توسعه، ۵۵۰ تومان.

«تمرین‌های کلاسیک دستور زبان فارسی، دکتر حسن انوری، نشر سخن، ۱۷۰۰ تومان.

اندیشه‌ی بودایی هستند که از حوزه‌ی جغرافیایی بودیسم به اندیشه‌ی ظاهراً شناخته شده، در جهان تبدیل شده است. اما این که واقعیت بودیسم، تاریخ و انواع آن کدامند کم‌تر مورد توجه بوده است.

صاحب نظران بر این عقیده‌اند که فهم آموزه‌های بودا و دستیابی به روشنایی تعالیم او جز از طریق تجربه‌ی شخصی ممکن نیست و فقط به واسطه‌ی آن دانشی شهودی که از استاد به شاگرد منتقل شود در دسترس قرار می‌گیرد. در این کتاب سعی شده است که از طریق داستان‌ها و تصاویر مربوط به تائوئیسم و مکاشفه و ذن، قدم نخست در جهت شناساندن آموزه‌های بودا برداشته شود. □

● سارتر

فیلیپ تودی و هاروارد رید، ترجمه‌ی روزبه معادی، نشر شیرازه، ۹۰۰ تومان.

ژان پل سارتر را برخی از مورخان، معروف‌ترین فرانسوی قرن بیستم میلادی - بعد از ژنرال دوگل می‌دانند. در فاصله‌ی سال‌های پس از جنگ جهانی دوم تا درگذشتش، یعنی از سال ۱۹۴۵ تا سال ۱۹۸۰ سارتر مسلماً معروف‌ترین نویسنده‌ی فرانسه و شناخته شده‌ترین فیلسوف زنده‌ی این کشور بود.

کتاب حاضر، با مروری بر مهم‌ترین نوشته‌های سارتر آشنا شدن با نماینده‌های او یعنی دست‌های آلوده، زندانیان آلتونا و اتاق بسته و نیز نقدهای ادبی‌اش در مورد ترمبو و فلوربر را میسر می‌سازد. □

سیاسی زنان را از دیدگاه فقهی، مورد بررسی قرار داده است و با روش استدلالی و قلمی روان و بیانی واضح مسائل مذکور را بررسی کرده است.

دومین جلد از مجموعه‌ی یاد شده تحت عنوان «اهلیة المرأة لتولی السلطة» (صلاحیت زن برای اداره‌ی حکومت) به بررسی حدود مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام، اختصاص دارد. □

● کانت

کریستوفر وانت و آندرز کلیمبر فسکی، ترجمه‌ی تمیدرضا ایک، نشر شیرازه، ۹۰۰ تومان.

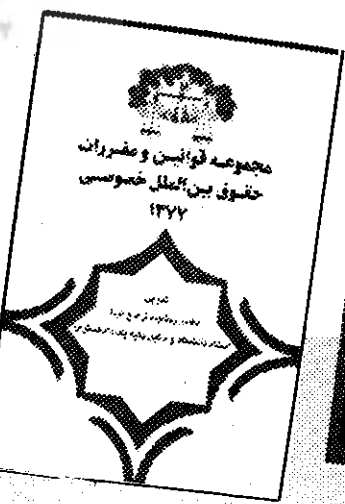
مانوئل کانت، فیلسوف پراوازه‌ی عصر روشنفکری را پایه‌گذار فلسفه‌ی مدرن غرب به شمار می‌آورند. تمامی فلاسفه‌ی صاحب نامی که پس از او آمدند، عمیقاً امدار تلاش وی برای تعیین حدود دانش بشری به منزله‌ی یکی از موضوعات اصیل جست و جوی فلسفی هستند.

این کتاب نخستین قدم برای شناخت کانت از طریق تأکید بر سه نوشته‌ی معروف اوست: «نقد عقل محض، نقد عقل عملی و نقد داوری». در این کتاب با بحث اساسی فلسفه‌ی کانت، یعنی رابطه‌ی ذهن و حواس، پرسش آزادی و قانون و بازبینی حدود تألیف‌بیک مورد توجه قرار گرفته است. □

● بودا

جین هوپ و بورین وان لون، ترجمه‌ی علی کاشفی، نشر شیرازه، ۹۰۰ تومان.

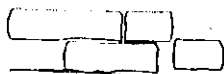
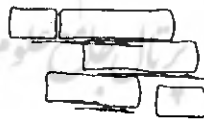
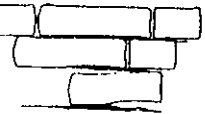
مکاشفه، نیروانا، ذن و کارما در زمره‌ی مفاهیمی در



شام خانوادگی

وزنش نالید. ساعت از نه و نیم گذشته بو چشم‌هایش از خستگی و حرص می‌سوخت. را بلند کرد. سهیل در درگاه ایستاده بود. کتاب به سمت زن دراز کرد و گفت: «دیکنه‌مو می‌گی؟ صندلی را کنار کشید: «بیا بشین. بعد دیکنه شام می‌خوریم.»
پسر کتاب را باز کرد و گفت: «از سه تا درس آخر زن ظرف سالاد را از یخچال بیرون آورد شروع به گفتن جملاتی کرد که از تکرار هر ش حفظ بود. بشقاب‌ها را روی میز گذاشت و سس

– یکی از دوستانم.
– یعنی کی؟
حمید در اتاق را به هم زد و صدایش شنیده شد: «یه دوست. دوباره شروع نکنین!»
پوزخند زد: «از صب تا شب تلفن دوستان. کی درس می‌خوونی؟»
صدای حمید به گوش رسید: درسم می‌خوونم. اگه دنبال دعوا می‌گردین. الان سرو کله‌ی بابا پیدا می‌شه!»
زن خودش را روی صندلی انداخت و سر را بین دست‌ها گرفت. چوب صندلی زیر سنگینی



بوی پلوی دارچین‌زده خانه را پر کرده بود. شعله‌ی زیر قابلمه را کم کرد و با دیدن عقربه‌ی ثانیه‌شمار که روی صفحه‌ی قرمز با حرکتی عصبی می‌پرید، حرصش گرفت. ساعت از نه گذشته بود. صدا زد: «سهیل، بیا دیکنه امشبتو بنویس!»

پسرک روی راحتی روبه‌روی تلویزیون لمیده بود. در حالی که نیم خیز می‌شد گفت: «بابا بیاد، بعد...»

زن به کبودی پاش دست کشید و گفت: «تا اون بیاد، خوابت برده!»

پسر بچه به دستگیره‌ی در آشپزخانه آویزان شد و در حالی که تاب می‌خورد گفت: «خودش گفت امشب زود می‌آد!»
تکه‌های نان در دهان گذاشت: «خودش زیاد حرف می‌زنه. هر شب می‌خواد زود بیاد. منتها تو دفتر کارای جالب‌تر هس و شاید هم آدمای جالب‌تر...!»

بقیه‌ی کلماتش با افتادن در قابلمه روی کابینت محو شد. شعله را خاموش کرد و انگشت سوخته را زیر شیر آب سرد گرفت. تلفن زنگ زد. پسر بچه به طرف راهرو دوید. زن صدا زد: «حمید ور می‌داره!»

صدای موسیقی از اتاق حمید بلند شد. زن زیر لب غر زد: «یکی از دختراس.»

لابه‌لای سروصدای کرکننده‌ی ساکسوفون و طبل، خنده‌ی حمید به گوش می‌رسید. تکه‌های یخ را به انگشت سوخته‌اش مالید و زمزمه کرد: «آخرش یکی از این عفریته‌هاگولش می‌زنه!»
رو کرد به پسر بچه که باز هم به دستگیره ور می‌رفت و گفت: «اگه یکی از این دختر کار دستش نداد!»

حوله‌ای را برداشت و زیر شیر آب گرفت. روی گوشه‌ای از رومیزی کشید. حمید قهقهه زد. حوله را روی کابینت پرت کرد. حوله به لیوان بلور خورد و آن را روی میز انداخت. تکه‌های شیشه کف آشپزخانه پخش شد. سهیل با تعجب نگاه می‌کرد. زن سرش فریاد زد: «مگه نگفتم به این دستگیره آویزون نشو!»

پسر خندید: «من که وایسامم تاب نمی‌خورم!»

زن داد کشید: «برو بیرون تا شیشه به پات نرفته.»

پسر بیرون رفت و گفت: «خوبه خودت شکستی!»

جارو و خاک انداز را برداشت و به پولک‌های شیشه که برق می‌زد خیره شد و گفت: «لیوان قشنگی بود. اینم آخرین تیکه‌ی جهیزیه‌ام!»

صدای موسیقی کم شد. حمید لای در نیم‌باز ایستاد و پرسید: «شام نمی‌خوریم؟»

سهیل بلند گفت: «بابا هنوز نیومده.»

زن به انگشت سوخته فوت کرد و پرسید: «کی بود؟»

روی سالاد ریخت. یک پر کاهوی پوشیده از سس به دهان گذاشت. در آینه عقربه‌ی ساعت را پایید: «روزبه روز دارم چاق تر می‌شم. شبا نباید شام بخورم!» یک پرگوجه فرنگی از بین کاهوها برداشت و ظرف را وسط میز گذاشت. جمله‌ای طولانی را دوبار تکرار کرد و گفت: «بنویس. الان بر می‌گردم.»

گوشی تلفن را برداشت و شماره‌ی محل کار مرد را گرفت. پس از چند بار بوق زدن، صدای تق برخاست و دستگاه روی پیغام گیر رفت. گوشی را گذاشت و زیر لب گفت: «راه افتاده!»

پرسید: «چند خط شده؟»

پسر بلند شمرد: «یک، دو، سه... پنج خط.»

قاشق و چنگال‌ها را با سرو صدکنار میز روی هم ریخت. سهیل نق زد: «بگو دیگه...»

صدای ترمز اتوموبیلی جمله‌ی زن را قطع کرد. سهیل به طرف پنجره دوید و پس از لحظه‌ای برگشت: «آقای محسنیه. با ماشین تازه...»

زن روی صندلی جابه‌جا شد و کتاب را ورق زد. لغت بنویس: «خانواده... شبیح ترسناک... اطمینان... دلهره... ویرانی... باغ وحش...»

سهیل سر را روی میز خوابانده بود و می‌نوشت. صدای کشیده شدن مداد روی کاغذ شنیده می‌شد. حمید از اتاق بیرون آمد و پرسید: «پس شام چی شد؟»

تلفن زنگ زد و این بار زن پیش دستی کرد و گوشی را برداشت. چند بار گفت: «بله... بفرمایید.»

گوشی را گذاشت: «از صدای من خوشش نیومد» به حمید نگاه کرد و او با دلخوری به اتاقش برگشت. صدای چرخش کلید در قفل آمد. سهیل به طرف در دوید و داد زد: «بابا اومد.» زن پشت میز نشست و به محض ورود مرد بلند گفت: «بیا دیگه تو بنویس!»

پسر از گردن مرد آویزان شده بود و هر دو می‌خندیدند. مرد سلام کرد. زن با نگاهی به ساعت، جواب نداد. حمید از اتاق بیرون آمد و زن در حالی که چراغ گاز را خاموش می‌کرد گفت: «بیا کارتو تموم کن. می‌خوایم شام بخوریم.»

مرد بی‌اعتنا به زن با بچه‌ها گرم شوخی بود. کیفش را به دست سهیل داد و گفت: «یه چیزی برات آوردم از توکیفور دار. کیفمو بذارتو اتاق.» مرد به دستشویی رفت و سهیل بستره‌ی کوچکی را روی میز آشپزخانه باز کرد. زن گفت: «کاغذشو جمع کن... رومی‌ز اشغال نریز! اگه نمی‌نویسی شامو بکشم!»

پسر با خنده‌ای در نگاهش پشت میز نشست و در حالی که تند تند پاها را تاب می‌داد گفت: «بگو... زود... زود...»

زن در حالی که مراقب در دستشویی بود. جمله‌ای را شروع کرد. مرد با حوله‌ای در دست خارج شد و به اتاق حمید رفت. تلفن زنگ زد و

صدای حمید به گوش رسید: «بفرمایید.» و با دست اشاره کرد. مرد در را بست. زن گر گرفت و گوش‌هاش داغ شد. زیر لب گفت: «خودش بس نیست معلم پسرشم شده.»

پرسید: «چن خط شد؟»

پسر دفتر را روی میز سر داد: «تمومه صحیحش کن.»

و به طرف اتاق حمید دوید. در اتاق پشت سر سهیل بسته شد. سرسری نگاهی به نوشته کرد و نمره داد. بلند داد زد: «بیا دفتر و کتابتو ببر. کیفتو برا صبح بند.»

در کابینت طبقه‌ی بالا را باز کرد و دیس چینی را جلو کشید. صدای فقهه‌ی مرد می‌آمد. دستش لرزید عرق کرده بود. ظرف از میان انگشتانش لغزید و روی زمین افتاد. پسر بچه در را باز کرد و پرسید: «چی شد؟»

فریاد زد: «هیچی شما بخندین...»

مرد بدون این که نگاهش کنه به صحبتش ادامه داد و گفت: «بریم شام بخوریم.»

زن همچنان که تکه‌های چینی را جمع می‌کرد گفت: «سهیل دستاتو بشور.»

مرد صندلی را جلو کشید و پشت میز نشست. صدای حرف زدن نامفهوم حمید به گوش می‌رسید. زن دیس پلو را وسط میز گذاشت و غر زد: «آخرش یکی از این دخترکار دستش می‌ده...»

مرد کنکیر را برداشت و گفت: «همیشه یکی کار دست آدم می‌ده.»

زن پشت میز نشست و بشقابش را پر از سالاد کرد و فریاد زد: «حمید شام!»

حمید و سهیل هم‌زمان پشت میز نشستند حمید لبخند می‌زد. به پدرش نگاه کرد و هر دو خندیدند. زن بشقاب هر دو را پر کرد. سهیل یک پرگوجه فرنگی از ظرف سالاد برداشت. زن محکم پشت دستش زد: «با دست چرا؟ مگه قاشق توش نیست؟»

سهیل پشت دست را مالید و با تعجب به مادر خیره شد. مرد قاشق و چنگال را روی رومی‌زی سفید گذاشت و از جا بلند شد. زن به غذای نیم خورده‌ی مرد و لکه چربی کنار قاشق که پهن می‌شد نگاه کرد: «چرا پا شدی؟»

مرد به طرف در رفت و گفت: «دست شما درد نکنه. خیلی خوشمزه بود، سیر شدم!»

زن بشقابش را پر از پلو کرد: «طعنه می‌زنی؟ به جهنم که سیر شدی!»

صدای گوینده تلویزیون که اخبار می‌گفت به گوش رسید. زن لیوان آب را سر کشید و سر سهیل داد زد: «تو دیگه چه مرگته؟ چرا ماتت برده؟ بخور.»

پسر از پشت میز بلند شد: «خواهم می‌آد.»

زن با دهان پر گفت: «معلم خوبی دارین. هم تو هم حمید...»

صدای آرام حرف زدن مرد با پسر بچه از

سالن می‌آمد. زن بشقاب سهیل را در ظرف خودش خالی کرد و لفل فل پاشید. حمید از پشت میز برخاست. زن پرسید: «تو هم سیر شدی؟»

آره ممنون

و قبل از این که مادرش بتواند حرف دیگری بزند به اتاقش رفت و بلافاصله پس از بسته شدن در صدای شماره گیر تلفن آمد.

زن آخرین لقمه‌ها را فرو داد و حس کرد نفسش بالا نمی‌آید. بشقاب‌ها را در ظرفشویی گذاشت و در حال شستن به یاد آورد که نمی‌خواست شام بخورد. قاشق بزرگی از شربت گچی معده را فرو داد.

مرد در حالی که پسر بچه‌ی خواب‌آلود را در بغل داشت به اتاق رفت. در پشت سرشان بسته شد. زن شانه بالا انداخت و با احتیاط ظرف‌ها را در قفسه چید. چراغ اتاق حمید خاموش شد. خانه در سکوت فرو می‌رفت فنجانی چای ریخت و پشت میز نشست. دمپایی‌ها را از پا بیرون آورد و تکیه داد. مهره‌های کمرش تیر کشید...

آرام پا به راهرو گذاشت... پشت در اتاق سهیل ایستاد و سر را به در نزدیک کرد. صدایی شنیده نمی‌شد. به اتاق خواب خودش رفت و سر راه، کت مرد را از جالباسی و کیفش را از کنار راهرو برداشت.

روی تخت نشست. اول جیب‌های کت را گشت. چند سکه... کیف بغلی با چند اسکناس و شماره تلفنی روی تکه‌ای کاغذ که اسمی مقابلش نبود. کاغذ را روی میز کنار تخت گذاشت... عکس سهیل و حمید... بریده‌ای از روزنامه که آگهی مناقصه پروژه‌ای در آن بود...

کیف را باز کرد ماشین حساب. سر رسید بزرگی با جلد سیاه. چند ورق سنجاق شده یادداشت‌های خطی که روی صفحه اولش نوشته شده بود: لطفاً تصحیح و تاپه شود.

چند سطر را خواند. درباره‌ی ساخت بتن بر لب دریا بود. به عکس بالای تخت که دو سال پیش از آخرین سفرشان به کنار دریا انداخته شده بود، نگاه کرد و نفس عمیقی کشید.

دسته‌ای روزنامه و چند برگ یادداشت... لاک غلط‌گیر... چند خودکار و قبض‌های پرداخت نشده و از موعده گذشته آب و برق و تلفن...

سر رسید را باز کرد و یادداشت‌های آخرین صفحات را خواند: موعد چک پانصد هزار تومانی بیست و ششم ماه است، فراموش نشود! بعد از علامت تعجب با خودکار قرمز نوشته شده بود: «ولی از کجا؟»

خط بعدی با جوهر آبی ادامه داده بود: پی‌گیری طلب از مهندس اکبری، بابت نقشه‌ها و محاسبات. با قرمز مقابلش در پرانتز آمده بود: «البته نباید امیدوار بود!»

زن از صدای خفه‌ای سر را بلند کرد. مرد در آستانه‌ی به چهار چوب تکیه داده بود و نگاهش می‌کرد... □

نقش مهر

دکتر هوشنگ رهنما

باران نیمروزی

بارید و ایستاد.

ابر از فراز شهر گذر کرد

با کاروان باد.

در زیر آسمانه‌ی رنگین کمان دور

بر آسمان مه زده

شهر از هوای تازه سراغی گرفته بود.

تو از وزای پرده‌ی پندار

با واژه‌های نرم و خوش آهنگ

با من سخن به زمزمه می‌گفتی:

از لحظه‌های دیدار

- از باغ پر بهار -

از بیم و از امید

از گیسوان بید، نگونسار

در آب جویبار،

بر طارم لبانت، از آفتاب روزگار،

لبخند مهر کنج فراغی گرفته بود.

با من سخن از آن همه می‌گفتی

وز عاشقانه‌ها

از رمز و راز عشق نهان در ترانه‌ها.

از آفتاب و باران.

بوی جوانه‌ها

بر ژاله‌های صبح بهاران.

انبوه واژه‌هایت می‌ریخت در هوا

چون عطر برگ یاس.

موج نگاهت از پس هر واژه می‌شتافت

تا بی‌کرانه‌ها.

از پشت پنجره

از لابه‌لای پرده‌ی تور حریر، نور

آرام و مهربان

بر گونه‌های سرخ تو انگشت می‌کشید

گویی که آفتاب

از طاق آسمان

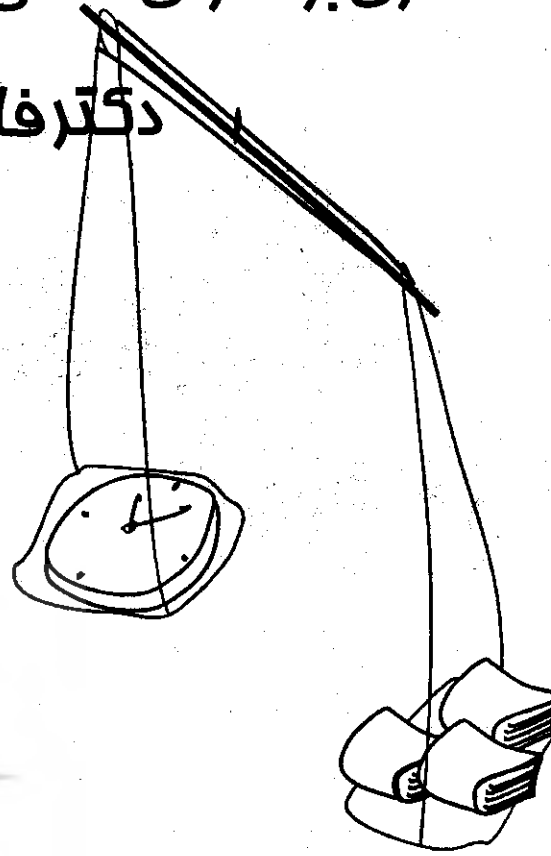
به تماشای نقش مهر

در پیش چهره‌ی تو چراغی گرفته بود.

گذاری بر گذران علمی - اجتماعی

دکتر فاطمه سیاح

مهری بهفر



صفحه‌ی تاریخ نشریه‌ی حقوق زنان در شماره‌ی دوازدهم، شنبه ویژه - نامه‌ای برای آشنایی با دکتر فاطمه سیاح، استاد ادبیات تطبیقی و سنجش زبان‌های خارجه دانشگاه تهران (۱۳۱۳ تا ۱۳۲۶)، دبیر اول حزب زنان ایران و... ترتیب داده است. مطالب این نیمه ویژه‌نامه عبارتند از:

۱) گذاری بر گذران علمی - اجتماعی دکتر فاطمه سیاح (بخش یکم)

مهری بهفر

۲) گفت‌وگو با محمد گلبن پژوهشگر و فرامرزی طالبی داستان‌نویس و

مهری بهفر

نمایش نامه‌نویس

فاطمه سیاح

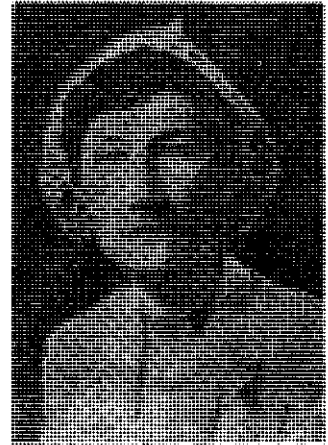
۳) نبوغ در نزد زنها

فاطمه سیاح

۴) زن در ادبیات

فاطمه سیاح

۵) زن و انتخابات ایران



نگاشتن درباره‌ی دکتر فاطمه سیاح و جست‌وجو و واکاوی در زندگی شخصی، اجتماعی و علمی او، موضوعی بود که می‌خواستم نخستین بار، صفحه‌ی تاریخ ماهنامه‌ی حقوق زنان، بدان گشوده شود. یک سال واندی دیرشد، دشواری راه و گاه، بی‌راهی پژوهش در چه‌گونه‌ی گذران زنان ایران - حتا برجسته‌ترین هایشان - را نشانه است.

سشناخت نزدیک‌تر دکتر فاطمه سیاح، دیدار او از دیدگان خویشان، دوستان و آشنایانش، کوشش نگارنده و نیز ضرورت پردازش همه‌جانبه و غیر برونی زندگی اوست که آن‌گونه‌که باید میسر نشد. دراین جا از همه‌ی خوانندگان و دوستان حقوق زنان، که به‌گونه‌ای می‌توانند راهی برای ارتباط ما - در ایران یا خارج از ایران - با خویشان و دوستان دکتر سیاح فراهم کنند، یاری می‌جویم. این جستار، در چند بخش، (۱) فاطمه سیاح از روایت تاریخ - ادبیات‌وار (زندگی‌نامه‌ی رسمی) (۲) فاطمه سیاح به روایت نزدیک‌تران (۳) سیاح، نقد ادبی مدرن، ادبیات نو (۴) سیاح، جنبش زنان ایران ارائه می‌شود.

دکتر فاطمه رضازاده‌ی محلاتی، مشهور به سیاح در سال ۱۲۸۱ خورشیدی در مسکو زاده شد. پدرش میرزا جعفر خان رضازاده‌ی محلاتی (سیاح)، ۴۵ سال در دانشکده‌ی زبان‌های شرقی لازارف، در مسکو، پرفسور زبان و ادبیات بود. دکتر سیاح از مادر آلمانی‌اش، زبان آلمانی را آموخت و زبان فارسی و فرانسه را از پدر. او به زبان‌های روسی، انگلیسی و ایتالیایی نیز تسلط داشت. هفتمین زبانی که فاطمه سیاح مشتاقانه آموخت، زبان موسیقی بود، وی در نزد استادان فن نواختن پیانو را تعلیم گرفت.

دکتر فاطمه سیاح، دوران تحصیل را در شهر مسکو گذراند، به دانشکده‌ی ادبیات مسکو وارد شد و لیسانس و دکتری در رشته‌ی ادبیات را در آن جا به

پایان رساند. وی رساله‌ی دکتری‌اش را درباره‌ی آناتول فرانس نگاشت. دکتر فاطمه سیاح در سال ۱۳۰۰ به همراه همسرش، حمید سیاح، به ایران آمده و دوباره به روسیه بازگشته بود تا سال ۱۳۱۳ که در ایران اقامت گزید. دکتر سیاح زندگی زناشویی ناموفقی داشت و ازدواجش تنها سه سال ادامه یافت.

قویمی درباره‌ی چه‌گونه‌ی اشتغال دکتر سیاح می‌نویسد: «در آن موقع... اهمیت زیادی برای فاطمه سیاح و معلومات او قائل نشدند و در وزارت فرهنگ شغل کوچک و کم‌اهمیتی به او واگذار کردند. در همان ایام دانشسرای عالی افتتاح شد و چون استاد ادبیات نداشتند از خانم سیاح دعوت به عمل آمد تا در هفته پنج ساعت در دانشسرا تدریس کند. وزارت فرهنگ طی نامه‌ای از دانشسرای عالی خواست که از تدریس فاطمه سیاح جلوگیری کند. ولی دانشسرا چون احتیاج زیادی به وجود این زن دانشمند داشت، از انجام این درخواست چشم‌پوشی نمود.»^۲

در سال ۱۳۱۵ با حضور فاطمه سیاح، تدریس زبان و ادبیات روس در دانشسرای عالی آغاز شد. ادبیات تطبیقی، سنجش ادبیات زبان‌های خارجه، نیز نخستین بار توسط دکتر فاطمه سیاح در دانشگاه تهران تدریس شد.^۳

دکتر سیاح پس از پنج سال تدریس، در سال ۱۳۲۲ با تصویب شورای عالی فرهنگ به سمت استادی رسید. و به سال ۱۳۲۶، به هنگام مرگ، رتبه‌ی شش استادی دانشگاه تهران را دارا بود.

در هزاره‌ی فردوسی، مهر ماه ۱۳۱۳، به عضویت کنگره درآمد و مقالاتی درباره‌ی فردوسی و شاهنامه، در نشریه‌ی انجمن آثار ملی و سخن و کتاب فردوسی نامه‌ی مهر منتشر کرد.

دکتر فاطمه سیاح از فعالان جنبش زنان در ایران بود و به همراه گروهی دیگر از زنان، حزب زنان ایران را تشکیل داد. وی دبیر اول این حزب بود. سیاح مدت‌ها ریاست هیأت مدیره‌ی «انجمن معاونت زنان شهر تهران» را بر عهده داشت. عضویت «کمیته‌ی مرکزی در سازمان زنان ایران» و عضویت در «جمعیت شیر و خورشید سرخ بانوان ایران» از جمله فعالیت‌های اجتماعی او بود.

شرکت در هفدهمین اجلاس‌یه‌ی مجمع عمومی جامعه‌ی ملل، در ژنو به سال ۱۳۱۵، شرکت در کنگره‌ی زن و صلح در پاریس به سال ۱۳۲۴ و نیز شرکت در نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران به سال ۱۳۲۵، سفر به ترکیه به سال ۱۳۲۳ به همراه هاجر تربیت (عضو حزب زنان ایران) و سخنرانی در آن جا به نمایندگی از حزب زنان ایران، گوشه‌های دیگر از کوشش‌های پیگیرانه‌ی علمی - اجتماعی او بود.

دکتر سیاح سخنرانی‌های اجتماعی و ادبی بسیاری، در دانشگاه و سازمان پرورش افکار و شورای زنان و انجمن‌های روابط فرهنگی ایران و شوروی و فرانسه ایراد می‌کرد. همچنین در نشریات ایران امروز، پیام نو، مهر و سخن و... مقاله می‌نوشت. در آخرین ماه زندگی‌اش، درباره‌ی تحولات جدید

در عالم هنر و نقاشی، چهار سخنرانی برگزار کرد. روز پنج‌شنبه، ششم اسفند ۱۳۲۶، آخرین سخنرانی‌اش را به زبان فرانسه، درباره‌ی تأثیر نفوذ داستایوسکی در ادبیات فرانسه، در تالار سخنرانی انجمن روابط فرهنگی ایران و فرانسه ایراد کرد.

دکتر سیاح بیش از پانزده سال به بیماری قند دچار بود، در آبان سال ۱۳۲۶ نیز برای درمان به اروپا رفت تا آن که در روز پنج‌شنبه ۱۳ اسفند ماه ۱۳۲۶ ساعت نه صبح، بر اثر ایست قلبی درگذشت و روز جمع با حضور رییس دانشگاه، در آرامگاه ابن بابویه به خاک سپرده شد. روز ۱۵ اسفند ۱۳۲۶، دانشکده‌ی ادبیات برای ادای احترام به تلاش‌های خستگی‌ناپذیر دکتر فاطمه سیاح و در سوگ او، تعطیل شد.

دکتر سیاسی، رییس دانشگاه تهران، در مجلس یادبود او که در ۲۲ اسفند، در تالار اجتماعات دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران برگزار شده بود، گفت:

«با فوت بانو فاطمه سیاح، دانشگاه تهران یکی از دانشمندترین استادان خود را از دست داد. کرسی درس ایشان عبارت از سنجش ادبیات و زبان و ادبیات روسی بود. چون برای تدریس سنجش ادبیات آشنایی به ادبیات چند زبان بیگانه لازم است، انجام این کار از عهده‌ی هر کس بر نمی‌آید، بدبختانه این جانب، تا این تاریخ، کسی که صلاحیت تدریس این درس را داشته باشد در نظر ندارم، بنابراین دانشگاه ناگزیر است این درس را تعطیل نماید.»^۴

بنا به وصیت خانم دکتر فاطمه سیاح، بیش از د هزار جلد از کتاب‌های او، به کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران اهدا شد. وزارت فرهنگ ایران نیز برای ادای سپاس، نام وی را بر یکی از دبیرستان‌های دخترانه‌ی تهران گذارد. که گویا اکنون تغییر یافته است.

به مناسبت شب هفتم درگذشت دکتر سیاح، خانم هاجر تربیت دوست و همکار خانم سیاح، در حزب زنان ایران و دکتر رضازاده‌ی شفق در رادیو تهران سخن گفتند. و روز هفتم نیز گروه بی‌شماری از دانشگاهیان دانشجویان و استادان به آرامگاه او رفتند و دکتر حسین خطیبی، دکتر سیاسی و... به تبیین جایگاه علمی و اخلاقی او پرداختند.

فاطمه سیاح به روایت نزدیک‌تران:

دکتر فاطمه سیاح از خاطرات دانشجویانش، بزرگوار صمیمی، با سعه‌ی صدر و دانشی گسترده می‌نماید. دانشجویان روزهایی را در هفته‌ی اجازه می‌یافتند به خانه‌ی استاد رفته، با او درس بخوانند و احتمالاً بحث و گفت‌وگو کنند. از گفته‌ی دانشجویان تأثیر عمیقی که دکتر سیاح خواه در ارائه‌ی دروس نو تازه‌اش در عرصه‌ی ادبیات جهان، خواه در جهت‌دادن به خلاقیت، توان آفرینشگری و ایجاد حبس خودباوری بر دانشجویان گذاشته، آشکارا، پدیدار است. خانم دکتر

سیاح، تنها استادی با دانش وسیع در ادبیات تطبیقی و جهان نبود بلکه او کاشف استعداد و جهت دهنده آینده ادبی دانشجویان نیز بود.

دکتر سیمین دانشور، از دانشجویان دکتر سیاح، که رساله‌ی علم الجمال و جمال در ادبیات فارسی را به پیشنهاد و راهنمایی دکتر سیاح، برای دوره‌ی دکتری برگزید، می‌گوید:

«استادی داشتیم به نام خانم دکتر فاطمه سیاح که استاد بسیار باسوادی بود و ادبیات تطبیقی درس می‌داد. خانم سیاح به من گفت که بیا و رساله‌ی دکتری‌ات را با من بنویس و موضوع آن را هم زیبایی‌شناسی قرار بده. من هم پذیرفته و خانم سیاح هم شروع به کار با من کرد.

ادامه‌ی تحصیل در این رشته تا گرفتن تخصص زیبایی‌شناسی از دانشگاه استنفورد آمریکا، توسط دکتر دانشور و نگارش مقالات بسیار در زمینه‌ی زیبایی‌شناسی را می‌توان از تأثیرهای بارز و آشکار دکتر سیاح دانست.

سیمین دانشور، بانوی قصه‌نویسی ایران، را باید از ریشه‌های این شدن واجست. و من ریشه‌های آن را در استادی مشوق و کاشف استعداد، با شناخت ژرف و وسیع از ادبیات داستانی جهان می‌پندارم، دانشور می‌گوید:

«خانم سیاح را من مستثنا می‌کنم، پنج سال زیر دستش کار کردم، هرچه کردم مدیون اویم، هرچه هستم مدیون اویم. اولین قصه‌ای

احمد سمیعی گیلانی، از دانشجویان دکتر سیاح از او چنین می‌گوید:

«من ابتدا از طریق مجله‌ی ایران امروز با ایشان آشنا شدم و بعد در دانشگاه.

از خانم سیاح خاطره‌ی جالبی به یاد دارم، یادم می‌آید با خانم دکتر سیاح امتحان داشتیم. موقع امتحان هیچ کس داوطلب امتحان نبود از شرکت‌کنندگان در کلاس فقط من آمده و به دفتر مراجعه کرده بودم. آن‌ها گفتند: «از دانشجویان کسی نیامده، برای خانم دکتر هم اتفاقی افتاده. پای ایشان شکسته و شما باید صبر کنید تا شهریور.»

گاه شمار زندگی دکتر فاطمه سیاح

۱۲۸۱. هجری برابر ۱۲۲۰ هجری و مطابق ۱۹۰۲ م در شهر مسکو تولد یافت.

۱۳۰۰. اول بار به همراه پسر عمیش، حمید سیاح، و خانواده‌اش از روسیه به ایران آمد.

۱۳۱۳. در کنگره‌ی هزاره‌ی فردوسی شرکت کرد.

۱۳۱۴. در وزارت فرهنگ به خدمت مشغول و معاون آداری تعلیمات نسوان گردید.

۱۳۱۴. به عضویت هیأت مدیره‌ی کانون بانوان ایران انتخاب شد.

۱۳۱۵. در دانشسرای عالی به تدریس زبان‌های خارجه پرداخت.

۱۳۱۵. از طرف وزارت امور خارجه به ژنو رفت و در هفدهمین دوره‌ی جامعه ملل شرکت کرد.

۱۳۱۷. به مقام دانشیاری دانشگاه تهران رسید.

۱۳۲۲. به عضویت و منشی‌گری حزب زنان ایران که در همین سال تأسیس یافت انتخاب شد.

۱۳۲۲. سمت استادی او در شورای عالی فرهنگ تصویب شد.

۱۳۲۲. به عضویت هیأت مدیره‌ی انجمن روابط

فرهنگی ایران و شوروی درآمد

۱۳۲۲. منشی کمیته‌ی موسیقی و تئاتر و سینمای انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی شد.

۱۳۲۲. به عضویت انستیتوی ایران و انگلیس درآمد.

۱۳۲۳. از طرف حزب زنان ایران، از وزارت دادگستری اجازه‌ی رسیدگی به امور زندان زنان را کسب کرد.

۱۳۲۳. به عضویت هیأت تحریریه‌ی مجله‌ی پیام نو ناشر افکار انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی درآمد.

۱۳۲۳. بنا به دعوتی که از طرف دولت ترکیه به عمل آمده بود به نمایندگی از طرف حزب زنان ایران به ترکیه رفت و طی ۴۵ روز اقامت در آنجا در زمینه‌های مختلف ادبی و فرهنگ سخنرانی کرد.

۱۳۲۴. نخستین شماره‌ی مجله‌ی حزب زنان ایران را در دی ماه منتشر کرد.

۱۳۲۴. از طرف شورای زنان به اتفاق بانو صفیه فیروز به پارسی رفت و در کنگره‌ی زن و صلح شرکت کرد.

استادی دقیق، پرکار و راهنما بود. استادان دیگر کم‌تر با دانشجویان کار می‌کردند و ادبیات فارسی هم که تدریس می‌شد، از قرن نهم هجری فراتر نمی‌رفت و کوچک‌ترین اهمیتی به خلاقیت و آفرینش هنری داده نمی‌شد. چون انگلیسی می‌دانستم، خواندن متون افلاطون و ارسطو و فلوپین و سنت آگوستین و هگل و شوپنهاور برایم چندان دشوار نبود و خانم سیاح همواره آمادگی داشت که اشکالاتم را حل کند. هفته‌ای دوروز به خانه‌اش می‌رفتم و فصلی را که نوشته بودم، برایش می‌خواندم و نقد و بررسی می‌کرد. بعد برایم پیانو می‌زد و با هم شام می‌خوردیم. زن تنهایی بود و از بد حادثه خانم سیاح مرد و این هم یکی از سبلی‌های روزگار...^۵

کارکردن بر زیبایی‌شناسی در ادبیات و هنر و

که نوشتم، برای او خواندم. تو همان «آتش خاموش» چاپ شده.

[خانم سیاح] گفت: «تو دانشمندشو، دکترای ادبیات بگیر. قصه‌ی دیگران را نگو، بگذار قصه‌ی تو را بگویند.» جریان اینه که کوشش کردم. جورا جور نثر خواندم و خودم به این نثری رسیدم که خیلی ساده‌اس، با کلمات عامیانه آمیخته است...^۶

تشویق خانم دکتر سیاح، تا بدان جا بود که او خود در دی ماه ۱۳۲۴، در نشریه‌ی حزب زنان ایران، داستان «آن شب عروسی...» از نخستین داستان‌های دکتر دانشور را منتشر می‌کند. دانشور می‌گوید: «خانم فاطمه سیاح، که رساله‌ی دکتری‌ام را با او گرفته بودم، از من می‌پرسید تو می‌خواهی دانشمند بشوی یا نویسنده؟^۷

۱۳۲۵. به ریاست هیأت مدیره‌ی انجمن معاونت عمومی زنان شهر تهران انتخاب گردید.

۱۳۲۵. عضو کمیته‌ی مرکزی سازمان زنان ایران گردید.

۱۳۲۵. به عضویت جمعیت شیر و خورشید سرخ بانوان ایران درآمد.

۱۳۲۵. به عضویت نخستین کسنگره‌ی نویسندگان ایران درآمد.

۱۳۲۶. در آبان ماه برای معالجه به اروپا رفت.

۱۳۲۶. در روز پنجشنبه شش اسفند ماه آخرین سخنرانی خود را درباره‌ی نفوذ داستایوسکی در ادبیات فرانسه در تالار انجمن فرهنگی ایران و فرانسه ایراد کرد.

۱۳۲۶. در روز پنجشنبه ۱۳ اسفند ماه ساعت نه صبح بر اثر عارضه‌ی سکتی قلبی در چهل و پنج سالگی در تهران درگذشت.

۱۳۲۶. روز جمعه ۱۴ اسفند ماه، در این بابویه (حضرت عبدالعظیم) به خاک سپرده شد.^۸

* پاره شماره برگرفته از کتاب نقد و سیاحت، (مقاله‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، تفریبات درسی)، گردآورنده محمدگلین، صفحه سه، چهار و پنج، انتشارات توس، ۱۳۵۴.

اما من می‌خواستم خرداد امتحان بدهم پس اصرار کردم که امتحان بدهم. تلفن کردند منزل دکتر سیاح. ایشان گفت: «این دانشجو را راضی کنید که شهریور امتحان بدهد و من نیایم.»

من گفتم: «من برای امتحان آمادگی دارم و می‌خواهم الان امتحان بدهم.»

ایشان با پای شکسته به دانشگاه آمدند. در آن زمان ما باید در دو شکل امتحان

می‌دادیم، اول شفاهی، بعد کتبی. در امتحان شفاهی از من خواست انواع رمان‌ها را نام ببرم و

رمان علمی را توضیح دهم و نمونه ذکر کنم. من از زول ورن نام بردم ایشان گفتند: «دیگر چه؟»

گفتم: «من فقط همین را می‌شناسم چون فقط با زبان فرانسه آشنا هستم.»

بعد ایشان از انگلیسی، آلمانی، روسی، از



نویسندگان و کتاب‌های زیادی اسم بردند، البته او می‌خواست به من بفهماند که باید بیش‌تر پژوهش داشته باشم. من در آن جا واقعا مجذوب و سبب معلومات ایشان شدم. ایشان به زبان‌های متعدد آشنا بود: روسی، انگلیسی، فرانسه، ایتالیایی، آلمانی. نه فقط به پنج زبان آشنا بود که به ادبیات و فرهنگ هر کدام از این زبان‌ها تسلط داشت. درس ادبیات تطبیقی که ایشان ارائه می‌داد شایسته‌ی ایشان بود، چون با ادبیات جهان کاملاً آشنا بودند.

دکتر سیاح در دانشگاه، چهره‌ی مورد احترامی بود و نیز در هر محفلی و...

بسیار هم وظیفه‌شناس بود، به حدی که من، دانشجوی سمج و سرتق، او را با پای شکسته به دانشگاه کشاندم تا مرا امتحان کند.^۸

دکتر مهدی روشن ضمیر، دانشجوی دیگر دکتر فاطمه سیاح، در فصلی از کتاب یاد باران، خاطره‌ای از خانم سیاح، آن استاد بی‌همتای روشن بین، روایت می‌کند. دکتر روشن ضمیر، از رفتار غیر معمول و نامتعارف دکتر فاطمه سیاح در بر تافتن و پذیرش دیدگاه دانشجو، به شدت شگفت زده شده بود. یقین دکتر روشن ضمیر، برای مردود شدن از درس سنجش ادبیات خارجه، به دلیل مخالفت با نظر استاد، در مقایسه با کاراکتر متعارف استادانی است که با تحمیل انگاره‌ی سنتی و مسلط استادی، در خلاقیت و آفرینش و پویایی اندیشگی را در ذهن دانشجو، همین امروز نیز مسدود می‌کنند. او می‌گوید:

«ما معمولاً اشخاص را به خاطر تجزیه که در کارشان دارند می‌ستاییم و از این نکته غافلیم که آنان به موازات کار اصلی‌شان، آراسته به سجایایی هستند که به سبب آن‌ها بیش‌تر مورد توجه و احترام مردم قرار می‌گیرند.

در سال‌های تحصیلی ۱۹-۱۳۱۶ خورشیدی من دانشجوی دانشگاه تهران، تنها دانشگاه ایران در آن زمان، در رشته زبان‌های خارجی (فرانسه) بودم. اگر اشتباه نکنم، در سال ۱۳۱۷ لایحه‌ای از تصویب مجلس گذشت که به موجب آن شاگردان اول هر رشته‌ی دانشگاهی به هزینه‌ی دولت به خارج اعزام و پس از تکمیل تحصیلات در دانشگاه، مشغول

به تدریس شوند. در آن زمان من جوان هیجده ساله‌ای بودم و همانند سایر جوانان جویای نام. در همان سال نخست معلوم شد که آرزو بر جوانان عیب نیست و خواهیم توانست در این کار توفیق یابیم.

سه سال تحصیلی به سرعت سپری شد و در آزمایش کتبی پایانی، استاد بی‌نظیرمان، شادروان دکتر فاطمه سیاح در درس سنجش ادبیات خارجه موضوعی را برای امتحان تعیین فرمود که سنجش دو تن از نویسندگان را ایجاب می‌کرد (۱۳۱۹) استادمان از میان نویسندگان فرانسه به بالزاک اعتقاد تام و تمام داشت و از انگلستان چارلز دیکنس، از آلمان گوته و از روسیه داستایوسکی را بیش‌تر می‌پسندید، ولی از میان همه‌ی این‌ها بالزاک را بزرگ‌ترین رمان نویسنده تمام دنیا می‌دانست. این را می‌دانستم که مورد الطاف و عنایات آن استاد عزیز هستم و از این بابت سر فخر بر آسمان می‌سودم... ولی شما کدام جوانی را سراغ دارید که همیشه از عقل پیروی کند و تابع احساسات نشده باشد؟!

در پاسخ کتبی به آن پرسش امتحانی بنده، برخلاف عقل و احتیاط و راه و رسم ادب و حق‌شناسی، به سنجش بالزاک و هوگو پرداختم و کفه‌ی هوگو را سنگین‌تر کردم، یعنی درست برخلاف رأی زرین استاد علامه‌ی خود اقدام کردم! چون از این ماجرا افزون بر پنجاه سال می‌گذرد، جزئیات را به یاد ندارم، ولی چکیده‌ی استدلال من در سنجش بین ژان والژان و وترن این بود که نوشته‌ی بالزاک رئالیست‌تر و عین واقعیت و حقیقت محض است ولی نمی‌تواند کمال مطلوب و ایده‌آل یک انسان باشد. اگر ما در زندگی وترن جاه‌طلب را سرمشق جوانان قرار دهیم دنیای ما چه جهنمی خواهد بود!...

باری از آن نوشته‌ی دور و دراز ورقه‌ی امتحانی، آن چه که به یادمانده است، سنجش ژان والژان و باباگوریو است در بستر مرگ... یک نویسنده‌ی رئالیست زندگی را بدان گونه که هست وصف می‌کند و یک نویسنده‌ی رمانتیک زندگی را بدان گونه که بایستی باشد. بدیهی است تا انسان ایده‌آل و کمال مطلوبی نداشته باشد، همیشه درخور و خواب حیوانی غوطه‌ور خواهد شد تا روزی که بمیرد و بارگران زندگی را از دوش ناتوان خود براندازد...

پس از پایان امتحانات لیسانس چند روزی به زیارت مشهد مقدس رفته ولی وجدانم همیشه سرزنش می‌کرد که این چه دسته گلی بود که به آب دادی؟! چرا برخلاف تشخیص استاد بی‌همتایت سخن گفتمی و رشته‌های خود را پنبه کردی؟! بگذار تا بیفتم و ببینم سزای خویش! تحصیل در دانشگاه‌های

اروپا را از این پس مگر به خواب ببینی! و چه خوش فرمود استاد سخن سعدی:

هر که با پولاد باز و پنجه کرد

ساعده سیمین خود را ز نجه کرد!

از دیدگاه معنوی و دانش فراوان، «پولاد باز» استاد بزرگوار من خانم سیاح بود و صاحب «ساعده سیمین» من دانشجو نادانی در درونم پیوسته نهیب می‌زد که چرا برخلاف جریان آب شنا کردی و عزیزترین استادت را از خود رنجاندیدی؟! آخر ای نادانک تو بیش‌تر می‌دانی یا استادت؟! آن هم استادی که مشارالینان است و شهرت جهانی دارد.

باری در آن چند روز سخت به عذاب وجدان گرفتار بودم و مرگ خود را از خدا می‌خواستم...

پس از چند روز در مشهد، نامه‌ای از دوست همکلاسی خود دریافت کردم که نوشته بود خانم سیاح عالی‌ترین نمره را به تو داده است! این خبر به قدری غیرمترقبه و شادی‌بخش بود که بی‌اختیار اشک از چشمانم جاری شد...

خدا گواه است که با خواندن این نامه، پیش از آن که از موفقیت خود و امید به آینده خوشحال شوم از بزرگواری و بلند نظری و ذره پروری آن بانوی دانشمند سخت متأثر شدم و این بیت سعدی را زمزمه کردم:

تم بریزد و خاکم به باد داده شود

هنوز مهر تو باشد در استخوان ای دوست

از آن تاریخ بیش از نیم قرن سپری شده است و هنوز ندانسته‌ام که نوشته‌ی ناچیز من چگونه توجه آن استاد بزرگوار را جلب کرده بوده است، نوشته‌ای که اصولاً برخلاف سبک و سلیقه و معتقدات خود استاد بوده است! این را جز بلند نظری و سعه صدر چه می‌توان نامید؟!

شاید برای تشویق یک طلبه‌ی سخت‌کوش مباحثه دوست چنین لطفی در حق این بنده روا داشته است. چند روز بعد خانم سیاح همان دوست همکلاس را به منزل محقر من در تهران فرستاده بود که اگر در وزارت خارجه مایل به استخدام است، اطلاع دهد تا اقدام شود. شما در تمام عمر چند تن استاد تا این حد دانا و در عین حال مهربان و دلسوز و مشوق دیده‌اید؟!...

آقای محمد گلین در تالیف خود به نام «نقد و سیاحت» که مشتمل بر شرح حال و مقالات و تقریرات دکتر فاطمه سیاح است، می‌نویسد: «سنگ آرامگاه که نزدیک به سی سال است در زیر برف و باران قرار دارد صاف شده و شکستگی پیدا کرده است. سنگ نوشته خیلی مشکل خوانده می‌شود. آنچه بازحمت و با ذره‌بین خوانده شد، به‌شرح زیر است:

«آرامگاه دکتر فاطمه سیاح استاد تاریخ ادبیات زبان‌های اروپایی. استاد دانشگاه تهران (۱۳۲۶ - ۱۳۸۱)».

با خواندن این چند سطر، پایان رمان بینوایان هوگو و آرامگاه زن و الزان به یادم آمد: صلف می‌پوشاند و باران محو می‌کند. این سنگ کاملاً عریان است. هیچ اسم بر این سنگ خوانده نمی‌شود...

...در دانش و ادب جهانی مقامی بس والا داشته و در ساحه‌ی سنجش ادبیات خارجی تاکنون جانشینی برای او پیدا نشده است. نظیر بانو دکتر فاطمه سیاح را در رشته‌ی سنجش ادبیات خارجی چه در میان زنان و مردان و چه در داخل و خارج هرگز ندیده‌ام. احاطه‌ی کامل به ادبیات و فلسفه و علوم اجتماعی اروپا و نقد ادبی و تسلط به چهار زبان روسی، فرانسه، انگلیسی و آلمانی جامه‌ای بود که بر قامت این بانوی دانشمند دوخته شده بود. افسوس که اجل مهلت نداد و این بانوی نابغه، در چهل و پنج سالگی به بیماری دیابت (قند) درگذشت و در این بابویه (ری) به خاک سپرده شد. بخشایش یزدان بر او باد...

...استاد بی‌همتایم، درست چهل و چهار سال است که از رنج هستی رسته و در دل خاک آرمیده‌ای. در زمان دانشجویی من، با این که خود دوستدار نویسندگان حقیقت‌گرا (رنالیست) بودی، به اندیشه‌ی یک دانشجو که به اقتضای سن و بی‌تجربگی جوانی ایدئالیست و خیال پرداز بود ارج نهاده‌ی و آن را ستودی. اکنون بیش از پنجاه سال است که با واقعیت زندگی آشنا شده و تجربه‌های تلخ اندوخته‌ام، من نیز به واقع بینی و حقیقت‌گرایی تو آفرین می‌گویم و در می‌یابم که چرا آن همه بالزاک، و به خصوص دو اثر فنانا پذیر او یعنی باباگوریو و اوژنی گرانده را می‌ستودی و مثل خود بالزاک به تأثیر نفوذ نامطلوب و روزافزون پول و مادیات در جوامع بشری توجه داشتی. توصیف زندگی بدان گونه که هست، نه بدان گونه که باید باشد.

اما نه تو و نه من که شاگرد کوچک تو بوده و هستم، در عین نگرش به واقعیت ناگوار و ناهنجار، از ایدئال و کمال مطلوب غافل نبوده‌ایم»^۹

خانم هاجر تربیت، همکار او در حزب زنان ایران و همسفر وی برای شرکت در کنگره‌های مربوط به مسائل زنان در ترکیه، درباره‌ی ایشان گفته است:

راجع به اخلاق و سجایای آن مرحوم بدون افتراق می‌توانم بگویم که همت و اراده و متانت که در شخص آن مرحوم سراغ داشتیم، تا حال به نظیر آن تصادف نکردم. با آن که منجاوز از پانزده سال بود که آن فقید به مرض مزمن و خطرناک قند گرفتار بود، همیشه بنا خنده و

آثار

(۱) رساله‌ی دکتری درباره‌ی آنا تول فرانس (به روسی)

(۲) کتاب تدریس زبان روسی برای دبیرستان‌ها، با همکاری پرفسور گیلید براند، طبق توصیه‌ی وزارت فرهنگ

(۳) کیفیت رمان، روزنامه‌ی ایران، بهمن ماه ۱۳۱۲

(۴) وظیفه‌ی تعلیم و تربیت در شاهکارهای ادبی، مجله‌ی تعلیم و تربیت، سال چهارم، شماره‌های آذر و دی ۱۳۱۳

(۵) موضوع رمانتیسیم و رئالیسم از حیث سبک‌نگارش در ادبیات اروپایی، مجله‌ی مهر، سال سوم، شماره‌های ۳، ۴، ۵، شهریور ۱۳۱۴

(۶) مادام دوستال، مجله‌ی مهر، سال چهارم، شماره‌های ۲، ۳، ۴، مرداد و شهریور ۱۳۱۵

(۷) خطابه در احوال الکساندر سرگیویچ پوشکین شاعر نامدار روس، روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۶ اسفند ۱۳۱۵

(۸) زن در مغرب زمین (پنجاه سال پیش و امروز)، مجله‌ی ایران امروز، سال یکم، اسفند ۱۳۱۷

(۹) تدریس متون، مجله‌ی تعلیم و تربیت، سال نهم، شماره‌ی ۱۰، ۱۳۱۷

(۱۰) زن و هنر، مجله‌ی ایران امروز، سال یکم، شماره‌های ۲ و ۳، اردیبهشت ۱۳۱۸

(۱۱) مقام زن در ادبیات، مجله‌ی ایران امروز، سال دوم، شماره‌ی ۲، اردیبهشت ۱۳۱۹

(۱۲) زن در ادبیات جدید (فرانسه)، مجله‌ی ایران امروز، سال دوم، شماره‌ی ۳، خرداد ۱۳۱۹

(۱۳) زن در ادبیات جدید (انگلیس)، مجله‌ی ایران امروز، سال دوم، شماره‌ی ۵، مرداد ۱۳۱۹

(۱۴) زن در ادبیات آلمانی، مجله‌ی ایران امروز، سال دوم، شماره‌ی ۷، مهرماه ۱۳۱۹

(۱۵) مسئله‌ی نبوغ در نزد زن‌ها، مجله‌ی ایران امروز، سال دوم، شماره‌ی ۸، آبان ۱۳۱۹

(۱۶) مقام سنت در تاریخ ادبیات، مجله‌ی ایران امروز، سال دوم، شماره‌های ۹ و ۱۰، آذر و دی ۱۳۱۹

(۱۷) موضوعات جاویدان و مطالب روزانه در ادبیات، مجله‌ی ایران امروز، سال دوم، شماره‌ی ۱۲، اسفند ۱۳۱۹

(۱۸) بالزاک و روش نو داستان‌نویسی، مجله‌ی ایران امروز سال سوم، شماره‌های ۲ - ۶، اردیبهشت - شهریور ۱۳۲۰

(۱۹) ادبیات معاصر ایران، مجله‌ی پیام نو، سال یکم، شماره‌ی ۱ مرداد ۱۳۲۲

(۲۰) مصاحبه با بانو دکتر فاطمه سیاح استاد دانشگاه، مجله‌ی عالم زنان، سال یکم، شماره‌ی ۱، تیرماه ۱۳۲۳

(۲۱) آنتون چخوف (برای چهلمین سال وفاتش)، مجله‌ی پیام نو، سال یکم، شماره‌ی ۱ مرداد ۱۳۲۳

(۲۲) مصاحبه با خانم دکتر فاطمه سیاح، مجله‌ی عالم زنان، سال یکم، شماره‌ی ۷، دی ماه ۱۳۲۳

(۲۳) زن و انتخابات در ایران، مجله‌ی آینده، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۱۰، شهریور ۱۳۲۴

(۲۴) انتقاد دانشمندان اروپایی در باب فردوسی، مجله‌ی مهر، سال دوم، شماره‌ی ۵

(۲۵) داستانیوسکی (مقدمه بر کتاب شب‌های روشن، ترجمه‌ی دکتر زهرا خانلری)، نشریه‌ی شماره‌ی ۲ سخن، ۱۳۲۴

(۲۶) شرق در آثار پوشکین، مجله‌ی پیام نو، سال یکم، شماره‌ی ۱۲، مهرماه ۱۳۲۴

(۲۷) نظریاتی چند در باب شاهنامه و زندگانی فردوسی، مجله‌ی سخن، سال دوم، شماره‌ی ۱۰، آبان ۱۳۲۴

(۲۸) نظری به اخلاق، مجله‌ی گل‌های رنگارنگ، سال چهاردهم، اردیبهشت ۱۳۲۵

تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی، تهران، جیبی، ۳۵ صفحه، بی‌تاریخ

(۲۹) درس عبرت از وقایع آذربایجان، مجله‌ی گل‌های رنگارنگ، سال چهاردهم، خرداد ۱۳۲۵

(۳۰) وظیفه‌ی انتقاد در ادبیات، نشریه‌ی نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران، تیرماه ۱۳۲۵

(۳۱) نثر فارسی معاصر (نظری به سخنرانی دکتر ناتل خانلری)، نشریه‌ی نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران، تیرماه ۱۳۲۵

(۳۲) نظری به نمایشگاه هنرهای زیبای ایران، مجله‌ی پیام نو، سال دوم، شماره‌ی ۱۰، مرداد ۱۳۲۵

(۳۳) میخائیل شولوخف (خلاصه‌ی سخنرانی)، مجله‌ی پیام نو، سال سوم، شماره‌ی ۱، مهرماه ۱۳۲۵

(۳۴) خانم، اگر به مجلس شورای ملی رفتید چه خواهید کرد؟، مجله‌ی بانو، سال دوم، شماره‌ی ۱۲، آذرماه ۱۳۲۵

(۳۵) نقد و سیاحت (مجموعه‌ی مقالات و تقریرات دکتر فاطمه سیاح)، گردآورنده محمدگلین، تهران، ۱۳۵۴ توس

* فهرست آثار دکتر سیاح برگرفته از کتاب از نیما تا روزگار ما، بچیا آری‌بور، ص ۱۷۶، ص ۱۷۷، انتشارات زوّار، تهران ۱۳۷۴

هوش و استعداد به قدری متواضع و خوش خلق و نیکو صفت بود که هرگز مناعت طبعش اجازه نمی‌داد، معلومات خود را به رخ مردم بکشد و خودستایی کند. در زندگانی خصوصی بسیار ساده و بی‌آلایش و زود باور بود، چون در

مشاهده‌رویی بر آلام جسمانی غلبه یافته نه پیش کسی می‌نالد و نه به هر کسی ابراز درد و رنج می‌کرد. واقعاً چه خوب گفته‌اند: درخت هرچه بارش بیش‌تر سرش پایین‌تر. این بانوی دانشمند با آن همه فضایل و کمال و با آن

گفت و گو با محمد گلبن



نیاز به خود نمایی نخواهد داشت...

ای ستاره‌ی فروزان ادب، نه تنها ماها که خوشه چنینان خرمن معرفت تو بودیم، بارها به خود گفته‌ایم، او نه استاد بود و نه شاگرد... بلکه ادبا و اساتیدی هم که از کشورهای بیگانه به این آب و خاک روی می‌آوردند، بسان قطره‌های باران که به بهنای دریا رسیده باشند. در برابر پهنا و ژرفای دانش تو شرمسار می‌شدند و دم در می‌کشیدند. ای دریغ بعد از این که خواهد توانست مثل تو تدریس بکند و چهار پنج زبان را به سهولت آب روان بلد باشد؟! چه کسی آن همه دانش ادبی، فلسفی و اجتماعی را به یک جا گرد خواهد آورد؟! چه کسی آن همه کتاب خواهد خواند و خواهد فهمید؟ کدام زنی ما را در انتظار بیگانگان سرفراز خواهد کرد؟! ای کاش کسی دیگر می‌توانست جای تو را بگیرد! ای کاش مردان در سخت کوشی و دانش اندوزی از تو سرمشق می‌گرفتند! ای کاش... ۱۲

پانویس:

۱. حمید سیاح، از رجل سیاسی ایران بود، سفیر ایران در شوروی و وزیر کابینه‌ی فروغی، ریاست هیأت نمایندگی ایران در شوروی... وی در ۲۵ شهریور ۲۰ درگذشت. رک به روز شمار تاریخ ایران باقر عاقلی، نشر گفتار، ص ۲۲۵، سال ۱۳۷۶.
۲. فخری قومی، ص ۱۶۹، انتشارات آموزش و پرورش، ۱۳۵۲.
۳. عیسا صدیق، بزرگداشت مشاهیر فرهنگ ایران، دانشگاه تهران، گردآوری و تنظیم ویلما طوما.
۴. خبرهای دانشگاه، اسفند ۲۶، ص ۲۳-۲۴ به نقل از نقد و سیاحت (محمد گلبن)، ص ۴۴، انتشارات توس، ۱۳۵۴.
۵. سیمین دانشور، شناخت و تحسین هنر، ص ۴۱۲، نشر سیامک، ۱۳۷۵، تهران.
۶. همان، ص ۲۷۸.
۷. همان، ص ۵۵۵.
۸. مهری بهفر، گفت‌وگو با آقای احمد سیمعی گیلانی، ۲۶ آبان ۷۸، در فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۹. دکتر مهدی روشن ضمیر، یاد یاران، ص ۳۵۸ تا ۳۶۳، نشر مستوفی، ۱۳۷۱.
۱۰. هاجر تربیت اطلاعات ۱۵۸۴، ۱۶ اسفند ۱۳۲۶ ص ۱. به نقل از نقد و سیاحت، محمد گلبن، ص ۴۲، ۴۴، همان.
۱۱. همان.
۱۲. دکتر مهدی روشن ضمیر، یاد یاران، ص ۱۷۰، نشر مستوفی، ۱۳۷۱.

منابع بخش نخست جستار (زندگینامه‌ی رسمی) از:

- ۱) یحیا آیین‌پور، از نیما تا روزگار ما، زوار، ۱۳۷۴.
- ۲) محمد گلبن، نقد و سیاحت، مقدمه، انتشارات توس، ۱۳۵۴، تهران.
- ۳) فخری قومی کارنامه‌ی زنان مشهور ایران به انتشارات آموزش و پرورش، ۱۳۵۲.

قاموس زندگی او دروغ و ریا مفهومی نداشت، هرگز باورش نمی‌شد که ممکن است دیگران دروغ بگویند یا ریاکاری و ظاهر سازی کنند...!

خانم تربیت در همین مقاله، از سفر یک ماه و نیمه‌اش به ترکیه همراه با خانم دکتر سیاح، می‌گوید:

«در سال ۱۳۲۳ طبق دعوتی که از طرف دولت ترکیه به عمل آمد، به اتفاق نگارنده به سمت نمایندگی از طرف «شورای زنان» به آن کشور مسافرت کردیم. در مدت یک ماه و نیم مسافرت و اقامت در ترکیه به من ثابت شد که ایران با داشتن دکتر فاطمه سیاح به جرأت می‌تواند ادعا کند که یکی از بزرگ‌ترین و دانشمندترین زنان عصر حاضر را دارد. زیرا سخنرانی که این فقید دانشمند در تالار بزرگ دانشکده‌ی حقوق و سیاست آن کشور در جلو متجاوز از هزار نفر مستمع به زبان فرانسه‌ی فصیح راجع به گوته و حافظ ایراد کرد. مورد تحسین و تمجید دانشمندان ترکیه قرار گرفت و همچنین مصاحبه‌هایی که این بانو به زبان‌های مختلف با استادان ترک و خارجی که در دانشکده‌ها تدریس می‌کردند، در رشته‌های علوم مختلف به خصوص ادبیات به عمل می‌آورد، در قلوب همه‌ی آن دانشمندان احساساتی آمیخته به تقدیر و احترام تولید کرد و باعث افتخار کشور ما گردید. ۱۱»

دکتر دانشور مرگ خانم دکتر سیاح را از سیلی‌های روزگار دانست و دکتر روشن ضمیر درباره‌ی تأثیر مرگ استاد چنین می‌گوید:

«خبر مرگ خانم سیاح همچون صاعقه‌ای بر سرم فرود آمد و از زندگی بیزارم کرد. خانم سیاح مرد و آن همه دانش و ادب را با خود به خاک برد! آن دیدگان تیز بین موشکاف، آن فهم سرشار، آن حساسیت شدید، آن دانش کرانه ناپیدا چگونه از یاد می‌رود؟!»

هیئات که مادر روزگار در همچو محیطی چون تو فرزند بزایدا در عظمت مقام علمی و ادبی تو همین بس که بارها در انجمن‌های جهانی زنان مایه‌ی روسفیدی ایرانیان بوده‌ای...

حیف از آن خلق و خوی بهشتی! اگر دیگری به جای تو بود چه نیش‌های غرور که به دل این و آن فرو نمی‌کرد! ولی از خود پسندی و فضل فروشی کوچک‌ترین اثری در رفتار و گفتار تو مشهور نبود. وقتی به منزل تو می‌آمدم با چه مهربانی و ادب از شاگرد خود پذیرایی می‌کردی و با چه صمیمیت و صفا سخن می‌گفتی! آری کسی که از لذت‌های نفسانی به چند عدد سیگار و از مال دنیا به چند کتاب قناعت کند

محمد گلبن، پژوهشگر و مؤلف، در زمینه‌ی تاریخ معاصر ایران و صاحب بیش از پنجاه کتاب در تاریخ، سفرنامه، کتابشناسی و... با گردآوری آثار و نوشته‌ها حتا جزوه‌های درسی خانم دکتر فاطمه سیاح و انتشار آن در کتابی به نام نقد و سیاحت، به سال ۱۳۵۴، تنها کسی‌ست که در این سال‌ها به گونه‌ای به دکتر فاطمه سیاح پرداخته است. با او به گفت‌وگو نشستیم تا از نزدیک از توجه و دیدگاه او نسبت به دکتر فاطمه سیاح، در وانفسای نادیده انگاری‌های معطوف به زنان، پرسش کنیم امانشست ما به پرسش محدود نبود و ایشان در سامان دادن به این ویژه‌نامه صمیمانه یاریگر ما بودند.

آقای گلبن شما اولین کسی هستید که با انتشار کتاب نقد و سیاحت، به خانم دکتر سیاح توجه نشان دادید. چه طور نظر شما به دکتر سیاح جلب شد؟

دکتر سیاح یکی از چهره‌های برجسته‌ی ادبیات ایران بود و استاد ادبیات تطبیقی جهان در دانشگاه تهران. دکتر سیاح اولین کسی بود که در ایران در زمینه‌ی

ادبیات تطبیقی تدریس و تألیف می‌کرد. یگانه و منحصر به فرد بود.

- شما برای گرد آوری کتاب نقد و سیاحت با مشکلات متعددی روبه‌رو شدید که در مقدمه‌ی کتاب بدان اشاره داشتید. از جمله نیافتن خویشان و آشنایان دکتر سیاح و یا امتناع برخی از آنان از گفت‌وگو:

- به مشکلات فراوان بود. من می‌خواستم دروس دکتر سیاح را که تدریس می‌کرد، در اختیار داشته باشم، ولی متأسفانه به هر کدام از شاگردان دکتر سیاح، مثل خانم رهنما، خانم سمیمین دانشور مراجعه کردم، هیچ کدام جواب درست و حسابی به من ندادند. تنها استاد احمد سمیمی گیلانی که از دلسوخته‌گان فرهنگ این مملکت است با من همکاری کرد. به من گفت وقتی مجموعه آماده شد با مقدمه‌تان بدهید من بخوانم.

من زبان فرانسه نمی‌دانستم. بنابراین لغات فرانسه را آقای سمیمی تطبیق می‌کرد و حتا یکبار کتاب را تا آخر بازخوانی و ویرایش کرد. تنها شاگرد دکتر سیاح، سمیمی گیلانی بود که با من همکاری کرد. دیگر هیچ کدام از شاگردانش حتا یک سطر هم به من کمک نکردند.

برادر شوهرش دکتر بود و در کودتای سال ۱۲۹۹ رضا شاه، فرماندار نظامی تهران بود. او دندان‌پزشک بود. بعد از مدت مدیدی که توانستم او را پیدا کنم، رفتم پشت بیمارستان شماری پنج ارتش، اول یوسف‌آباد، ساعت سه بعد از ظهر بود که او را پیدا کردم.

گفتم: «آقای دکتر برای انجام تحقیقی درباره‌ی دکتر فاطمه سیاح از شما کمک می‌خواهم.» گفت: «نه حوصله دارم و نه مطلبی از سیاح به خاطر دارم. شما بروید هر کاری می‌خواهید بکنید. من نه چشم‌داشتی دارم و نه...» گفتم: «من هم چشم‌داشتی ندارم. من به این زن علاقه دارم و می‌خواهم آثارش را گردآوری کنم. اگر مطالبی دارید به من بدهید» گفت: «من حتا یادم نمی‌آید که فاطمه خانم چه وقت فوت کرده است. من نه وقت دارم و نه حوصله. خودتان هر کار لازم است، بکنید.»

رفتم پیش مرحوم زنده‌یاد دکتر خانلری. گفتم: «آقای خانلری، شما سال‌ها دوست و شاگرد دکتر سیاح بودید. من می‌خواهم آثارش را منتشر کنم. شما یادداشت یا مقدمه‌ای برای آن بنویسید.»

به من گفت: «پسرم من الان کار دارم. فردا بیا صحبت کنیم.»

فردای آن روز با شادروان حسین خدیو جم که در بنیاد فرهنگ ایران کاری می‌کرد، پیش دکتر رفتم. دکتر خانلری گفت: «من نه شما را می‌شناسم و نه امروز فرصتی دارم که درباره‌ی فاطمه خانم تحقیق مجدد کنم. بهترین کس خود شما هستید. مجموعه‌تان را خراب نکنید. مقدمه را هم خودتان بنویسید. من هم که با فاطمه خانم نزدیک بودم و دوست بودم امروز فرصت ندارم و معذرت می‌خواهم.»

تنها کسی که مرا مهون لطف خودش کرد، استاد احمد سمیمی گیلانی بود که هم مشوق من بود و هم خودش شاگرد خوب دکتر سیاح و خوشبختانه الان در

قید حیات و در فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

- از دکتر سیاح بگویید:

- فاطمه سیاح دختر میرزا جعفر خان سیاح محلاتی است. پدر ایشان معلم دانشگاه لازروف در روسیه بود و آن‌جا زبان فرانسه و زبان فارسی هر دو را تدریس می‌کرد. همان طور که برادرش میرزا محمدعلی سیاح مهاجرت کرده بود، پدر فاطمه هم از ایران رفت. او بسیاری از کشورها را گشت و جایی که بیش تر مورد پسندش واقع شد، مسکو بود که آنجا ماند. بعد از مدتی به پترزبورگ رفت و سپس به مسکو برگشت. در مسکو با یک دختر خانم آلمانی ازدواج کرد که خانم فاطمه سیاح، حاصل این ازدواج است.

- اسم مادرش را می‌دانید؟

- نه نمی‌دانم.

- متأسفانه اسم مادرها همیشه فراموش می‌شود...

- در مسکو صحبت از ازدواج او با پسرعمویش حمید سیاح شد، آن‌ها ازدواج کردند ولی پس از سه سال از یکدیگر جدا شدند. درباره‌ی این ازدواج از سیدمحمد علی جمالزاده، نویسنده، سؤال کردم. او برای من نوشت «در مسکو این مسئله را با حمید سیاح در میان گذاشتم، حمید جوابی نداد. و بعد همین سؤال را از فاطمه خانم کردم که چرا با کسی که در این مملکت پست و مقامی دارد و پسر میرزا محمدعلی سیاح است که به احمدشاه درس می‌داد، زندگی نکردی؟ او گفت: «این سؤال را خیلی‌ها از من پرسیدند، واقعیت این بود که من نمی‌توانستم با کسی که سوادش از من پایین تر است با توافق زندگی کنم، به همین دلیل این زندگی ادامه نیافت.» باید بگویم که حمید سیاح و برادرش همایون سیاح هر دو از چهره‌های نیک‌نام بودند و در سیاست ایران دوره‌ی احمدشاه به بعد نقش تقریباً مؤثری داشتند. به ویژه در روابط ایران و روسیه. از حمید سیاح چندین مقاله و ترجمه در اختیار است. آرامگاه سیدجمال اصفهانی، پدر جمالزاده، در بروجرد به همت همایون و حمید سیاح بازسازی شد.

در ایران هم چند نفر به او پیشنهاد ازدواج دادند ولی قبول نکرد. او روح بلندی داشت و مسائل علمی برای او بالاتر از مسائل دیگر بود.

وقتی در ایران هزاره‌ی فردوسی برگزار شد، دکتر سیاح جزء یکی از سرانی بود که در کنگره حضور داشت. در هزاره‌ی فردوسی یکی از استادان دانشکده که دوست سیاح بود می‌گفت، محقق امریکایی یا یک محقق عثمانی مطلبی را درباره‌ی فردوسی ایراد کرد. بعد از اتمام این سخنرانی، جلسه‌ی پرسش و پاسخ بود. خانم سیاح بلند شد و گفت: «استاد شما مطلبی را که درباره‌ی فردوسی ایراد کردید از کجا نقل کردید و چرا نقل قول نکردید.»

آن استاد گفت: «این دریافت خود من است.» فاطمه خانم بر آشفته و گفت: «شما آدم شارلاتانی هستید. این نظر را چهارده سال پیش یک محقق آلمانی درباره‌ی فردوسی ابراز کرده و در فلان نشریه‌ی آلمانی هم چاپ شده است. شما چرا می‌خواهید نظریه‌ی محقق را که صادقانه کار کرده است به نام

خودتان ارائه کنید. حق شما این نیست که دیگر در این جلسات شرکت کنید. آن محقق رفت و خیلی ناراحت شد و در جلسات دیگر کنگره شرکت نکرد. موقع رفتن از ایران آن استاد نامه‌ای به دکتر سیاح نوشت و عذر خواهی کرد و گفت: «حق به جانب شماست و من اشتباه کردم.»

- از رابطه‌ی او با دانشجویانش بگویید:

- رابطه‌اش با دانشجویان صمیمی و علمی بود. یکی از شاگردانش به این زن دل‌بستگی پیدا می‌کند. منزل دکتر سیاح به منزل سعید نفیسی نزدیک بود. خانه‌ی دکتر سیاح در تهران، خیابان جلیل آباد، نزدیک خیابان هدایت بود، نزدیک به چهارراهی که می‌رود به طرف خانقاه. آن جا خانه‌های خیلی بزرگ و پر درختی داشت، و از مناطق خوش آب و هوای تهران و منطقه‌ی زیبایی بود. سعید نفیسی و خانم سیاح و بسیاری استادان دیگر، منزلشان آن‌جا بود و به دلیل این که نفیسی زبان روسی و فرانسوی را می‌دانست و خانم سیاح با خانمش هم دوست بود، در آن نزدیکی خانه گرفت. آقای نفیسی چندین بار که از کوچه عبور می‌کرد، می‌بیند که یکی از شاگردان خانم سیاح اغلب می‌آید و آن جا قدم می‌زند. آقای نفیسی به دکتر سیاح می‌گوید: «دکتر نمی‌دانم چرا یکی از شاگردان شما هر روز به این کوچه می‌آید و قدم می‌زند و به خانه‌ی شما نگاه می‌کند.»

دکتر سیاح می‌گوید: «من با او صحبت می‌کنم. فکر نمی‌کنم مشکلی باشد.»

بعدها یکی از شاگردان دکتر سیاح به او می‌گوید: «این پسر به شما دل‌بستگی دارد به همین دلیل به کوچه می‌آید تا هنگام خارج شدن شما از خانه، شما را ببیند.»

شاگردان سیاح در هفته، دو یا سه روز به منزل او می‌آمدند و درس می‌خواندند. سیاح این قدر روحش بزرگ بود و با شاگردانش دوست بود که آن پسر را صدا می‌زند داخل خانه. و موضوعات درسی را پیش می‌کشد تا آن دانشجوی خود تأمل کند.

متأسفانه سه سال آخر عمر، بیماری قند خیلی ایشان را آزرده کرد به طوری که او نمی‌توانست کار کند و لرزش داشت. و واقعاً با مشکل روبه‌رو بود. دکتر رهنورد در منزل آقای سیدصادق گوهری به‌من می‌گفت: «وقتی مقاله‌ای به فارسی می‌نوشت، مقداری شک داشت که آیا جملات درست است یا نه. مقاله را به من می‌داد. مقاله را یک بار می‌خواندم و به او بر می‌گرداندم.»

- از کارهای تألیفی دکتر سیاح بگویید:

- سیاح چند کار در درست تألیف داشت یکی تاریخ ادبیات روس بود که جلد اول را آماده کرده بود و به استادی داده بود تا مطالعه کند و مقدمه‌ای بر آن بنویسد. برای آگاهی استادان، به عنوان آگهی تصویر جلد کتاب را هم در نشریات آن زمان چاپ کرده بود. دکتر سیاح فوت کرد و بعد از مدتی جلد اول کتاب به نام شخص دیگری منتشر شد. متأسفانه نوشته‌ها و یادداشت‌های دکتر سیاح که درباره‌ی بقیه‌ی بزرگان ادبیات روس نوشته بود، به دست نیامد و نه دیگر

جلدی به آن کتاب اضافه شد و نه آن شخص جلد دوم را خودش نوشت.

- این گونه سرقت‌های بی ادبانه‌ی ادبی تعجب‌آور نیست، هرچند که تأسف بار است.

- بله آقای... کتاب را برای این که مقدمه بنویسد، گرفت. ولی وقتی مردی بیاید و حاصل زحمت سال‌های زنی را که بیمار است و عاشق فرهنگ ایران است و عاشق ادبیات جهان و یک کار خوب و غنی است به نام خود...
- قرائتی مانند گذراندن تحصیلات در مسکو، استادی ادبیات و زبان روسی نشان می‌دهد که نویسنده‌ی کتاب می‌تواند خانم سیاح باشد، ضمن آن که آگهی آن هم چاپ شده بود. خانم سیاح در ایران امروز، نقدرمان توسط احمد کسروی را نقد می‌کند. احمد کسروی می‌گوید که بافت و عنصر اصلی رمان خیال، یعنی دروغ است و در بردارنده‌ی تأثیرهای سونئست بر خوانندگان به ویژه جوانان. خانم سیاح این دیدگاه را نقد می‌کند، من می‌خواهم شما خصوصاً در مورد دیالوگی که بین احمد کسروی و دکتر سیاح در می‌گیرد، صحبت کنید، درباره‌ی نقد و انتقاد دکتر سیاح و جایگاه آن در نقد ادبی ما.

- کار دکتر سیاح اصولاً ادبیات تطبیقی بود. دستمایه‌ی ادبیات تطبیقی هم نقد است و مقایسه‌ی بین ادبیات کشورها. این بررسی خودش یک نقد است. ماهیت سخنرانی دکتر سیاح هم در نخستین کنگره‌ی نویسندگان ماهیت انتقاد بود که ایشان بعد از صحبت دکتر خاتلری، صحبت کردند. خطابه‌ی خیلی مدونی درباره‌ی ماهیت انتقاد ادبیات ایراد کرد که از خطابه‌های معروف دکتر سیاح است و به همین دلیل است که بین کسروی و دکتر سیاح درباره‌ی رمان اختلاف پیش می‌آید. کسروی رمان را اصلاً قبول ندارد و رد می‌کند ولی دکتر سیاح نظرش این بود که اگر قرار باشد، رمان را در ادبیات ایران و جهان رد نکنیم، ما خودمان رمان منظوم داریم مثل منظومه‌ی خسرو و شیرین، مثل منظومه‌ی لیلی و مجنون که این‌ها رمان‌های منظوم در ادبیات فارسی هستند. خودشان قمه و داستان هستند و به صورت رمان در لباس شعر خود را عرصه داشته‌اند. اگر بخواهیم رمان را رد کنیم باید این‌ها را هم رد کنیم. از این جهت، حرف سیاح درست‌تر از کسروی بود. از این نظر سیاح مقام والایی دارد. نظر سیاح جلوتر از نظر کسروی بوده است. نمی‌دانم چرا کسروی با رمان مخالف بود. بالاخره ادبیات هم شعر است و هم داستان. نظر سیاح این بود که اگر رمان را از ادبیات فارسی حذف کنیم باید داستان لیلی و مجنون یا خسرو و شیرین و امثالهم را رد کنیم. نظر سیاح نظر درستی بود.

- آقای طالبی شما نظرتان را در مورد جایگاه دکتر سیاح در نقد ادبی بفرمایید.

- بزرگی خانم سیاح بیش‌تر در این بود که او جزء اولین کسانی است که نقد علمی و آکادمیک را در ایران رایج کرد. هرچند که در نقد ادبی، دیدگاه چپ داشت. نگاه کنید، زمانی که درباره‌ی رمان بین کسروی و سیاح



بحث صورت می‌گیرد، ادبیات در ایران به مفهوم امروزی آن، مطرح نبود. ابتدا شعر متولد می‌شود و بعد نقد شعر و به همین ترتیب اول داستان می‌آید و بعد نقد آن. نویسندگان غالب آن دوره، بیش‌تر پاورقی نویسان بزرگ بودند. علوی و صادق هدایت کار می‌کردند، ولی معیار، کار آن‌ها نبود هرچند این مسائل هیچ تأثیری در دیدگاه کسروی نمی‌توانست بگذارد، نقد ادبی شعور بالایی می‌خواهد، شناخت ادبیات آلمان، فرانسه و روسیه در آن زمان، به وسیله‌ی یک زن حرف کمی نبود. به عقیده‌ی بنده، سیاح کسی نیست که دیدگاه ادبی او با کسروی مقایسه شود. بزرگی دیگر سیاح، عشق او به تدریس بود. او علاقه داشت ادبیات تطبیقی را در دانشگاه‌ها جایبندازد.

من الان نمی‌دانم دانشگاه تهران در مورد ادبیات تطبیقی چه می‌کند. دورانی که ما بودیم این رشته درخشان نبود. مقاله‌ای می‌خواندم از دکتر سیاح درباره‌ی چخوف به مناسبت چهلمین سالمرگ او، در آن زمان واقعاً چخوف تا چه مقدار شناخته شده بود؟ چند ترجمه به جای مانده از آن دوران بسیار سردستی است. این‌هاست که چهره‌ی خانم سیاح را در نقدنویسی بسیار پررنگ می‌کند. نقدنویسی با نقدنویسی آکادمیک فرق می‌کند. آموزش این کار در دوران خودش، او را بزرگ می‌کند و همین باعث می‌شود شما به صرافت بیفتید تا مطلبی از او تهیه کنید.

- آقای گلبن از فاطمه سیاح و همسرش بگویید:

- این دو پسر عمو و دختر عمو بودند. زندگی‌شان سه سال طول کشید و بعد جدا شدند. حمید سیاح پست مهمی در وزارت امور خارجه داشت. برادرش همایون سال‌ها سفیر ایران در مسکو بود و چون عمویشان میرزا جعفرخان پدر فاطمه بود این‌ها به روسیه رفته بودند، تحصیل کرده بودند. در دوران خاندان پهلوی این‌ها مقام‌های خوبی در وزارت امور خارجه و دارایی داشتند. از حمید سیاح چندین مقاله دیده‌ام که چاپ شده است از برادرش همایون هم مقالاتی چاپ شده که یکی دو تابش خیلی خوب بود.

- خانم سیاح از فعالان جنبش زنان بود، تلاش برای کسب حق رأی زنان نمونه‌ای از کوشش‌های

اوست. وی دبیر اول حزب زنان ایران بود. درباره‌ی این وجوه شخصیتی دکتر سیاح بگویید.

- نشریه‌ی حزب زنان ایران را ایشان منتشر کردند این نشریه یک شماره بیش‌تر منتشر نشد و کتابی هم ایشان با خانم هاجر تربیت به زبان روسی و فارسی برای مدارس ایران منتشر کرد. با خانم تربیت به ژنو سفر کرد. دکتر سیاح در انجمن ایران و شوروی، وقتی مجله‌ی پیام نو منتشر می‌شد. در سال اول و دوم آن نشریه، عضو هیأت مدیره بود. مقاله‌های خوبی از دکتر سیاح چاپ شده است. سال‌ها عضو هیأت مدیره‌ی انجمن و مجله بود. یکی از مجله‌های دیگری که سیاح با آن همکاری می‌کرد ایران امروز بود که مدیریت آن با محمد حجازی بود و پولش را دولت می‌پرداخت قطع بزرگی داشت و چاپ بسیار زیبایی. ایران امروز یکی از مجلات خوبی است که منتشر شده است. بنابراین سیاح در سه سالی که این نشریه منتشر شد در کم‌ترین شماره‌ای است که مطلب نداشته باشد.

- چرا کتاب نقد و سیاحت فقط یکبار چاپ شد؟

- مجموعه مقالات دکتر سیاح که در حقیقت اسمش را احمد سمعی گیلانی انتخاب کرد، توسط انتشارات توس به چاپ رسید. ولی نه من و نه ناشر از چاپ کتاب راضی نبودیم. الان ۱۶ سال است از چاپ اول این کتاب می‌گذرد، به تازگی نسخه‌ای را که داشتم با نگاه جدیدی ویرایش کرده‌ام و برای چاپ دوم داده‌ام.

- آقای گلبن از خودتان بگویید.

- من از زندگی خودم چیزی ندارم که بگویم. ارزش گفتن ندارد. فرهنگی که چهره‌های بزرگ و آدم‌های بزرگ دارد، من چه بگویم؟ من علاوه بر کتاب دکتر سیاح کارهای دیگری هم کرده‌ام. به مرحوم بهار علاقه داشتم. اولین مقاله‌های بهار را به نام فردوسی‌نامه‌ی بهار منتشر کردم که اولین اثر من درباره‌ی او بود، صد مقاله بهار را به نام بهار و ادب پارسی، منتشر کردم و بعد بر روی جلد دوم احزاب سیاسی کار کردم. و پنج جلد دیگر از آثار بهار آماده‌ی چاپ دارم. در انتشار از صبا تا نیما با مرحوم آریان‌پور همکاری داشتم و بعد از مرگ آریان‌پور نیز در انتشار از نیما تا روزگار.

در زمینه‌ی سفرنامه‌نویسی در ایران کار کردم که کم نیست. سی و چند کتاب منتشر کرده‌ام. و ده دوازده جلد کتاب آماده‌ی چاپ دارم. سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی به روسیه، سفرنامه خسرو میرزا به روسیه، زندگی عباس میرزای نایب‌السلطنه، سفرنامه‌ی اعتمادالسلطنه از تفلیس به ایران، گزارش سرخس، سفرنامه رکن‌الدوله به سرخس، گزارش کویر که نویسنده‌اش صفای السلطنه نائینی است. اخیراً هم فهرست سی‌ساله‌ی سالنامه دنیا که راهنمایی برای دانشجویان و استادان است، منتشر کرده‌ام که در زمینه‌ی تاریخی ۱۵۰ سال گذشته است...

دیگر مجموعه فرامین میرزا محمدنائینی، به نام سفینه‌ی فرامین را منتشر کرده‌ام. که از بزرگان اهل قلم دوره‌ی فتحعلی شاه و محمدشاه است. و قریب به

۲۵ فرمان دارد. کتابشناسی‌هایی هم از من منتشر شده است. کتابشناسی صادق هدایت کتابشناسی خط و زبان - کتابشناسی نگارگری که اگر آقای فرامرزی طالبی نبود می‌توانست به این خوبی از چاپ درآید، ایشان شب‌ها قریب سه ماه کنار من و با من همکاری کرد.

کتابشناسی خط و زبان کتابشناسی زندگی مدرس و... کتاب‌هایی هم در دست کار دارم مثل سفرنامه‌ی سیف‌الملک که روسیه فروش دختران قوچانی به ترکمن‌ها که با همسرم کار کرده‌ام و در دست چاپ است. ۵۰۰ قرمان و سند است که تا حالا چاپ نشده و در بردارنده واقعیات بسیار دردناکی است، قای طالبی ناظر کار ما بودند و من و همسرم برای این کار خیر خیلی زحمت کشیدیم، صفحه از اشک‌های من و همسرم پر می‌شد.

نیوغ در نزد زن‌ها

مقاله‌ی کنونی ما در حقیقت خاتمه‌ای است برای سلسله‌ی گفت‌وگوهای که تا به حال راجع به مقام زن در صنعت و ادبیات نوشته بودیم.

در مقالات پیش پیش‌تر اطلاعات و شواهدی را جمع کرده بودیم که به توسط آن بتوان پی به نوع نیوغ زن برد. مقاله‌ی کنونی هم موضوع سابق را ادامه داده ضمناً تمام گفته‌های پیش را به طور خلاصه شامل خواهد بود.

با شرح مطالبی که اکنون خواهیم آورد و سابقاً هم متذکر شدیم و به ما اجازه‌ی ثبوت و ختم موضوع را می‌دهند، می‌توانیم به خوبی، نوع معمول فعالیت زن‌ها را در هنر و ادبیات بیان نموده به این ترتیب پی به نوع نیوغ ایشان ببریم، زیرا چگونگی فعالیت بسته به شخصی است که آن فعالیت از او سر می‌زند.

شرح اهمیت زن در هنر مجسمه‌سازی چنان‌که پیش از این دیدیم ما را نسبت به او کمی بدبین نمود زیرا وی نیوگی در میدان پهن‌تر صنعت معماری و مجسمه‌سازی از خود نشان ندهاده است.

در خصوص نقاشی موفقیت و مقام او کمی ترقی می‌کند زیرا چنان‌که دیدیم چند اسم برجسته (ویژه لون برن **Vigee Lebrun**، رز اینسار **Rosa Bonheur**، آن‌زلیکا کایوفمان **Angelika Kauffmann**، ماری لورانسن **Marie Laurencin** و غیره) در بین زن‌های نقاشی به ظهور می‌رسد اما این هم بر مقام زن نمی‌افزاید یعنی اهمیت زن در هنر مجسمه‌سازی و نقاشی با وجود ظهور چندتن از اشخاص برجسته باز کاملاً ناچیز ماند زیرا او نتوانسته است هیچ اثر حقیقتاً مهمی را به وجود آورد و به این ترتیب از شرکت در ردیف هنرپیشگان مبتکر و مخترع محروم می‌ماند. در صنعت موسیقی مقام زن باز مجهول است زیرا در ساختن و ابتکار مقام‌های موسیقی ابداً هنر نمای نمودند در صورتی که در صنعت اجرای موسیقی استعداد قابل توجهی نشان داده است.

در مقام رهبری ارکستر ساز هیچ زن مشهوری را نمی‌بینیم و حال آن که در فن آواز، خود را کاملاً هم‌ردیف مرد نموده، چنان‌که مشاهده می‌کنیم آوازخوان‌های بزرگ زن در تمام دوره‌ها خصوصاً پس از ایجاد اپرا بسیار فراوان می‌باشند. به این جهت نمی‌شود متذکر ذوق موسیقی و استعداد و تمایل زن نسبت به آن هنر زیبا شد بلکه بالعکس چنان‌که معروف است موسیقی صنعت محبوب و برگزیده‌ی زن بوده و بیش‌تر از هنرهای دیگر کوشش و دقت وی را نسبت به خود جلب نموده است. ولی با این همه چنین نتیجه می‌گیریم که نیوغ زن در موسیقی بیش‌تر جنبه‌ی تقلیدی دارد تا ابتکاری.

در فن نمایش باز قضیه به همان ترتیب پیش می‌رود یعنی در نمودن و ظاهر کردن حالات مختلفه، زن خود را کاملاً

همدوش مرد معرفی کرده است و برای اثبات این مدعا کافی است که «سارا برناردا» **Sarah Bernhardt**، «راشل»، «آدرین لکورو» **Adrienne Lecouvreur**، «الونوردوز» و غیره را نام ببریم تا اهمیت و قدر و قیمت زن در میدان وسیع تئاتر معلوم گردد. اما باز از ابتکار انواع مختلف نمایش و سبک‌های نوین عاجز بوده و در این زمینه نتوانسته است خودنمایی نماید، اگرچه در صحنه‌ی تئاتر زن بازیگر قابل‌به‌شمار می‌رود ولی هرگز در ردیف رؤسورهای مهم در نیامده است. مقام فردریک کارولین نوبر (۱۸۱۰ - ۱۶۹۷) که از زن‌های آرتیست و رؤسور مهم نمایشخانه‌ی درسدن **Dresden** بوده و در تشکیل و پرورش تئاتر آلمان مرتبه‌ی بزرگی را احراز کرده است، کاملاً مستثنا و منحصر به فرد است. حتا در رقص هم که از هنرهای مخصوص و محبوب زن محسوب می‌شود، باز قواعد فنی آن در نتیجه‌ی فکر و نیوغ مرد ترتیب یافته است. در صورتی که بزرگ‌ترین رقاصان همیشه زن‌ها بوده‌اند.

از این رو می‌بینیم که زن در میدان وسیع هنرهای زیبا همیشه حالت قبولی و تقلیدی داشته است و فقط گاه‌گاه و بسیار به ندرت قوه‌ی خلاقه‌ی او در پرورش و ایجاد بعضی از این صنایع عرض اندام می‌نماید ولی باید دانست که مقام و مرتبه‌ی زن در ادبیات تفاوت می‌کند زیرا چنان‌که سابقاً دیدیم نیوغ زن در این قسمت کاملاً رشد کرده و خودنمایی بسزا نموده است. با وجود این اگر از روی دقت به اندازه‌ی چگونگی آثار او در این رشته بنگریم، دو مطلب مهم دستگیرمان می‌شود: یکی این‌که عده‌ی زن‌های با استعداد و مشهور نسبت به مردان ادیب با ذوق بسیار کم است. دیگر آن که استعداد و نیوغ زن فقط در برخی از انواع نوشتجات ادبی توانسته است به درجه‌ی کمال برسد و در انواع دیگر آن اغلب بی‌اثر است. چنان‌که نام زن در قسمت تراجم احوال فقط به نسبت صدی هشت دیده می‌شود. این نسبت در قسمت ادبیات رو به افزایش می‌گذارد ولی با وجود این حتی در فرانسه که زن‌ها پیش از سایر ملل در قسمت ادبیات ترقی و عرض و اندام نموده‌اند در قرن نوزدهم که به وجود دو خانم رمان‌نویس بزرگ - ژورژ ساندو مادام دوستال - بر می‌خوریم اقبالاً با دوازده نویسنده‌ی شهیر مرد روبه‌رو می‌شویم.

اما کمی عده‌ی زنان نابغه، مقام آن‌ها را پایین نمی‌آورد زیرا اصولاً عده‌ی زن‌های نویسنده نسبت به مردهای نویسنده به مراتب کم‌تر است. حتا در قرن بیستم که زن بیش از هر موقعی دیگر در کارهای ادبی شرکت می‌نماید باز بین شش نفر نویسنده فقط یک زن دیده می‌شود و به این ترتیب با در نظر گرفتن تمام این نسبت‌ها متوجه می‌شویم که نیوغ ادبی زن چندان کم‌تر از مرد هم نمی‌باشد.

و اما مسئله‌ی کیفیت نوشتجات با کمک علم آمار حل نمی‌گردد زیرا چنان به نظر می‌رسد که زن از بین رشته‌های مختلف ادبی، فقط در قسمت‌های مکاتبه، غزل‌سرایی و رمان‌نویسی توانسته است به کمال هنرنمایی کند و در قسمت درام نویسی، انتقاد ادبی، مقاله نویسی و سرودن اشعار رزمی و هجایی ابداً نام مهمی از خود باقی نگذاشته است. همچنان‌که در تاریخ فلسفه هم از او اثر جالب توجهی نمی‌بینیم. از این رو نیوغ زن در ادبیات دارای مزایا و نقص مخصوص به خودی است که مردها از آن بی‌بهره هستند. حال می‌خواهیم کرد که این مختصات را از نزدیک و با دقت بیش‌تری مشاهده نماییم.

شرح خصوصیات سبک نامه‌نگاری، غزل‌سرایی و رمان‌نویسی ما را تا حدی موفق به شناختن مختصات نیوغ زن می‌سازد، زیرا بین این سبک‌های ادبی و نیوغ زن باید بدون شک یک نوع خویشی موجود باشد که زن‌ها را آن قدر متمایل بدان طریق می‌بینیم.

باید دانست اصل و هدف اشعار غنایی بیان و شرح احساسات خصوصی و قلبی نویسنده است. پس تأثر، پایه و

اساس غزل‌سرایی است اما برای داشتن طبع غنایی، این تأثر باید کاملاً شخصی باشد و به همین جهت است که شدیدترین و خصوصی‌ترین تأثرات قلبی که عشق باشد، بهترین نماینده‌ی آن بوده و موضوع اساسی غزل‌سرایی را تشکیل می‌دهد. عقل و دلایل منطقی بالطبع غنایی ابداً سروکاری ندارد بلکه برعکس حساسیت اشراق و حتا گاهی نقص معرفت، مراد اصلی آن را تشکیل می‌دهد و این صفات بدون شک از مختصات طبع زنان است. به این ترتیب می‌فهمیم که چرا روح زن در غزل‌سرایی آن قدر اوج می‌گیرد و چرا در هنر دورهای از قدیم‌ترین روزها تاکنون زنی معروف در این قسمت جلوه‌گری می‌کرده است (چنانکه سافو **Sapho** از زمنه‌ی بسیار قدیم، حروس ویت، کریستین دپیزان **Christine de Pisan**، ماری دو فرانس **Marie de France** در قرون وسطی و دوره‌ی رنسانس، لویی‌زله در قرن شانزدهم و مارسلین دبرد والموور، کنستس دنوای **Comtesse de Noailles**، الیزابت براونینگ، آنت فن دروسته هولسهوف در قرن نوزدهم جلب توجه کامل می‌نمایند.

سبک نامه‌نگاری و انشایی هم از سبک‌های خصوصی است، زیرا نامه‌نگاری خود نوعی از صحبت کردن است که با وجود فاصله‌ی زمانی یا مکانی انجام می‌گیرد. نویسنده اغلب در نامه‌ی خویش از زندگانی شخص و موضوع‌هایی که کاملاً مربوط به اوست یا جلب توجه وی را می‌نماید، صحبت می‌کند. معمولاً نامه‌پردای است از اتفاقات جدید که نویسنده آن‌ها را از روی تأثرات قلبی خویش نقل می‌نماید.

پس در این جا نیز به طوری که در قسمت غزل‌سرایی دیدیم، تأثر قلبی مهم‌ترین عامل کار است و زن هم از آن به منتهای درجه برخوردار می‌باشد و باید انصاف داد که این سبک را زنان به درجه‌ی کمال رسانده‌اند زیرا نامه‌های مادام دو سوشیه کامل‌ترین نمونه‌ی این سبک محسوب می‌شود و هنوز هیچ مردی نتوانسته است بهتر از آن و یا اقبالاً مانند آن را بیابد.

و اما رمان آزادترین و ترکیب‌ترین و جامع‌ترین سبک‌هاست که در ادبیات دیده می‌شود. هیچ اصل و قانونی نمی‌تواند در رمان مانع ابتزاز احساسات و تخیل گردد و هر موضوعی بسته به آن است که بیروارندند، و رمان که در تاریخ ادبیات جدیدترین نوع محسوب و در قرن هیجدهم کاملاً رواج می‌یابد گاهی جنبه‌ی خصوصی، احساساتی، رمانتیک و هنگامی صورت رئالیستی تخیلی، اجتماعی و روان‌شناسی به خود می‌گرفته است. خلاصه می‌توان گفت که رمان تمام مکتب‌های ادبی و سبک‌های مختلف را پیموده و به واسطه‌ی همین خاصیت ارتجاعی خویش است که محبوب‌ترین سبک زنان شمرده می‌شود ولی در این میدان پهناور هم باز زن نتوانست به تمامی خودنمایی کند زیرا فقط به بعضی از انواع رمان پرداخته بقیه را از نظر دور داشت.

آن نوع رمانی که زن نتوانست از عهدی آن به طور کمال برآید، رمان شخصی است. بتینا فن آرنیم و مادام دولافایت حکایاتی نوشته‌اند که کم و بیش شرحی از زندگانی خصوصی و تأثرات شخصی ایشان می‌باشد حتا هنگامی که موضوع نوشتجاتشان از حدود زندگانی شخصی قدم فراتر می‌گذارد باز دخالت احساسات و نظریه‌ی شخصی ایشان در معرفی اشخاص و شرح اتفاقات کاملاً واضح و هویبناست و می‌توان آن را از مشخصات نوشتجات زنان دانست. در آثار ژورژ الیوت با وجود این که موضوع اجتماعی را در نظر می‌گرفت باز به این نکته بر می‌خوریم.

زنان حتا در مواقعی که کاملاً از احساسات خود صرف نظر نموده و موفق به ایجاد اشخاص تازه و برجسته‌ای در نوشتجات خود می‌شوند، باز نمی‌توانند از عالم حس و انفعال بر کنار مانده آن را در آثار خود دخالت ندهند چنان‌که امیلی برونته که بیش از سایر زنان نویسنده در نوشتجات خود مبتکر بود، باز موضوع مهمش شرح و تحلیل قدرت عشق است. قطعاً

چون قسمت عمدی زندگانی زن آمیخته به عشق و نتیجه‌ی احساسات است، عشق با صور گوناگون خود، نقطه‌ی مرکزی رمان‌های او قرار گرفته است. البته مردان نویسنده هم اغلب موضوع عشق را در رمان‌های خود گنجانده‌اند. ولی باید دانست که آوردن آن بیش‌تر برای جلب نظر خوانندگان است و عشق به خودی خود کم‌تر موضوع اصلی و اساسی نوشته‌های ایشان قرار می‌گیرد، چنان‌که تولستوی، داستایوسکی، دیکنز، هوگو، بالزاک، ستاندال، فلوربر، زولا و سایر نویسندگان بزرگ این مدعا را به ثبوت رسانده‌اند و نزد ایشان عشق در دو مین درجه‌ی اهمیت واقع شده است. پس اصولاً رمان زنان رمان عشق است، خواه آن‌که جنبه‌ی شخصی یا غیرشخصی داشته باشد و یا آن‌که به یکی از صور مختلف معرفه‌ی نفسی، احساساتی، ماجراجویی و مذهبی جلوه نماید و از این رو می‌بینیم نبوغ زن حتا در رمان نویسی هم حدود خود را حفظ می‌نماید. هیچ یک از زنان رمان‌نویس به تشکیل آثار فوق‌العاده وسیع مانند «کمدی انسانی» Comedie humaine بالزاک یا «روگن ماکار» Rougon - Macquart زولا، یا جنگ و صلح «تولستوی» و یا «در جست و جوی ایام از دست رفته» Marcel Proust موقوف نشده است.

ذوق و طبع زن در نقاشی صحنه‌ای از ایام گذشته و یا شرح حالات اجتماعی یک دوره‌ی تاریخی به خصوص را از عهد برنیامده و هرگز نتوانسته است رمانی به تمام معنی اجتماعی بنویسد و با وجود این‌که در تجزیه‌ی احساسات شخصی روان‌شناس قابل‌ست ولی از عهده‌ی تجزیه‌ی روحی جامعه برنیامده و به این جهت تمام کوشش او در بیان ذوق و عادات و طرز زندگانی اجتماعی مردم ناقص می‌ماند.

عدم موفقیت او در نگاشتن رمان‌های اجتماعی باید به واسطه‌ی لزوم قدرت مشاهده‌ی خارجی باشد که وی تا حدی فاقد آن است. در رمان‌های اجتماعی اشخاص متعدد و متفاوتی عرض اندام می‌نمایند که با هم از هر جهت تباین کامل دارند. برای نگاشتن حال ایشان، نویسنده باید بتواند تا اندازه‌ای که لازم است از احساسات شخصی خود چشم‌پوشی نماید. ممکن است قوه‌ی مشاهده‌ی باطن که در نزد زن‌ها فوق‌العاده قوی است برای نوشتن رمان شخصی کاملاً کافی باشد. ولی کسی که می‌خواهد صحنه‌ی اجتماعی یک دوره و یا قومی را بنمایاند باید قوه‌ی مشاهده‌ی خارجی و ظاهری هم داشته باشد. پس ناتوانی زن در شرح و نقاشی وضع اجتماعی ملتی، خود دلیل بر این است که وی نمی‌تواند از فکر خود خارج شده قدمی ماورای احساسات قلبی و تأثرات شخصی خویش بگذارد.

زن فاقد قوای عملی و تجرید و تصویر خارجی عالم درونی خویش می‌باشد و فقدان این قوا سبب می‌شود که وی نتواند از عهده‌ی سبک‌هایی که مستلزم آن‌هاست به خوبی برآید. از این رو چنان‌که سابقاً هم گفتیم، هرگز زن برجسته و فوق‌العاده‌ای در رشته‌های مختلف فلسفه، انتقاد ادبی و درام‌نویسی به ظهور نرسیده و در موسیقی هم زن نتوانسته است به کمال عرض اندام کند زیرا برای ایجاد و ابداع یک آهنگ موسیقی بیش از حد تصور، قوه‌ی تجرید واجب و لازم است.

حال اگر بخواهیم از آن چه نوشته شد نتیجه‌ی بگیریم چنین مشاهده خواهیم کرد که طبع زن در ایجاد هنرهای زیبا نتوانسته است کاملاً موفق گردد و فقط در سبک نامه‌نگاری، غزل‌سرایی و نوشتن رمان‌های عشقی به انواع مختلف، که همه از نتایج قدرت حس شخصی و ذاتی به وجود می‌آیند، توانسته است به تمام معنی هنرنمایی کند و هیچ زنی تا به حال نتوانسته است در موضوع‌هایی که چشم‌پوشی نویسنده از احساسات شخصی لازم باشد یا مردان رقابت کند.

این مختصات که کسی به ضرر زن‌ها تمام می‌شود به واسطه‌ی شدت تأثیر قوه و حس باطن به وجود آمده،

نمی‌گذارد ایشان در موقع نوشتن نفس خود را فراموش نمایند. حال باید دید که آیا این موضوع «فراموشی خود» نزد هنر پیشگان مرد نسبت به هنرهایشان کاملاً حکمفرماست؟ خیر زیرا بی‌طرفی و حقیقت‌بینی محض همان طور که در ادبیات ممکن نیست در صنعت هم غیر ممکن به نظر می‌آید.

پس جوهر و اصل ابداع صنعتی چیست؟ برای درک این مطلب باید دانست که صنعت، عبارت از به وجود آوردن و نمایاندن حقیقتی است که هنرپیشه آن را از دریچه‌ی چشم و احساسات خویش دیده باشد. حال اگر شخصیت و احساسات باطنی در صنعت دخالت نداشته باشند بایستی که از موضوع به خصوصی یک سلسله آثار متحدالشکل در دست باشد در صورتی که می‌بینیم در عالم هنر هر اثری از آن پست‌تر هم که نباشد، دارای نکته‌ی تازه‌ای است که به واسطه‌ی آن از امثال خود مبرز می‌گردد و آن نکته‌ی تازه الهام شخص هنرپیشه است. این حس باطنی مهم سبب می‌شود که آثار هنرپیشگان همیشه باصل واقع تا حدی فرق داشته باشد و این حد خود دستخوش یک سلسله تغییرات است.

اگر بخواهیم مطلب روشن‌تر شود باید گفت که یک اثر صنعتی هرگز نمی‌تواند عین حقیقت باشد زیرا اگر عین حقیقت یا رونویسی مقصود باشد، صنعتی در بین نخواهد بود چون هنر و صنعت معنی آفریدن دارد. حال این آفرینش ممکن است از راه تشکیل مواد خیالی باشد و یا از راه ترکیب نوین مواد سابق. از این رو می‌بینیم که آن «فراموشی خود و بی‌طرفی» در صنعت به تمام معنی میسر نبوده و فقط ارزشی نسبی دارد. زیرا کار هر هنر پیشه‌ای از این قسمت آگاه است. حتا طرفداران روش «صنعت برای صنعت» و همچنین آن‌هایی که هنرپیشگان را از دخالت احساسات شخصی در کار خود مبرا و برکنار می‌دانند این اصل مسلم را به کلی رد نکرده‌اند و به این جهت است که فلوربر واقع نویسن‌ترین ادبا می‌گوید: «مادام بوبری خود من است» پس مطلب بر سر فراموشی کامل خود نیست بلکه مقصود شخصیتی است که استعداد‌های مختلف زیادی داشته باشد و بتواند در احساسات خود تغییراتی وارد آورده، به خویشتن هزاران قوه و ذوق تلقین نماید و به علاوه طبع و ذوق و احساسات اشخاص مختلف را بنمایاند و باقوه‌ی تخیل خود موجودات مختلف و متضادی را ایجاد کند. در این قسمت وسعت نبوغ مرد به مراتب بیش از نبوغ زن است - چنان‌که برای اثبات قضیه شواهد زیادی در دست است و به هیچ وجه نمی‌توان منکر آن شد.

شخصیت مردان نابغه گاهی انبساط فوق‌العاده‌ای دارد و بهترین شاهد، نبوغ گوته‌ی آلمانی است که مفهوم شخصیت در نزد وی مانند جهان کوچکی (عالم صغیر) انگاشته شده است و به این ترتیب مسئله تضاد و جزو و کل در فلسفه‌ی وی با اصل بلا افضال تکامل شخصیت بشری حل می‌گردد، و به عقیده‌ی او در جریان این تکامل، شخصیت انسان متماثل به در بر گرفتن تمام تجلیات گوناگون جهان است و مقصود از کتاب معروف وی موسوم به «دیوان شرق و غرب» هم همان است. چنانکه گوید: «اگر انسان همیشه به یک حالت باقی می‌ماند همه چیز را از دست می‌داد» و جای دیگر نیز در همان دیوان می‌گوید: «مهم‌ترین گنج بشر شخصیت است».

اکنون باید فهمید علت این کمی انبساط نبوغ زن چیست که برای او حدود قایل می‌شود. و به نبوغ وی لطمه وارد می‌آورد، حال آن‌که مردها به کلی از آن در امانند.

دلایل این موضوع یا باید از روی ترتیب علم و وظایف الاعضاء به دست آید که برتری اعمال بدن مرد را بر زن نشان می‌دهد و یا از روی ترتیب علم‌الاجتماع حاصل گردد یعنی بگوئیم فشار جامعه فکر زن را از انبساط و پرورش کامل یافتن باز می‌دارد.

این دو دلیل که اصولاً ممکن است صحیح باشد همیشه مورد گفت‌وگو و مناظره‌ی دو دسته طرفداران زن و ضد زنان قرار گرفته ولی هنوز نتیجه‌ای به دست نمانده است.

طرفداران زنان دلایل اجتماعی را بر دلایل دیگر مقدم می‌شمارند و می‌گویند از دوره‌ی ماقبل تاریخ تا به حال زن پیوسته در زندگی خود محدود بوده و همیشه وظیفه‌ی خانوادگی مهمی بر عهده داشته، بار سنگین مادری و خانه‌داری را بر دوش می‌کشیده و درد و زحمت آن را هر طور بوده تحمل می‌نموده است. واضح است که این شغل به ترقی و بسط قوه‌ی فکری بشر لطمه وارد می‌آورد. زن در این شغل محدود خود از تجربه‌ی کافی محروم بوده و به واسطه‌ی نادانی خود به نقص تربیت فکری هم دچار شده است. پس می‌بینیم که کمبود قوای فکری زن نسبت به مرد، در نتیجه‌ی توارث سنگین حاصل شده و با از بین رفتن تفاوت اجتماعی بین زن و مرد آن نقص نیز به تدریج ناپدید خواهد شد.

ولی آن‌هایی که بر ضد زنان قد علم کرده‌اند، می‌گویند هرگز دیده نشده است که مصائب اجتماعی مانع ترقی و ظهور استعداد مرد نابغه گردد، چنان‌که هیچ وقت هم اتفاق نیفتاده که زندگانی خوب و کمک جامعه، مردی با هوش متوسط را نابغه نماید. تجربه به ما نشان داده است که حتا آن جایی که آزادی کامل و راه صاف برای به کار افتادن استعداد و نبوغ زن‌ها در بین بود، باز ایشان از ایجاد اثر بدیع و بکر محروم بودند چنان‌که درباره‌ی موسیقی و فن رقص هم ملاحظه نمودیم. پس ثابت می‌شود که زن اصولاً فاقد استعداد و نبوغ فوق‌العاده است.

حال مسئله‌ای که در حقیقت اصل موضوع گفت‌وگوی این دو دسته را تشکیل می‌دهد، پیش می‌آید که آیا زن واقعاً یک نوع عجز وظایف الاعضایی دارد یا آن‌که وی تحت تأثیر توارث سنگین واقع شده است؟ و بحث در این مطلب بدون استناد از علوم جدید غیرممکن است.

سنجش روان‌شناسی به طور قطع چنین نتیجه گرفته است که بین زن و مرد گذشته از تفاوت ظاهری در کوچک‌ترین ترکیبات داخلی هم اختلاف محسوس موجود است. یک مشاهده‌ی کامل در پرورش و رشد تدریجی زن و مرد به ما ثابت می‌کند که پرورش و انبساط فکری قوای مرد، دیرتر شروع شده، بیش‌تر طول می‌کشد، در صورتی که قوای زن زودتر رو به نمو گذاشته ولی از طرفی هم زودتر یعنی از سن بلوغ که غریزه‌ی جنسی بیدار می‌شود، پیشرفت آن کند می‌گردد و بیش‌تر اوقات هم ظهور این غریزه در زن به قوای فکری او لطمه وارد می‌آورد و یا به کلی مانع از ترقی آن می‌شود. عشق و محبت مادری تمام زندگانی زن را به خود مشغول می‌سازد و هوش او در ناحیه‌ی بین فکر و احساسات محدود می‌گردد و به همین جهت است که طبیعت زن اصولاً طبیعتی است فوق‌العاده حساس. در صورتی که مرد به واسطه‌ی روش زندگی خود موفق به بسط و پرورش قوای مختلف خود می‌شود. پس مرد از حیث قوای عقلانی و فکری قوی‌تر است و زن در حساسیت بیش‌تر می‌رود.

اوگوست کنت Auguste Conte نیز در اختلافات بین زن و مرد همین اصل را قایل شده، مرد را جنسی فکور و زن را جنسی منفعل و حساس نامیده است. این اختلاف روحی زن و مرد هم به نوبه‌ی خود با اختلاف جسمانی ایشان موافقت می‌کند زیرا قد و وزن زن کم‌تر، قوای عضلانی یک سوم قوای مرد، حجم جمجمه‌ی او کوچک‌تر و وزن مغزش هم حتا نسبت به وزن جسم او کم‌تر بوده بسط قوای حساسات بیش‌تر می‌باشد. در صورتی که در مردها قوای عقلانی و فکری بیش‌تر نمو و رشد می‌نماید.

اگر از نظریه‌ی تند و خشن آن‌هایی که برضد زن علم افرشته‌اند، مانند وانینگر و غیره چشم‌پوشیم و حکمیت شاکرلدن و مریدان شوپنهاور Schopenhauer را درباره‌ی زن به چیزی نگیریم باز هم مشاهده خواهیم کرد که دو جنس مرد و زن در ساختمان جسمی و روحی با هم فرق‌های مهمی دارند.

از این رو دیده می‌شود که صفت حساسیت زن به نبوغ

ی بیش‌تر حالت کسمی و تقلیدی می‌دهد تا صورت ابداع، پرا حساسیت معمولاً به واسطه‌ی تأثر خارجی و یا واقع‌ی تجزی به وجود می‌آید حال آن‌که مرد به واسطه‌ی استعداد قتالی خود بیش‌تر دارای قوه و نبوغ خلاقه است (چون فهم و شوش از قوای مجرد به شمار است). دانستن این مطلب برای رگ اهمیت و موفقیت زن در هنرهای مختلف کافی است. آثار ی به واسطه‌ی تأثرات گوناگون صور متعدد به خود گرفته سبک‌های مختلفی ایجاد می‌نماید. بالاخره به طور خلاصه می‌توان گفت که هر قدر هنر و یا سبک ادبی بیش‌تر غیر شخصی و مجرد باشد، به همان نسبت نام زن‌های معروفی که بر آن قسمت کار نموده و ترقی کرده‌اند کم‌تر دیده می‌شود. حال آیا باید چنین نتیجه گرفت که زن مادون مرد است؟ خیر. زیرا این نتیجه بی‌معنی و حتا مضحک به نظر ضواهر رسید. زن نه مادون و نه برتر از مرد است، بلکه موجودی است متفاوت از مرد و این عقیده‌ی است که بیش‌تر روان‌شناسان امروزی بر آنند و تمام قال و قیل دانشمندان بر سر یافتن ریشه‌ی این اختلاف است.

طرفداران اصل «وانتوزن» *Ontogenese* مانند جان ستورت میل *John Stuart Mill* و ادوینردم عقیده دارند که زن و مرد از حیث استعداد یکسانند و تفاوت نفسانی آن‌ها در اثر روش مختلف زندگانی ایشان به وجود آمده است. طرفداران «فیولوژن» *Phylogense* می‌گویند، طبیعت کنونی زن نتیجه‌ی صدها هزار سالی است که وی در حال بندگی به سر می‌برده ولی عده‌ای دیگر از دانشمندان عقیده دارند که جنس بشری به مراتب قوی‌تر از تربیت است و به این جهت اجتماع، طبیعت و فطرت زن را تغییر نداده و به صورت امروزی در نیاروده است. این‌ها می‌گویند: جنسیت چیزی نیست که به دو نوع همانند اضافه کرده باشند بلکه جنسیت اصل و ریشه‌ی اختلافات دو طبع متفاوت است. بدون این که قصد حل این قضیه‌ی بفرنج را داشته باشیم گویا عاقلانه‌ترین راه برای درک مطلب چشمپوشی از افراط و تفریط این دو دسته در موضوع نامبرده باشد. بی‌اهمیت شمردن اختلاف وظایف اعضایی و انکار تأثیر این تفاوت جسمانی در حالت روحی زن، کمی بی‌عقلی و خارج از منطق به نظر می‌آید.

قوه‌ی حیاتی که زن در موقع حاملگی و شیر دادن به طفل مصرف می‌کند البته در تمام قوا و از آن جمله در کار مغز مؤثر افتاده از قدرت آن‌ها می‌کاهد پس می‌بینیم که این تفاوت وظایف اعضایی به طور مستقیم در نتیجه‌ی اعمال بدن نیز تأثیر می‌کند.

گذشته از این اختلاف وظایف اعضایی، وظیفه‌ی مادری اصولاً مولود اختلافات اجتماعی گشته و مانع آن می‌شود که زن هم مانند مرد میدان وسیعی در اجتماع برای فعالیت خود به دست آورد.

می‌دانیم که فقط زندگانی اجتماعی، تمایلات و استعدادهای نهانی روح را بسط و پرورش می‌دهد. پس چون کار زن ادای وظیفه‌ی مادری است که از طرف طبیعت بدو واگذار شده لذا به هیچ وجه نباید و نمی‌توان انتظار داشت که وی بتواند صفات عالی هر دو جنس را به طور کمال دارا باشد. تا این‌جا ما همراه کسانی بودیم که برضد زنان سخن گفته‌اند ولی از این‌بعد راجع به حد و مرتبه‌ی این اختلاف از ایشان جدا می‌شویم. حالات نهانی فکرم و روح و مواهب طبیعی چیزهای معین و برقراری نبوده بلکه قابل پرورش و تغییرند. وضع اجتماعی مهم‌ترین عاملی است که در تمایلات طبیعی بشر مؤثر افتاده و جهت پرورش آن‌ها را معین می‌نماید. از این قرار طرفداران زن هم حق دارند که بگویند، فکر و روح زن با تغییر وضع اجتماعی او حتماً تغییر کرده و رو به کمال خواهد گذاشت. این قضیه با پیشرفت سریع و تعجب آور زن در قرن حاضر بیش‌تر تأیید می‌گردد و بدون تغییر وظیفه‌ی مهم زن که مادری باشد، تمدن وی را کم از کم از زحمات فوق‌العاده‌ی زندگی خانوادگی و بعضی از وظایف مادری آزاد کرده و بدین

وسيله امکان و حتا قوه‌ی جسمانی وی را برای فعالیت در کارهای اجتماعی و فکری بیش‌تر نموده است. تغییرات زندگانی ظاهری به نوبه‌ی خود در عالم باطن مؤثر واقع می‌شود. زندگانی متغیر و منبسط، تمایلات گوناگون فکر و روح را بهتر پرورش داده و به این ترتیب کمبود حالت ارتجاعی روح را مرمت می‌کند. پس باوجود اختلافات وظایف الاعضایی که مولود اختلافات روحی می‌شود، ممکن‌ست روزی در نتیجه‌ی تغییرات متمدنی، قوای فکری زن وجه تمایز و خصوصیت خود را از دست داده و به جنبه‌ی عقلانی مرد نزدیک شود. لذا هیچ کس نمی‌تواند پیش‌بینی کند که قرن‌ها پرورش و تمدن چه تغییرات مهم در مغز زن به وجود خواهد



در شماره‌ی دوم سال گذشته شمعی در اطراف مقام زنان در صنایع ظریفه من جمله نقاشی و موسیقی و تئاتر سخن گفتیم و در طی آن بحث به این نتیجه رسیدیم که نبوغ زنان در این مرحله به نحو خاصی جلوه‌گر شده است. به عبارت دیگر ثابت نمودیم که نبوغ آنان در مراحل فوق بیش‌تر جنبه‌ی اقتباس دارد و مبتنی بر اختراع و ایجاد نیست. باید به این نکته متوجه بود که در این مورد نمی‌توان فقط نقاشی و موسیقی و تئاتر را ملاک تحقیق قرار داد و شایسته چنان است که مرحله‌ی ادبیات را نیز که نبوغ زن در آن بیش‌تر بارز گشته است به بررسی در آوریم تا از این رهگذر به نتیجه‌ی کلی اطمینان بخشی برسیم.

موضوع این مقاله بحث در پیرامون این مرحله است و چون از این بحث برداختیم خواهیم توانست تعریفی تقریباً صحیح و اساسی از نوع نبوغ زن بنماییم.

در این جا نیز مانند مرحله‌ی صنایع ظریفه پیش‌تر از قرون جدیده سخن خواهیم راند زیرا در این دوره است که زنان روزبه‌روز مقام شامخ‌تری در تمام مشئون علمی و فرهنگی پیدا کرده‌اند.

چنان‌که می‌دانیم راه ترقی و انبساط قوای روحی زن، در ادوار باستانی چندان باز نبوده است. مثلاً رومیان مقام زن را فقط به تشکیل خانواده و تربیت و انتظام خانه محدود می‌کردند.

از این روست که هرچه در ادبیات پهناور دوره‌های باستانی روم و یونان جست‌وجو شود به نام زنی که از لحاظ ادبی اهمیت شایان داشته باشد، برنمی‌خوریم. در تمام این دوره تنها نام یک زن قابل ذکر است و آن سافو *Sapho* شاعر معروف یونانی است که در قرن ششم پیش از میلاد می‌زیسته. از پرتو فکر وی مکتبی از زنان شاعر تشکیل یافت که آنان را جمعیت لزبس *Lesbos* می‌نامیدند. تا مدتی پس از پیدایش مسیح هم چون مقصود مذهب وی چنان‌که باید دستگیر ملل آن عصر نشده بود اهل کلیسا زن را به قدری خفیف و کوچک می‌پنداشتند که حتا داشتن روح را برای وی امر مسلمی نمی‌دانستند.

پیشوایان و آباء کلیسا، زن را جز برای خدمتگزاری شیاطین مقامی قائل نبودند و در نامه‌های خود از وی به لقب مشعل اهریمن یاد می‌کردند. لیکن این رویه انعکاس شگفت‌آوری بخشید بدین معنی که راهبان و زنان کلیسا که زنجیر اسارت مردان را از گردن خود برداشته بودند، دل به کارهای ذوقی و فکری سپرده در این راه پیشرفت فراوان کردند.

در آغاز قرن ششم مسیحی سنت رادگوند *SteRadegonde* که می‌توان وی را پیشوای زنان شاعر فرانسه نامید به زبان لاتینی مرثیه‌هایی سرود. در عهد شارلمانی، ظاهراً کار شعر سرایی در دیرها به جای رسیده بود که این پادشاه در سال ۷۸۹ م فرمانی صادر کرد و به موجب آن شعرگویی را برای راهبان ممنوع ساخت. لیکن خوشبختانه خواهران مسیحی به این فرمان چندان واقعی نهندند و به این ترتیب در تمام قرون وسطی زنان مخصوصاً راهبان دست از چکامه سرایی بر نداشتند.

یکی از اینان موسوم به هروسویتا که از راهبان دیر گاندر سهیم *Gand ersheim* بود و در اواسط قرن نهم می‌زیست مرثیه‌های فراوانی ساخته و نیز هراد *Herrade* ریسه‌ی دیر هوهنبرگ *Hohenberg* در همین زمان کتایی به نام «گلستان شادی» *le Jardin des Delices* نگاشته است که در حقیقت یک دایره‌المعارف شعری‌ست. با این همه تا آغاز قرن دوازدهم زنان جز در کلیساها و صومعه‌ها در فراگرفتن شعر و ادب آزاد نبودند و از این زمان به بعد مخصوصاً در جنوب فرانسه پیشرفت‌هایی حاصل کردند. نزدیک به اواخر قرن دوازدهم ماری دو فرانس *Marie de France* ظهور نمود. وی نخستین شاعره‌ی بزرگی است که نامش در تاریخ ادبیات فرانسه ضبط شده است.

دیوان این زن مشتمل است بر یک سلسله تغزلات و داستان‌های مذهبی و یک منظومه‌ی مذهبی. ماری دو فرانس گرچه اشعار فراوانی نرسوده لیکن در ادبیات دوره‌ی خود مقام شامخی دارد و اثر وی در ادبیات دوره‌ی تجدد مخصوصاً در اشعار چوسر *Chaucer* و اریوست *Arioste* هویداست. لیکن این جنبش زنان که پیشقدمان آن در قرن دوازدهم ماری دو فرانس و الئونورا کوتین *Eleonore d'Aquitaine* که شاهزاده خانم متمدن دوره‌ی خود بود، محسوب می‌شدند، به‌زودی با مخالفت اهل کلیسا مواجه گردیدند و عجب آن‌که عده‌ای از معاریف اهل علم و ادب نیز که با کلیسا بستگی نداشتند، در این پیکار بر ضد زنان شرکت

جستند. در طول قرن سیزدهم کتاب‌های بسیاری در این موضوع نگاشته‌اند که از آن جمله کتاب معروف «داستان گل‌سرخ» شایان ذکر است. لیکن زنان در مقابل این گونه تبلیغات مردان آرام ننشستند و یکی از آنان به نام کریستین دوپیزان *Christine de Pisan* (۱۳۶۴ - ۱۴۱۴ م) قد مردانگی علم کرده به هواخواهی نوع خود برخاست. این زن که اصلاً ایتالیایی و به یک نفر فرانسوسی موسوم به اتین دو کاستل *Etienne de Castel* شوهر کرده بود، چندین کتاب شعر و نثر به زبان فرانسه نگاشت که از لحاظ کمال ادبی و اهمیت فکری در عصر خود فوق‌العاده است. وی موفق شد از حقوق زنان دفاع نماید و به نیروی قریحه‌ی خداداد خود در جامعه‌ی آن زمان که برای زنان هیچ گونه لیاقتی نمی‌شناختند حرف خود را ثابت کند.

پس از پیروزی ژاندارک، استحقاق و لیاقت زنان کاملاً محرز شد.

مقارن قرن شانزدهم زنان، دیگر نه تنها مورد تنفر بنامه نبودند بلکه موجودی با اهمیت و شایان تحسین به شمار می‌رفتند. در تمام دوره‌ی تجدد در هر قرن بسیاری از مردان اهل علم و ادب به هواخواهی زنان برخاستند. اراسموس *Erasmus* دانشمند هلندی در کتابی که به عنوان «زن‌اشوبی در مذهب مسیح» نوشت به اثبات مساوات مرد و زن پرداخت و یکی از علمای آلمانی همین عصر موسوم به کرنلیوس آگریپا *Cornelius Agrippa* کتاب میسوطی در شرح «بزرگی و بلندی مقام نوع زن» نگاشته است.

علاقه‌ی مفراط زنان به دانش آنان را به راه یافتن در مراکز ادبی و فرهنگی و سیاسی رهنمون شد. نخستین نابغای که در میان زنان ظهور کرد، در مهد دربار فرانسه تربیت یافته بود و وی مارگریت دوناوار

Marguerite de Navarre خواهر پادشاه فرانسه، فرانسوی یکم است که می‌توان وی را یکی از بزرگ‌ترین زنان تاریخ جهان نامید.

این زن که روحی مردانه با خود به دنیا آورده از حیث معلومات و اطلاعات حتا با مشهورترین فضلی معاصر خویش کم‌تر قابل مقایسه است. تألیفات بسیار و گوناگونی از او به جاست که با بهترین آثار ادبی آن عصر برابری می‌کند.

وی تبعات بسیاری کرده و کم‌دی‌هایی نوشته و اشعار و منظومه‌های بسیار سروده و معروف‌ترین اثر از حکایت‌های او موسوم به «هپتامرن» **Heptameron** است که در ردیف یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای ادبی فرانسه به شمار می‌رود. زنان در قرن شانزدهم که در تاریخ اروپا نخستین قرن پیشرفت حقیقی آنان است، با شور فراوان به کسب دانش و افتخار همت گماشته در تمام شئون مختلف ادب بذل کوشش کردند و من جمله برای دفاع از حقوق خود به انتشار تألیفات گوناگون پرداختند و بسیاری از آثار ادبی دوره‌های باستانی را ترجمه کردند و خود نیز منظومه‌ها و غزلیات فراوان سروده یادداشت‌های بسیاری نگاشتند که از آن میان یادداشت‌های رنه دو فرانس **Rene de France** و دیان دو پواتیه **Diane de Poitiers** و مارگریت دتوریش **Marguerite d'Autriche** و مارگاریت دو والوا **Marguerite de Valois** قابل ذکر است. همچنین انجمن‌های ادبی بسیاری در پرتو همت آنان تشکیل یافت که من جمله انجمن مارگریت دوناوار است که بزرگ‌ترین انجمن‌های ادبی آن قرن به شمار می‌رفته است.

از این گذشته زنان سبک ادبی تازه‌ای در این قرن پدید آوردند که عبارت از رمان‌ها و داستان‌های احساساتی‌ست. در این قرن رمان‌نویس‌های بسیاری از میان زنان در دربارها و پایتخت‌ها و شهرهای مختلف اروپا ظهور کردند. معینا از آن میان نام تنها دو تن چنان‌که باید و آساید جاوید مانده است. یکی از آن دو مارگریت دوناوار است که نام وی در فوق گذشت و دیگری لوئیز لابه **Louise Labe** است که در شهر لیون تولد یافته و آثار چندی از خود به جای گذاشته است که عبارتند از یک تمایشنامه‌ی کم‌دی‌منثور و سه منظومه و بیست و چهار غزل و از همه‌ی آن‌ها قریحه‌ی غزل‌سرایى فوق‌العاده‌ی مصنف هویداست.

این زن در غزلیات خویش صفای عشق ملکوتی را با جنبه‌ی حیوانی شهوت به هم آمیخته و چون روان‌شناس بزرگی با منتهای ظرافت در این زمینه هنرنمایی کرده، به علاوه یکی از مؤسسين سبک جدید غزل‌سرایى فرانسه به شمار می‌رود.

قرن هفدهم نیز که در تاریخ فرانسه از لحاظ ظهور زنان بزرگ اهمیت فراوان دارد، به ترقی و انبساط شگفت‌آور نبوغ زنان در مرحله‌ی ادبیات ممتاز است، به طوری که می‌توان گفت در هیچ عصر و در هیچ کشوری شدت اثر زنان در ادبیات به این درجه نرسیده بوده است. اما با کمال تأسف باید اقرار کرد که این ماجرا در عین حال سودمند و زیان خیز بوده، بدین معنی که زنان در این عصر، با انجمن‌های ادبی بسیاری که تشکیل دادند از یک طرف خدمت شایانی به استقرار سبک کلاسیک یعنی کامل‌ترین سبک ادبیات فرانسه کردند و از طرفی دیگر روح فضل‌فروشی را که زبان آن بر هیچ کس پوشیده نیست، رواج دادند. انجمن‌های ادبی قرن شانزدهم از قبیل انجمن مارگریت دوناوار عوامل مهمی در توسعه‌ی ادبیات بودند و انجمن‌های ادبی قرن هجدهم را نیز می‌توان به منزله‌ی مراکز حقیقی رواج ادبیات در آن عصر و گنجینه‌ی شعر و ادب شمرد. از این جمله‌است انجمن نامنار مارکیز دورامبویه **Marquise de Rambouillet** (۱۵۸۸ -

۱۶۶۵ م) که مدت پنجاه سال دایر و مهم‌ترین افراد اهل ادب را در آن آمد و شد بوده است و سهم مهمی در استقرار سبک کلاسیک داشته است. با این‌همه تشریک مساعی زنان این دوره در امور ادبی نتیجه‌ی منفی نبخشید، بدین معنی که خوشبختانه زنان بزرگی از قبیل مادام دورامبویه و مادام دوسوینیه **Mme de Sevigne** و مادام دولافایت **Mme de La Fayette** که از نوابغ عصر خود به شمارند، ظهور کرده و با قریحه‌ی سرشار خود زبان‌هایی را که از رهگذر فضل‌فروشی خانم‌ها بر ادبیات کلاسیک قرن هفدهم وارد آمده بود جبران نمودند.

حتا کسانی که جز پیره‌ی کمی از ادبیات کلاسیک فرانسه ندارند، نام و شرح زندگی مادام دوسوینیه (۱۶۲۶ - ۱۶۹۶ م) را شنیدند. از این روم با همین اکتفا می‌کنیم که وی را مخترع سبک جدیدنامه نویسی در ادبیات معرفی کنیم. مادام دوسوینیه نخستین کسی است که احساسات لطیف شاعرانه را در نامه‌نگاری به کار برده و بدین ترتیب سبک تازه‌ای پدید آورده است.

نامه‌های این زن نایبه‌گرچه اغلب برای مقاصد شخصی نوشته شده و نویسنده به هیچ وجه قصد چاپ و انتشار آن‌ها را نداشته معینا اگر آن‌ها را در عداد آثار ادبی درجه‌ی اول سبک کلاسیک بشماریم، راه مبالغه نرفتیم. نامه‌های مادام دو سوینیه که سادگی و ظرافت‌های مخصوص روان‌شناسی دارند و در صفا و بلاغت انشا ممتازند، تاکنون رتبه‌ی اول را برای خود حفظ کرده‌اند و هیچ‌یک از نویسندگان بزرگ حتا ولتر که نامه‌های وی قسمت مهمی از آثارش را تشکیل می‌دهد، نتوانسته است در این راه بر وی سبقت بگیرد. مادام دوسوینیه را می‌توان یکی از نوابغ و مبتکرین عالم ادبیات شمرد زیرا وی نخستین کسی است که این سبک را که یکی از درخشان‌ترین سبک‌های ادبی است، اختراع کرده است و باید معترف بود که ادبیات فرانسه در قرن هفدهم بیش از هر یک از نویسندگان و شعراء دیگر به وجود وی مفتخر است. آثار مادام دولافایت (۱۶۳۴ - ۱۶۹۳) گرچه از حیث مقدار با آثار مادام دوسوینیه قابل مقایسه نیست لیکن از لحاظ کمال و اهمیت ادبی با آثار وی همسنگ است. گرچه یگانه اثر شاخص وی رمانی است که به نام «شاهزاده خانم کلو» **Princesse de Cleves** نگاشته است معینا همین یک کتاب برای این که بتوانیم وی را در سلک بزرگ‌ترین نویسندگان سبک کلاسیک بشماریم کافی است. این رمان در دوره‌ی وی که نویسندگان همه به نگارش رمان‌های نیمه تاریخی و مذهبی و سرگذشت قهرمانان ماجراجو سرگرم بودند، نخستین کتابی است که موضوع‌های معرفت‌انگشی را هدف قرار داده است و چنان‌که می‌دانیم مهم‌ترین سبک رمان‌نویسی در قرون جدید همین سبک است.

مادام دولافایت نخستین کسی است که در سخن گفتن از عشق و عاشقی قهرمانان کتاب خود پیرامون حوادث و اتفاقات قریب و عجیب نگشته و در بیان احساسات راه مبالغه نسپرده و به عبارت اخروی شیوه‌ی نویسندگانی را که موضوع کتاب‌های خود را از سرگذشت شوالیه‌های قرون وسطی یا داستان‌های مذهبی می‌گرفتند، به کار بسته است، بلکه اساساً قلم‌فرسای خود را بر روی احساسات حقیقی آدمی نهاده و عشق را چنانکه حقیقتاً در دل یک زن عادی می‌توان یافت توصیف کرده است.

این نخستین نویسنده است که موفق شده است، در داستان عشقی مانند روان‌شناسی ماهر به تجربه‌ی روحیات آدمی بپردازد و بدین ترتیب سبک مهمی را که قبل از وی سابقه نداشته است، ایجاد نماید. نکته‌ی دیگری که در مورد مادام دولافایت شایان بسی تحسین می‌باشد، این است که وی در عین این‌که بانگارش «شاهزاده خانم کلو» سبک جدیدی را

پایه نهاده از کوشش برای تکمیل اثر خویش به هیچ روی فروگذار نکرده است، بدین معنی که این رمان از حیث انشا و افکار زیبا و انتظام حوادث و قهرمانان وقایع نیز اهمیت فراوانی در بردارد و بی‌نظیر است. نویسندگانی که پس از مادام دولافایت ظهور کردند نیز تا مدتی نتوانستند در تنظیم داستان به پایه‌ی وی برسند و تا قرن نوزدهم یعنی هنگام ظهور بالزاک **Balzac** و دیکنس **Dickens** و فلوربر **Flaubert** و تولستوی **Tolstoi** کسی پیدا نشد که مقام وی را در این زمینه احراز کند. در قرن هیجدهم تنها چند اثر از قبیل «ورتر» **Werther** کتاب معروف گوته **Goethe** و مانون لسکو **Manon Lescaut** را می‌توان با کتاب مادام دولافایت مقایسه کرد. حتا در عقیده‌ی نگارنده «نورالوئیز» **Nouvelle Heloise** کتاب نامی ژان ژاک روسو و رمان‌های بزرگ‌ترین نویسندگان انگلیسی قرن هیجدهم را با کتاب وی شایستگی همسری نیست.

پس از مادام دوسوینیه و مادام دولافایت ناگزیریم نام مادموئل دواسکودری **Mlle de Scudery** را ذکر کنیم. زیرا اگر چه آثار وی از لحاظ ادبی چندان اهمیتی ندارد لیکن از لحاظ تاریخی اهمیت فراوانی دارا می‌باشد. این زن برخلاف مادام دوسوینیه و مادام دولافایت یکی از طرفداران بزرگ شیوه‌ی فضل‌فروشی زنان بود. در نتیجه‌ی حسن استقبالی که از رمان‌های مذهبی و نیمه تاریخی بی‌مزه و دور و دراز وی به عمل آمد، رمان‌نویسی رواج فراوان گرفت و پس از وی نویسندگان بسیاری به تقلید او در تکمیل سبک وی همت گماشتند.

دیگر از زنانی که در ادبیات این دوره، مقام شامخی دارد مادام دو منته ن **Mme de Maintenon** (۱۶۳۵ - ۱۷۱۹ م) است که شوهر وی سکارون **Scarron** نیز از رمان نویس‌های قرن هیجدهم بوده است. این زن پس از مرگ شوهر خود، زن لوسی چهاردهم شد و انجمن ادبی تشکیل داد که ادبیات درجه‌ی اول در آن آمد و شد داشتند.

مادام دومنتنن یک کتاب اخلاقی و تربیتی نوشته است که اشتهاز کاملی دارد. وی در کتابی که عنوان آن «قلم‌فرسایى و بحث در پیرامون پرورش دختران» است نظراتی تعلیم و تربیتی فطن را مورد بحث و تحسین قرار داده است.

زنان قرن هیجدهم نیز همان شیوه‌ی زنان قرن هفدهم را تعقیب کردند، یعنی مانند آن‌ها به تشکیل انجمن‌های ادبی پرداختند لیکن اثر این انجمن‌ها با اثر انجمن‌های قرن هفدهم به هیچ وجه قابل مقایسه نبود و یک فرق اساسی میان انجمن‌های ادبی قرن هفدهم با انجمن‌های قرن هیجدهم وجود داشت. به طوری که انجمن‌های ادبی قرن هفدهم مراکز مهمی برای ترویج مباحث ادبی و اخلاقی بود و اثر زنان در این انجمن‌ها از دایره‌ی ادبیات و اخلاق تجاوز نمی‌کرد، در صورتی که زنان در این انجمن‌های ادبی قرن هیجدهم به ادبیات اکتفا نکرده بلکه به سیاست و علوم و فلسفه نیز دست بردم‌اند و بدین ترتیب از دایره شعر و ادب تجاوز کرده در تمام شئون اجتماعی و فکری مؤثر واقع گشته‌اند و به طور کلی براهمیت مقام زنان افزوده‌اند. چنان‌که می‌بینیم از این دوره به بعد زنان در علوم و سیاست نیز علاقه‌مندی نشان داده و تقریباً در کلیه‌ی شئون مختلف مؤثر واقع شده‌اند. لیکن با آن که تاریخ این دوره از نام زنانی که در شعب صنعتی و فکری و سیاسی پیشرفت کرده‌اند، مشحون است معینا هیچ‌یک از آن‌ها به مقام مادام دوسوینیه نمی‌رسند. گوااین‌که زنان بسیاری در این قرن به نگارش نامه‌های شیرین و دلپذیر معروفند. از این جمله‌اند دوشس دوشن **Duchesse Duchesne** و مادام دوسیمیان **Simiane** نوی مادام دوسوینیه و مادام دولامبر **Mme de Lambert** و مادام دوستال دولنه **Mme de Staël Delaunay** و مادام دوگرافینینی



زن و انتخابات ایران

باید مشغول وظیفه‌ی طبیعی خود یعنی وظیفه‌ی تربیت اطفال و ازدیاد نسل بشوند.

۲- زنان ما به رشد فکری کافی نرسیده‌اند که به آن‌ها اجازه داده شود در کارهای سیاسی و در مجلس شورای ملی شرکت نمایند.

ثابت کردن نقص عقیده‌ی اول بسیار آسان است. زیرا اشتغال به امور سیاسی لطمه‌ای به وظایف طبیعی آن‌ها وارد نمی‌کند و هیچ نوع تأثیر مضر بر نسل نمی‌نماید. کافی است اگر کشورهای ما را بناب مثال ذکر کنیم که در آن‌ها هم تربیت اطفال بسیار کامل است و هم نسل رو به ازدیاد است در حالی که تساوی حقوق زنان با مردان وجود دارد، مانند انگلستان، روسیه، شوروی، ممالک اسکاندیناوی، ممالک متحده‌ی آمریکا، ترکیه و غیره. و بالعکس کشورهای زیادی هستند که هم فاقد تربیت صحیح می‌باشند و هم نسل آن‌ها رو به انقراض است و زنان هم هیچ گونه حق سیاسی ندارند مثلاً از لحاظ نقصان در جمعیت، مملکت فرانسه را ذکر می‌کنیم و برای هر دو یعنی هم نقصان در جمعیت و هم نقص در تربیت قسمت عمده‌ی ممالک شرقی را می‌توان یادآوری کرد من جمله مملکت خودمان!

به عکس نهضت زنان همیشه نموداری است از ترقی سطح فرهنگ ملت، و ترقی فرهنگ هر ملتی بستگی کامل با اصول اجتماعی و اقتصادی دارد و اصول مزبور اگر روبه‌راه باشد، ترقی ملت هم از لحاظ تربیت امکان می‌پذیرد.

دلیل دوم فقط ارتباط به زن‌های ایرانی دارد و با اصول نهضت بانوان به طور کلی تباہی ندارد. دلیل پیروان این عقیده این است که زنان ایرانی هنوز تربیت کافی نیافتانند. اکثریت تباہی به اعتبار این عقیده، مخالف نهضت زنان ایران هستند و اصرار دارند که زنان ابتدا باید به وظایف طبیعی خود بپردازند و بعد خود را مهیای حقوق سیاسی نمایند.

ما کاملاً با آن‌هایی که وظیفه‌ی اصلی زن را مادری می‌دانند موافقیم و اساساً طرفداران نهضت زنان به همین عقیده هستند. این است که ملهم نهضت بانوان در ترکیه، پیشوای بزرگ این ملت آتاتورک می‌گوید: «بالاخر از هر وظیفه‌ی اجتماعی، سیاسی و خصوصی نزد زن وظیفه‌ی مادری است.»

او عقیده دارد که نهضت حقوقی لازم است برای این که زن بتواند این وظیفه را کاملاً انجام دهد. در ظرف چند سال بین سال‌های ۱۹۲۶ - ۱۹۳۵ به تدریج حقوق مدنی و سیاسی نصیب زنان ترک گردید. دولت ترکیه کاملاً ثابت کرد که قوانین اساسی مملکتی، باید وضع زن را در جامعه و خانواده پایدار سازد تا او بتواند وظیفه‌ی طبیعی خود را انجام دهد.

حال باید دید حالت کنونی زن در ایران چیست؟ در میدان سیاسی صفر است. در زندگی اجتماعی و اقتصادی غیر قابل ملاحظه است. در خانواده چه بگوییم؟ شوهر می‌تواند هر وقتی که میل کند به وسیله‌ی قانون یکطرفه به صد درصد به نفع اوست زن خود را رها کند. حقوق مادری؟ در موقع طلاق مادر می‌تواند بچه‌های خود را پسر تا دو سالگی و دختر تا هفت سالگی نزد خود نگاه دارد و بعد از این پدر حق دارد بچه‌ها را از دست مادر بگیرد و حتا در وصیت‌نامه، تربیت آن‌ها را به شخص دیگر واگذارد. حتا با وجودی که مادر آن‌ها هم زنده باشد. از شما می‌پرسم آیا ممکن است با این شرایط زن وظیفه‌ی مادری خود را کاملاً انجام دهد؟

اگر حقیقتاً میل دارند که زن ایرانی وظیفه‌ی خود را انجام دهد باید حقوقی را به او عطا کنند که ادای این وظایف را امکان‌پذیر نمایند.

تساوی حقوق در ازدواج و طلاق، اولین امری است که ما زنان از مجلس شورای ملی و از دولت و اجتماع خود می‌طلبیم. تا به حال گوش ما را با ملامت برای انجام ندادن وظایف و ذکر

اصلاح قانون انتخابات که اخیراً در مجلس شورای ملی مطرح است نهضت سیاسی زنان را هم به خود جلب نموده است. پیشنهادهایی از جانب چندین نفر از وکلا و رجال سیاسی و حزب زنان ایران درباره‌ی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان شده است. بدیهی است که این موضوع دقت عموم را جلب کرده و سلسله‌ای از مقالات روزنامه‌ها و مجلات پایتخت درباره‌ی آن انتشار یافته است.

حل مسائل اجتماعی قطعیت و صراحت علمی را فاقد است و به همین دلیل باید منتظر بود که اختلاف نظریه در مسائل مزبور پیش آید. این است که با بی‌طرفی بیش‌تر و تا حدی با تحمل نظریه‌های گوناگون به دلایلی که بر لیه و برعلیه این موضوع اقامه می‌شود باید گوش دهیم.

برای مثال چند نمونه از مقاله‌ی آقای حسن نزبه را که اخیراً در «مجله‌ی آینده» انتشار داده‌اند نقل می‌کنیم:

به طوری که ما می‌دانیم از لحاظ روان‌شناسی زن، هیچ نوع استعدادی برای احراز مقامات سیاسی ندارد. کفایت در جواب، چند نام تاریخی از قبیل ملکه الیزابت، ویکتوریا ماری ترز، کاترین کبیر و غیره را ذکر کنیم و از زنان زمامدار کنونی سخنی نگویم.

در ایران از روی تجربه تا به حال استعداد سیاسی زنان را امتحان ننموده‌اند چون هیچ نوع کار سیاسی به آن‌ها واگذار نکرده‌اند می‌گویند:

زن بیش از مرد بنده‌ی هوی و هوس است. در او حس جاه‌طلبی و حسد و غرور از سرد بیش‌تر است. حال اگر به او اجازه داده شود که در انتخابات شرکت جوید یک جار و جنجال عظیمی در عالم زنان برپا می‌شود زیرا هم مرد نظر آن‌ها را جلب می‌کند و هم این‌که هر زن حتماً میل دارد از سایرین خود را برتر نشان دهد و در نتیجه نه فقط زنان بلکه دانشجویان از دبیرستان‌ها و حتا دختران دبستان‌ها فقط یک آرزو را در جلو دیده خواهند داشت: «وکیل مجلس شدن» و وظایف طبیعی خود را از قبیل مادری و سایر وظایف خانوادگی را یا کاملاً فراموش می‌کنند یا آن‌ها را بی‌اهمیت تلقی می‌نمایند.

متأسفانه اگر این قضاوت در قرون وسطی انجام می‌یافت به‌جا بود، وقتی که توماس داکن Thomas d'Aquin را صاف و ساده شعله‌ی شیطان می‌نامید با این تفاوت که آن مرحوم هفت قرن قبل می‌زیسته است.

حقیقتاً جواب دادن به این عقاید مصادق مثل معروف روسی است که می‌گوید «توب به گنجشک نباید بست» می‌توان گفت برای ما بسیار مفید بود اگر همه‌ی دشمنان نهضت زنان فقط دلایلی نظیر دلایل آقای نزبه به کار می‌بردند، زیرا این گونه دلایل به نفع ما تمام می‌شود.

اما دلایل جدی مخالفان حقوق سیاسی زنان به قرار زیر است:

۱- مملکت ما که نسبت به وسعت خود کم جمعیت دارد و بچه‌های ما از تربیت صحیح محروم هستند، زنان ما بیش‌تر

Mme de Graffigny و معروف‌تر از همه مادام دودفان Mme du Deffan و مادامول دولسپیناس Lespinasse Miled. همه‌ی این خانم‌ها انجمن‌های مشهور تشکیل داده و اداره می‌کردند. مادام دودفان در نامه‌های خود همان شیوه‌ی کلاسیک نیمه‌ی اول قرن هجدهم یعنی دوره‌ی پیش از ظهور روسو را پیروی کرده و کتب مادامول دولسپیناس در منشآت خود بی‌علاقگی رطبی نسبت به سبک ادبیات این عصر نشان داده است. زنان عصر گرچه از زنان قرن هفدهم به مراتب بیش‌تر در راه نشر و ادب فعالیت به خرج داده‌اند لیکن نابغی از میان آنان ظهور نکرده است. اما در این قسمت نباید آنان را مستوجب ارزش دانست، زیرا در این قرن در میان مردان نیز شاعر نابغی طلوع نکرده است. ولی در نگارش یادداشت‌های زندگی درجات از زنان قرن هفدهم بیش‌تر موفقیت یافتند و از آنان آن‌ها مادام دوستال دولنه یادداشت‌هایی از خود به جا داشته است که از لحاظ اهمیت تاریخی و ادبی بسیار مهمند. زنان این دوره در رمان‌نویسی که بیش از هر یک از شعب ادبیات در اروپا رواج داشته است، نیز چنان که باید و شاید ایستند هنرنمایی کنند. با این همه دو تن از زنان رمان‌نویس قرن یعنی مادام دو گرافینی و مادام ریگوبونی Mme Riccoboni فوق‌العاده معروف شدند. مادام گرافینی (۱۶۹۰ - ۱۷۵۸ م) سبک رمان نویسی در لباس مرسله را با اثرش کتابی موسوم به «نامه‌های یک زن پریوی» Lettre d'une peruvienne در فرانسه متداول کرد و از اهمیت این کتاب همین بس که نویسندگانی چون ژان ژاک روسو به لیدش پرداخته است.

با این همه اگر وی را مخترع این سبک معرفی نماییم با ناله کرده‌ایم زیرا در حقیقت مبتکر رمان‌نویسی به وسیله‌ی مادام ساموئل ریچارد سن Samuel Richardson

یسنده‌ی معروف انگلیسی است. مادام ریگوبونی (۱۷۱۴ - ۱۷۹۲) زنی است که وی را در دوره‌ی خود در ادبیات فرانسه با پیرو Prevost و حتا با سوسو مقایسه می‌کردند. نخستین کتاب این نویسنده که به یک نامه‌نگاری نوشته شده است «نامه‌های میسترس فانی بوتلر» Lettres de mistress Fanny Butler نام دارد. این کتاب که تأثیر ریچارد سن در آن هویداست با حسن استقبال کاملی مواجه شد و حتا از کسانی مثل ناپلئون و مادام دوستال و استاندال Stendhal نیز جلب توجه کرد.

گرچه این کتاب از ابتکارات ادبی عاری است ولی یسنده در توصیف هیجان‌های قلبی زنان به بهترین وجهی هنرنمایی کرده است.

باری هرچند شماره‌ی زنان اهل ادب در قرن هجدهم اندک‌اندازه زیاد بوده و نزدیک به سی صد تن از آنان از شهرت و نامی بهره‌مند بوده‌اند، رمان‌نویس نابغی در میانشان ظهور نکرد و شاید دلیل آن این باشد که زنان در این دوره بیش‌تر مل به امور اجتماعی و سیاسی داده بودند و جز از راه تفنن دست به کارهای ادبی نمی‌زدند. زنان قرن هجدهم به فعالیت هوش فراوان ممتاز بوده‌اند لیکن از آن احساسات عمیق و سوزهای درونی که محرک آثار ادبی و صنعتی درجه‌ی اول است چندان بهره‌ای نداشته‌اند.

در قرن نوزدهم از نوع نبوغ زن در ادبیات خودنمایی کرد در این قرن ظهور زنان بزرگ فقط در فرانسه نبود بلکه کم‌تر نشوری است که زنان نابغه ادبی در مهد خود تپورده باشند.

مجله‌ی ایران امروز، سال دوم، شماره‌ی دوم، اردیبهشت ۱۳۱۹.

نقد و سیاحت ص ۸۲ تا ۹۲، گردآورنده محمد گلبن، نشرات نوس، ۱۳۵۴.

وظایف طبیعی زن پر کردند اما هر وقت ما راجع به حقوق خود سخن می‌گوییم گوش زامندان ما کر می‌شود. همان‌طور که گفتیم و باز تکرار می‌کنم «آنجا که حق وجود ندارد وظیفه هم نیست» مگر این‌که آقایان طرفدار اصول «ویکتوت دوینالده» Bonald Vicomte de باشند که در کتاب معروف خود «رسالات راجع به دولت» Essai sur le pouvoir این اصول را معرفی می‌کند: «در یک جامعه حقوق نیست و فقط وظایف وجود دارد.» اما از ۱۷۹۲ تاریخ چاپ این کتاب، جامعه‌ی جدید این اصول را کاملاً رد کرده است و راه‌های تمکراسی و آزادی پیموده است. خلاصه برای آن‌که زن ایرانی بتواند حقیقتاً ترقی کند باید هرچه مانع این ترقی باشد از بین برداشته شود. در درجه‌ی اول باید قوانین را اصلاح کرد خاصه قوانین مدنی که به ضرر زن می‌باشد و همچنین باید در اجرای قوانین تعلیمات اجباری کوشش نمود بالخصوص نسبت به دختران، زیرا مطابق آمار رسمی از ۱۰۰ نفر که تصدیق دبستان می‌گیرند، ۶۰ تن پسر و فقط ۴۰ تن دختر هستند و بین اکابر زنان بی‌سواد از مردان بی‌سواد خیلی بیش‌ترند. همچنین باید راه فعالیت اجتماعی و سیاسی برای زن‌های تحصیل‌کرده باز شود. این پیشقدمان زنان اگر در مجلس هم باشند، بیش از وکلای مرد به مسائل تربیتی و بعضی از مسائل اجتماعی مانند بهداشت دقت خواهند کرد و در هر صورت آن‌ها بهتر از مردان از هر نوع عکس‌العملی که برضد زنان تولید شود جلوگیری خواهند کرد. پس ما دست کم حق انتخاب شدن برای زنان باسواد را می‌طلبیم در حالی که از زوی راستی هیچ فرقی در سطح فرهنگی بین یک مرد بی‌سواد و یک زن بی‌سواد قائل نیستیم و دلیلی پیدا نمی‌کنیم که یک زن بی‌سواد نتواند مثل یک مرد بی‌سواد از حق انتخاباتی خود بهره‌برد.

✱ مجله‌ی آینده، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۱۰، شهریور ۱۳۲۲.

✱ نقد و سیاحت، محمدگلبن، ص ۱۲۳ تا ۱۴۷، انتشارات نوس، ۱۳۵۲.

۱- عکس‌های دکتر فاطمه سیاح از کتاب نقد و سیاحت
۲- عکس از علی پورمند

جمیله کدیور: بار سنگین ...

قاتل نشده، قطعاً در مورد مسائل حقوقی و قوانین مدنی اختلاف وجود دارد که انشاء الله پیگیری می‌کنیم و در این مورد طرح‌هایی داریم.

۱- زهره عالی پور در بیان جایگاه زنان جامعه، در بررسی موقعیت آنان تصویری از وضعیت زنان در ایران قبل از انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد و می‌گوید: «برای بررسی وضعیت زنان در حال حاضر باید نگاهی گذرا به موقعیت آنان قبل از انقلاب اسلامی انداخت. نمایش تصویر غیرواقعی از زنان مشخصه اصلی نوع نگاه رژیم پهلوی به این قشر بود. عدم توجه به کرامت‌های والای انسانی و ایمانی بانوان کشور و قراردادن آن‌ها در ردیف کالاهای مصرفی با اجرای سیاست‌های نفرت‌انگیزی مثل کشف حجاب و نظایر آن، رهاورد و دستاورد ذهن غلیل و بیمار سردمداران آن روزگار بود. خوشبختانه

شیرین منطقی: همیشه به...

جزو زندگیم محسوب نمی‌کنم. و از نظر هنری من یک نمایشگاه در آلمان گذاشتم که ۱۸ تابلو در این نمایشگاه از کارهای من بود و ۱۵ تای آن فروش رفت و با استقبال فوق‌العاده‌ای مواجه شدم. حتا من شاهد چهره‌هایی بودم که با غم وارد نمایشگاه می‌شدند و با شادی می‌رفتند و این شادی و لبخند و رضایت آن‌ها بهترین جایزه برای من هست!

- نام برخی از کارهایتان را که تاکنون کشیده‌اید برای ما بگویید؟

- از کارهایی می‌توانم پله‌های انتظار، رقص شقایق‌ها، شهر من تهران، امید حیات، نوید پاییز، میعادگاه، رزهای اسیر، در فراق یار، رویای آفتابگردان که این سری در کارهایم بود را نام ببرم.

مشارکت موثر زنان در انقلاب اسلامی و حضور فعال آنان در عرصه‌های دفاع و سازندگی غبار ابهام و اوهام را از چهره‌ی آنان زدود و آنان را به جایگاه واقعی خود نزدیک‌تر کرد. اظهارات رهبران فرزانه و حکیم انقلاب، درباره‌ی زنان و حضور آنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و فرهنگی و موقعیت آنان در اجرای وظایف اجتماعی خود، از زنان کشور سیمای جدید ارائه داد و با همه این‌ها زنان جامعه یکسان از مواهب انقلاب اسلامی بهره‌مند نشده‌اند در حالی که زنان شهری فرصت‌های بیش‌تری برای رشد و ارتقا و اعتلای مادی و معنوی خود دارند. برای زنان روستایی و عشایری طرح‌ها و برنامه‌ها و قوانین حمایتی بیش‌تری نیاز داریم. لازمی توسعه‌ی متوازن و هماهنگ کشور توجه به این نکات است.

مسئله‌ی دیگر وجود رسوبات ذهنی و باورهای غلط و نوع نگرش به زن است. در این مقوله هم هرچند پس از انقلاب با ایجاد فرصت‌های جدید و تشویق زنان به مشارکت در امور مختلف گام‌های موثری برداشته شده ولیکن هنوز با وضعیت ایده‌آل فاصله داریم و برای کم‌کردن این فاصله‌ها و رسیدن به وضعیت مطلوب باید تجدید نظر اساسی در مورد باورهای غلط صورت گیرد و برای تحقق این امر نیاز به کار وسیع و گسترده فرهنگی در کلیه‌ی زمینه‌هاست.

۲- وی با تقسیم‌بندی جامعه‌ی کنونی ایران به سه بخش شهری، روستایی و عشایری، وجه مشترک همه این جوامع را ملیت ایرانی، اعتقاد به دین مبین اسلام و تعلق به سرزمین مشترک می‌داند و می‌گوید: «نماینده زن نسبت به نماینده‌ی مرد باید بتواند از این سه بخش بهره‌گیری بیش‌تری کند.

نماینده‌ی زن در واقع هم نماینده‌ی عموم مردم در مجلس شورای اسلامی است که باید از حقوق همگان پاسداری کند و هم با توجه به زن بودن مسئولیتی مضاعف در قبال زنان جامعه دارد.»

- چه گونه در کارهایتان به موفقیت می‌رسید؟
- به نظر من اگر موفقیتی وجود دارد قبل از آن خواستنی بوده و برای رسیدن به خواسته‌ها پشتکار لازم است. خواستن نصف هدف و پشتکار تمام هدف است.

- آیا تاکنون کار گروهی داشته‌اید؟

- بله، دو سال پیش در نمایشگاه بین‌المللی کار گروهی کردم که کار بسیار موفقی بود.

- آیا سال آینده که باز ایران می‌آیید نمایشگاهی خواهید داشت؟

- بله، حتماً و امیدوارم که مردم از تمام اقشار مختلف از نمایشگاه بازدید کنند و خود را در تمامی مسائل جامعه چه هنری چه غیر هنری مطرح کنند. □

۳- به نظر می‌رسد طرح‌هایی که موجب ارتقا و اعتلا و تقویت مبانی معنوی و اخلاقی زنان در جامعه است، اولویت و سیزده‌ای دارند، توجه به نهاد خانواده با محدودیت زنان و تلاش برای جلوگیری از فروپاشی این نهاد ارزشمند اجتماعی، توسعه‌ی همه جانبه برای زنان، لزوم توجه به حل مشکلات مادی آنان در جامعه، شفاف کردن مضللات و مسائل مربوط به بانوان و تلاش برای رفع آنان و ایجاد زمینه‌های بهره‌برداری از توانایی‌های این قشر در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی. به عنوان مثال باید عرض شود با توجه به این که سابقه‌ی کاری بنده در بخش دولتی بوده است، ارائه‌ی طرحی درباره‌ی بازنگری ساعات کار بانوان با تاکید بر حفظ بهره‌وری خواهد بود. برای توضیح بیش‌تر باید عرض شود با توجه به اعلام حدود ۴۵ دقیقه تا ۱/۵ ساعت بهره‌وری کاری بخش دولتی به نظر می‌رسد که نباید فعلاً به دنبال افزایش بهره‌وری در ساعات کار بیش‌تر بود. بلکه باید فرآیند کاری به گونه‌ای بازنگری و طراحی شود که از منابع انسانی (اعم از زن و مرد) به بهترین وجه استفاده شود. زنان در حال حاضر برای اخذ شرایط در محیط‌های اداری، انرژی و توان بیش‌تری را به کار می‌برند تا ثابت کنند که می‌توانند مسئولیت بیش‌تری را به عهده بگیرند. به عبارتی هر چه مسئولیت و اخذ سمت‌های مدیریتی بالاتر توسط زنان صورت می‌گیرد، این امر تقریباً به معنی بیش‌تر دور شدن از امور خانواده و سایر مسئولیت‌های او خواهد بود چون باید انرژی و توان بیش‌تری را صرف کنند. سر این اساس زنان به مسئولیتی نمی‌پذیرند، یا اگر پذیرفتند باید بهای می‌رسد بازنگری در فرآیند کاری، امری ضروری است. البته همان‌طور که گفته شد در این زمینه هم مهم‌ترین مشکل نگرش غلط و باورهای غلط نسبت به نقش زنان است که باید در این زمینه کار فرهنگی شود.

شهلا لاهیجی:

برای رشد کردن توان داریم، آموزش و محیط مناسب نداریم



متیرو روانی پور، داستان نویس



شهلا لاهیجی، ناشر

همیشه برای ما این سؤال مطرح است که چرا در تمام جهان وقتی زن‌ها شروع به حرکت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی کردند دچار مشکل شدند؟ چرا نهادهای صنفی نمی‌توانند شکل بگیرند در حالی که صنف تنها نهاد مدنی موجود در این جامعه بوده که حدود ۷۰۰ سال سابقه‌ی جدی داشته است.

شهلا لاهیجی، اولین ناشر زن در ایران، در میزگرد علل فقدان گرایش‌های صنفی زنان در جامعه‌ی امروز ایران - که در سومین روز نمایشگاه کتاب زنان ناشر برگزار شد - در ادامه‌ی این مطلب افزود: «ما باید در این زمینه آموزش ببینیم و یاد بگیریم که در جامعه چه طور باید حرکت کنیم چون ما تنها ۵۰ سال است که وارد عرصه‌ی جامعه شده‌ایم و حدود ۴۰ سال است که قلم به دست شده‌ایم و در این مدت پیشرفت خوبی هم داشته‌ایم به طوری که پر فروش‌ترین کتاب‌ها به زنان تعلق دارد و مشهورترین نویسندگان زن هستند. بنابراین ما توان لازم را داریم فقط آموزش و محیط مناسب برای رشد نیاز داریم و در این زمینه هم خودمان باید اقدام کنیم.»

فائزه هاشمی از دیگر شرکت‌کنندگان در این میزگرد بود که در بخشی از سخنان خود گفت: «با این که ۸۰ سازمان غیردولتی زنان داریم ولی تاکنون نتوانسته‌ایم یک بیانیه‌ی مشترک برای موضوعاتی مانند استفاده‌ی ابزاری از زنان، تطابق موارد پزشکی با موازین اسلامی و... بدهیم. درباره‌ی ازدواج زودهنگام دختران هنوز جرأت نکرده‌ایم که یک بیانیه‌ی مشترک بدهیم و از حقوق زن‌ها دفاع کنیم و این به دلیل روحیه‌ی محافظه‌کاری بسیار قوی ما است.»

وی در ادامه افزود: «یکی از مشکلات جامعه‌ی ما وجود فرهنگ مردسالاری و یکی از تلاش‌های ما مبارزه با این فرهنگ و تغییر و ایجاد تعادل در حقوق زن و مرد است.»

اشرف گرامی‌زادگان مدیر مسئول ماهنامه‌ی حقوق زنان، از شرکت‌کنندگان این میزگرد به عنوان روزنامه‌نگار آزاد، ضعف اقتصادی زنان را یک واقعیت انکارناپذیر دانست و گفت: «زنان جامعه‌ی ما دچار ضعف اقتصادی هستند و این یک واقعیت انکارناپذیر است و هر تشکیلی که به وجود می‌آید از نظر مالی دچار ضعف است، تا زمانی که از لحاظ اقتصادی توانمند نباشیم نمی‌توانیم مشکلات خود را حل کنیم و این در حالی است که زنان ما از نظر مدیریت توانا هستند.»

برنامه‌های جنبی نمایشگاه کتاب زنان ناشر

برگزاری چهار میزگرد از برنامه‌های جنبی نمایشگاه کتاب زنان ناشر بود که به ترتیب زیر برگزار شد:

میزگرد انجمن صنفی زنان روزنامه‌نگار که نشست مشترک زنان ناشر و زنان روزنامه‌نگار بود و موضوع بحث علل فقدان گرایش‌های صنفی زنان در جامعه امروز ایران بود که حمیرا حسینی‌یگانه، اشرف گرامی‌زادگان، پروین اردلان و فائزه هاشمی از سخنرانان این جلسه بودند. میزگرد زنان و ادبیات با موضوع موقعیت زنان قصه نویسنده، مترجم، مؤلف، شاعر و منتقد در عرصه‌ی ادبیات امروز که با حضور نویسندگانی چون متیرو روانی پور، روبنا منجم، بنفشه حجازی و جیستا یثربی برگزار شد.

میزگرد مشترک زنان ناشر با شبکه ارتباطی سازمان‌های غیردولتی زنان با موضوع سازمان‌های غیر دولتی زنان، توهم یا واقعیت که با حضور اعظم طالقانی، فاطمه هاشمی برگزار شد.

آخرین روز نمایشگاه که مصادف بود با روز جهانی کودک، با حضور گروهی از کودکان و نوجوانان مرکز نگهداری و پرورش کودک و نوجوان مراسم اختتامیه برگزار شد.

نیستیم ولی درصدد فرصتی هستیم که زنان به این باور برسند که از مردان چیزی کم ندارند.»

نوشین احمدی خراسانی ناشر و پروین اردلان روزنامه‌نگار از دیگر شرکت‌کنندگان این میزگرد بودند.

حمیرا حسینی یگانه دیگر شرکت‌کننده‌ی این میزگرد گفت: «اگر ما تشکیلی درست می‌کنیم و نام زن بر آن می‌گذاریم به این دلیل نیست که مسائل زنان را جدای از مسائل مردان ببینیم، به این دلیل است که ما باید خودمان را به ردیف مردان برسانیم. ما در تقابل



جلالی

اسکویی

گی‌با ناشران زن

در دومین

جرائمی را پیش‌بینی کرده است که مجاز یا غیر مجاز بودن کار ناشر را می‌توان مشخص کرد.

۳- برگزاری دومین نمایشگاه زنان ناشر، با توجه به اهداف اصلی آن یعنی معرفی ناشران زن و آشنایی آنان با یکدیگر و تبادل تجربه در زمینه‌ی نشر، مثبت بود ولی این نمایشگاه هم مانند کارهای جمعی دیگر نواقصی داشت که مهم‌ترین آن‌ها: نامناسب بودن محل و وسعت نمایشگاه، هم‌زمانی برگزاری آن با نمایشگاه بین‌المللی، نبود برنامه‌ی تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی، ناکافی بودن برنامه‌های جنبی، عدم همکاری آموزش و پرورش با توجه به هماهنگی که در زمینه بازدید جمعی دانش‌آموزان شده بود، و عدم حمایت دست‌اندرکاران وزارتخانه‌هایی چون وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از جمله دلایلی بود که این نمایشگاه نتوانست نتایج دلخواه را کسب کند.

ژیبا جلالی نائینی مدیر نشر و پژوهش شیرازه

۱- به دلیل این‌که اعم فعالیت‌های خانواده‌ام در زمینه‌ی فرهنگی بوده و علاقه و اهمیتی که همیشه نسبت به کتاب و مطبوعات در خانواده‌ی ما وجود داشت، در نتیجه برابرم دور از ذهن نبود که وارد این رشته از فرهنگ شوم. در واقع عشق به فراگیری و در عین حال آموزش اولین انگیزه برای این کار بود و با این دیدگاه که فراتر از چهارچوب محیط آموزشی و آکادمیک و به صورت مستقل با هدف ارتقای زمینه‌ی فرهنگی فعالیت کنم. در عین حال برای انتخاب این رشته فقط به علاقه‌ی شخصی اکتفا نکردم و با توجه به مشکلاتی که در این حوزه می‌شناختم با مشورتی که با دوستان و همراهی همکاران هم‌نظر داشتم به این کار دست زدم.

دومین نمایشگاه کتاب ناشران زن که از هشت تا ۱۶ مهرماه به همت شهلا لاهیجی، اولین ناشر زن در ایران و مدیر مسئول انتشارات روشنگران و مطالعات زنان در محل شهرکتاب برگزار شد، فرصتی بود برای آشنایی بیش‌تر با زنان ناشر. در این نمایشگاه حدود ۸۰ ناشر زن، شرکت کرده و تازه‌ترین آثار خود را به معرض نمایش گذاشتند. از این فرصت استفاده کردیم و پرسش زیر را با خانم‌های ناشر، اسکویی / نشر دیگر، جلالی / نشر شیرازه، ارفع نیا / نشر بهتاب، دیلمقانیان / نشر مس مطرح کردیم:

- ۱- چرا کار نشر را انتخاب کردید؟
- ۲- به نظر شما جنسیت در این حرفه می‌تواند محدودیت‌هایی ایجاد کند؟
- ۳- دومین نمایشگاه کتاب ناشران زن را چه گونه ارزیابی می‌کنید؟

نزیه اسکویی مدیر نشر دیگر

۱- کار نشر پیش از آن که یک حرفه باشد یک فعالیت اجتماعی و فرهنگی است. در این عرصه یکی می‌نویسد، یکی می‌سراید، گروهی در زمینه‌های نقاشی، تئاتر، موسیقی و فیلم آثاری از خود به جای می‌گذارند. من چون قادر به خلق اثر نیستم و از طرف دیگر علاقه‌ی زیادی به کارهای فرهنگی دارم، تصمیم گرفتم یک مصرف‌کننده‌ی محض نباشم و در انتشار کار نویسندگان و مترجمان کشورم تا حد امکان کمک کنم.

۲- مشکلات کار نشر بیش‌تر عمومی‌ست و معمولاً برای ناشران زن و مرد یکسان است و گاهی به زنان ناشر کمک بیش‌تری نیز می‌شود. ولی به طور کلی مسیر گرفتن مجوز چاپ یا کسب مجوز ترخیص از چاپخانه کاری‌ست وقت‌گیر که ضرورت چندانی ندارد و چاپ کتاب می‌تواند مانند مطبوعات با اعتماد و شناخت اولیه از ناشر و تمهد وی در قبال خوب و بد مطالب کتابش صورت گیرد. قطعاً قانون برای هر تخلفی

۲- بهتر است بگویم برای فعالیت در این رشته و موفقیت در آن، چه ویژگی‌های خاصی در فرد لازم است تا بتوانیم اولاً مانع یا مشکل را شناسایی کنیم و دوم تأثیر جنسیت در بروز آن مانع یا مشکل بررسی شود. کار نشر مثل دیگر کارهای فرهنگی از زمره فعالیت‌های بلند مدت است، یعنی بازدهی مادی و معنوی آن نیاز به زمان و برنامه‌ریزی طولانی مدت دارد؛ حال در این راه جنسیت چه گونه می‌تواند مانع یا امتیازی به حساب آید؟ کار نشر دشواری‌های خود را چه برای زن و چه برای مرد به طور یکسان دارد و من به هیچ وجه تمایزی در زن یا مرد بودن ناشر نمی‌بینم بلکه مطمئناً همراهی آن دو به کارآیی و پیشبرد کار کمک زیادی می‌کند. نمونه‌ی آن در واقع تجربه‌ی موفق است که در همکاری و همفکری با گروهی که با هم کار می‌کنیم به دست آورده‌ام.

۳- به نظر من این نوع حرکت‌های جمعی در عین حالی که بر اساس هدف و فعالیت معینی تشکیل می‌شوند، می‌توانند زمینه‌ای باشند در ایجاد آشنایی، روابط و همفکری میان افرادی که در یک زمینه فعالیت می‌کنند، با توجه به این‌که ایجاد شکل و حرکت‌های صنفی که در جهت حمایت منافع صنفی به وجود می‌آید گامی‌ست در انسجام و تقویت جامعه مدنی، ضمن تأکید بر این‌که ایجاد این جمع به هیچ منظور تفکیک جنسیتی تلقی نمی‌شود و این‌که کار نشر تقسیم‌بندی زنانه و مردانه ندارد، اما ایجاد یک شکل صنفی برای زنان ناشر که عمدتاً در این راه نوپا هستند به منزله‌ی چارچوب و مکانی است که ناشران خود را در کنار پیش‌گسوتان و بهره‌مند از تجربه‌ی آنان می‌بینند.



ارفع نیا



دیلمقیان

در کار نشر می‌توان روی منافع اقتصادی حساب کرد؟ باید بگویم مردم طرفدار کار خوب هستند همچنان‌که می‌بینیم بعضی از کتاب‌ها چندین بار تجدید چاپ می‌شوند. من نیز با توجه به همی مشکلات، این حرفه را انتخاب کردم و به این نتیجه رسیده‌ام که نشرانی موفق هستند که بتوانند هزینه‌ی کتاب‌های خوب و وزین خود را از راه چاپ کتاب‌های عامه پسند تأمین کنند و تلاش زیاد، تبلیغات و روابط هزینه‌هایی است که ناشر باید برای کار نشر بپردازد.

۲- پاسخ به این سؤال کمی مشکل است چون من تا به حال مرد نبوده‌ام تا بتوانم بگویم مشکلاتی که برای یک زن ناشر پیش می‌آید برای یک مرد ناشر پیش نمی‌آید و آیا مشکلاتی که برای زنان ناشر وجود دارد به زن بودن آن‌ها ربط دارد؟ به نظر من بروز مشکلات به خصوصیت فردی بستگی دارد تا جنسیت. به نظر من علت بازدارنده‌ی زنان در فعالیت بهتر، علاوه بر قوانین و فرهنگ و... خود آن‌ها هستند. برخی زنان به دلیل وابستگی‌هایی که دارند کارشان را جدی نمی‌گیرند و برای بقا در بازار پررقیب با تمام وجود کلنجار نمی‌روند و تنها در سطحی از سرگرمی یا وقت پرکنی به کار نگاه می‌کنند.

۳- این نمایشگاه برای من موقعیتی را به وجود آورد تا با عزیزی که پیش‌کسوت بودند تبادل اطلاعات داشته باشم و با نشران زن آشنا شوم ولی محل برگزاری نمایشگاه و همزمانی آن با کنگره‌ی زن و نمایشگاه بین‌المللی باعث شد آن‌طور که باید بازدید کننده نداشته باشد و شاید بتوان گفت که فقط اثبات موجودیت بود که این هدف را می‌شد در قالب چند نشست هدفمند و کلی و چاپ یک بروشور پیاده کرد. بدون این که ۱۰ روز کار مفید را از دست داد. به هر حال من نیز بر سر سفره‌ی آماده‌ی نشستم که دوستان دیگری زحمت آن را کشیده بودند و من از آن‌ها تشکر می‌کنم و صحبت‌هایی که کردم همه از روی قدرشناسی بود چون اعتقاد دارم دوست آن است که از روی مهر عیب دوستش را بگوید. □

نمایشگاه کتاب ناشران زن

مشاغلی چون تدریس در دانشگاه و وکالت که قبل از این شغل و در جوار آن نیز داشته‌ام، معنویت بیشتری دارد.

۲- این شغل مشکلات خاص خود را دارد و من هنوز اول کار هستم. خوشبختانه با این که حدود سه سال است که برای من مجوز نشر صادر شده است، هیچ محدودیتی را به دلیل زن بودن احساس نکرده‌ام و امیدوارم هرگز چنین وضعیتی پیش نیاید. در میزگردها و نشست‌های نمایشگاه نیز این مطلب به صراحت عنوان شد.

۳- از نظر محل و فضا نسبت به اولین نمایشگاه مناسب‌تر بود ولی از جهت تبلیغات بسیار ضعیف بود. با این که پوسترهای رنگی به تعداد زیادی چاپ شده بود ولی همه‌ی آن‌ها در محدوده‌ی نمایشگاه مورد استفاده قرار گرفت و کم‌تر کسی از وجود این نمایشگاه اطلاع یافت. هرچه به روزهای پایانی نزدیک‌تر می‌شدیم استقبال بیشتر می‌شد. مصادف شدن زمان برگزاری نمایشگاه با هفته زن و برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کار این نمایشگاه را تحت‌الشعاع قرار داده بود.

مادانا دیلمقیان مدیر نشر مین

۱- به نظر من انتخاب کار نشر به عنوان یک حرفه باید با شناخت و آگاهی کامل از همه‌ی مسائل و مشکلاتی باشد که در این حرفه وجود دارد. در کار نشر هم مانند هر حرفه‌ای چند هدف اصلی می‌تواند وجود داشته باشد از جمله استقلال مالی، کمک به اعتلای جامعه و... ممکن است این سؤال برای مردم به وجود بیاید که مگر

مضافاً بر این که به دلیل کمیت و کیفیت ضعیفی که حرکت‌های گروهی در جامعه‌ی ما دارد، این گونه تجربه‌ها در شکل‌گیری مناسب جامعه، نقش مهمی ایفا می‌کند. کم‌ترین دستاورد این جمع انتقال تجربه و آشنایی همکاران در خلال برگزاری دو نمایشگاه کتاب بود و بیش‌ترین دستاورد آن نیز به اراده و نحوه‌ی کارکرد خود جمع بستگی خواهد داشت.

دومین نمایشگاه زنان ناشر، از حیث ایجاد ارتباط فرهنگی میان ناشران و طرح مسائل موجود در میزگردهایی که برگزار شد، موفق بود. البته ما ترجیح می‌دادیم فضای بازتر و مناسب‌تری در اختیار داشتیم که دسترسی مردم به کتاب میسرتر باشد، اما این کار بدون همراهی مسئولان شهر مقدور نیست. علیرغم تلاش کمیته‌ی تدارک نمایشگاه، مسئولان فرهنگسراها هزینه‌ی زیادی از ما برای در اختیار قرار دادن فضای کافی و مناسب می‌خواستند که خارج از توان کار فرهنگی بود. به هر حال مسئولان شهر کتاب تنها کسانی بودند که این محل را بدون هیچ هزینه‌ای در اختیار ما گذاشتند که در این‌جا باز هم از آن‌ها تشکر می‌کنم و از سایر مسئولان فرهنگی نیز انتظار دارم کمک در راه فعالیت‌های فرهنگی نظیر این باشند.

دکتر بهشید ارفع نیا مدیر نشر بهتاب

۱- انتخاب این حرفه جهت اعتلای فرهنگی است و ناشر هیچ‌گاه نمی‌تواند در انتخاب این شغل به نفع مادی و درآمد فکر کند البته برای من با توجه به

سید محمد خاتمی:

با فراهم نکردن شرایط برای حضور زنان، جامعه ضرر کرده است

رشد یک فرآیند اجتماعی است و در حالی که در طول تاریخ زمینه‌های فکری، علمی و امکانات لازم برای زنان کم‌تر فراهم شده است، ادعا می‌شود که زنان توانایی کم‌تری نسبت به مردان دارند. این قضاوت و ارزیابی هنگامی صحیح است که مقایسه در زمانی که امکانات مساوی است، صورت گرفته باشد.

آقای سید محمد خاتمی، رییس جمهور در دیدار با گروهی از بانوان مسئول و مدیران ارشد زن در ادامه افزود: «به خاطر فراهم نکردن شرایط برای حضور زنان و بروز استعدادهای آن‌ها، جامعه‌ی ما تاکنون ضررهای بسیاری پرداخته است.»

رییس جمهور گفت: «ممکن است در مسئولیت‌های اجتماعی بتوان کارهایی را یافت که متناسب با شرایط زنان یا مردان نباشد ولی این که در حوزه‌ی رشد مسائل اجتماعی، سیاسی و انسانی و به طور کلی رشد، اگر بگوییم زن‌ها و مردها متفاوتند جفای بزرگی به زن‌ها است.»

آیت‌ا... شاهرودی:

به قضات تأکید کرده‌ام به زن‌ها کم‌تر زندان بدهند

در متون اسلامی زندان بسیار کم است، سیاست کیفری اسلام تعطیل نیروی انسانی و حبس آن نیست.

آیت‌ا... هاشمی شاهرودی، رییس قوه‌ی قضاییه در دیدار با مسئولین بهزیستی، در ادامه گفت: «به قضات تأکید کرده‌ام تلاش کنند درعین اجرای دقیق مجازات و کیفرها زندان کم‌تر بدهند به ویژه به زن‌ها و افرادی که زندان ندیده‌اند.»

وی افزود: «حبس فرد و سلب حق حضور در جامعه در آخرین مرحله و موارد خاص است.»

دکتر معصومه ابتکار:

سهم بالقوه‌ی زنان نادیده گرفته می‌شود

زنان حتا در جوامع پیشرفته نیز از فرصت‌های لازم جهت بهره‌مندی از مزایای توسعه بی‌نصیب هستند و سهم بالقوه آنان نادیده گرفته شده است.

دکتر معصومه ابتکار در همایش زن و محیط زیست که در دانشگاه الزهرا «س» برگزار شد، افزود: «مهارت‌ها، تجارب و دیدگاه‌های زنان برای پایداری با ارزش است و به همین دلیل زنان قادرند مشکلات را به چاره مبدل کنند و چون فرهنگ سازند منابع محیط زیست را حفظ می‌کنند.»

وی با تأکید بر چشمگیر بودن موضوع محیط زیست در تحولات امروز گفت: «موضوع زنان در محیط زیست از موضوعاتی است که لزوم بررسی نقش زن در این ارتباط را در هزاره‌ی سوم و نیز در دهه‌ی سوم انقلاب اسلامی محسوس می‌سازد.»

فاطمه تندگویان:

باید مراکز آموزشی شبانه‌روزی در مناطق مرزی ایجاد شود

برای ادامه‌ی تحصیل دختران در مناطق مرزی، ایجاد مراکز آموزشی شبانه‌روزی یک ضرورت است.

فاطمه‌ی تندگویان، مشاور وزیر آموزش و پرورش در امور زنان با تأکید بر مطلب بالا افزود: «به دلیل پراکندگی جغرافیایی و غفلت در برنامه‌ریزی، بسیاری از دختران ما نمی‌توانند ادامه‌ی تحصیل دهند.»

وی گفت که اگر دختران ما از نظر بهداشت و سلامت جسمی و روحی مشکلاتی دارند و اگر ۷۰ درصد اوقات فراغت آنان بیهوده تلف می‌شود باید برای آنان چاره‌ای اندیشید.

مریم بهروزی:

باید گروه درمانی خاص زنان جانباز تشکیل شود

اغلب جانبازان زن از ساکنان استان‌های مرزی هستند که از امکانات آموزش و تسهیلات آموزشی و درمانی کم‌تری خوردارند.

مریم بهروزی مشاور خانواده و امور زنان بنیاد جانبازان در ادامه‌ی مطلب بالا گفت: «تعداد زنان جانباز حدود چهار هزار نفر است که نیمی از آنان جانبازان بالای ۲۵ درصد هستند.»

وی گفت: «متوسط سن زنان جانباز ۲۷ تا ۳۵ سال است که شامل ترکیب سنی ۱۴ تا ۷۰ سال می‌شود. غیر از تعداد کمی از بانوان جانباز که به طور مستقیم در درگیری‌های نظامی با دشمن در دفاع از شهرهای مرزی شرکت داشته‌اند بقیه در اثر حمله دشمن به شهرها مجروح شده‌اند.»

مریم بهروزی از مسئولان خواست گروه درمانی

خاص زنان جانباز تشکیل شود و تجهیزات پزشکی نظیر ویلچر، مطابق با لطافت روحی آنان باشد و حق پرستاری و مراقبت به خانواده‌ی جانبازان زن همانند جانبازان مرد پرداخت شود.

تجمع اعتراض آمیز زنان و کودکان تهرانی به خاطر آلودگی هوا

گروهی از زنان و کودکان تهرانی به دلیل آلودگی هوای تهران و عدم کنترل آن به وسیله‌ی سازمان محیط زیست و اداره‌ی راهنمایی و رانندگی تهران به تجمعی اعتراض آمیز دست زدند.

جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست که برگزار کننده‌ی این تجمع اعتراض آمیز بود با صدور قطعنامه‌ی از مسئولین و سازمان‌های ذیربط خواست برای رفع آلودگی هوا دست به اقدام جدی و فوری بزنند.

در این قطعنامه آمده است: «طبق آمار منتشره از سوی شهرداری تهران - ۲۱ شهریور ۷۸- در شهر تهران روزانه ۱۱ میلیون سفر درون شهری انجام می‌شود که ۲۶ درصد این سفرها با ۸۰۰ هزار سواری شخصی، ۶۰ درصد از طریق ۲۸ هزار و ۳۰۰ دستگاه تاکسی و ۶۰ هزار مسافر بر شخصی صورت می‌گیرد. در مقابل این حجم بالای خودروهایی شخصی و غیرشخصی آن هم در گذرگاه‌های نامناسب به‌ویژه از نظر تهویه‌ی هوا، سهم اتوبوس در این سفرهای روزانه تنها ۲۳ درصد است، آن هم با پنج هزار دستگاه. به این آمار چهار هزار و ۹۰۰ مینی‌بوس و ۳۵۰ هزار موتورسوار را باید افزود. تردد روزانه‌ی این حجم وسایل نقلیه یعنی سوخت روزانه هفت میلیون لیتر بنزین و یک و نیم میلیون لیتر گازوئیل.»

در ادامه‌ی این قطعنامه آمده است: «پنج سال است که جمعیت مبارزه با آلودگی محیط زیست به اشکال مختلف (راه‌پیمایی، نامه‌ی سرگشاده به مسئولان، توزیع بروشور، نظر خواهی از مردم و انتقال آن به مسئولین و نمایندگان مجلس و...) بی وقفه برای کاهش آلودگی هوا مبارزه کرده است ولی تاکنون پاسخ مناسبی نشنیده است. شاید این بار مسئولین برای رفع آلودگی هوا دست به اقدامات جدی و فوری بزنند.»

خانه‌ی ریحانه، سرپناه دختران خیابانی

نخستین مرکز فرهنگی، اجتماعی، رفاهی ویژه‌ی دختران خیابانی با عنوان خانه‌ی ریحانه ایجاد خواهد شد.

مدال شجاعت برای سیمین بهبهانی

به آن بزرگ کودکی و بزرگسالی می‌گویند، تجربه می‌کنند.

وی می‌افزاید: «این مرحله‌ی طبیعی با احساس نوپا و غیر منسجم دوره‌ی بلوغ و با احساس اضطراب و نگرانی از پذیرفته نشدن در اجتماع و گروه‌های همسالان و همگنان همراه است. لذا این تغییرات سریع هورمونی، فیزیکی، روحی و روانی و حتا ارزش می‌تواند آنان را به سوی افسردگی سوق دهد.»

به اعتقاد وی در برخی جوامع و خانواده‌ها، امکان بروز خواسته‌ها و احساسات یا حتی ابراز خشم به دختران داده نمی‌شود. در نتیجه این خشم متوجه خود آنان می‌شود و توسط مکانیزم‌های درونی سرکوب شده، منجر به افسردگی عمیق می‌شود.

با کتاب‌های بلا استفاده‌ی خود کتابخانه‌های محلی را تجهیز کنید

کمیته‌ی جوانان مؤسسه‌ی تحقیقاتی و آموزشی رشدیه، با جمع‌آوری کتاب‌های خوانده شده و بلا استفاده‌ی موجود در منازل، کتابخانه‌های محلی کم درآمد را تجهیز می‌کند.

این کمیته از علاقه‌مندان مشارکت در این برنامه‌ی فرهنگی دعوت کرده است کلیه‌ی کتاب‌های اهدایی خود را به نشانی این کمیته: تهران، خیابان افریقا، خیابان ستاری، پلاک ۳۳، کدپستی ۱۹۶۸۹، تلفن پیام‌گیر ۰۲۸ ۸۷۷۷۰۳۸ ارسال نمایند یا نشانی خود را اعلام کنند تا کمیته نسبت به جمع‌آوری این کتاب‌ها اقدام کند.

کمیته‌ی جوانان مؤسسه‌ی تحقیقاتی و آموزشی رشدیه هدف از این اقدام را دسترسی جوانان و نوجوانان علاقه‌مند به این کتاب‌ها از طریق کتاب‌خانه‌های محلی و اشاعه‌ی فرهنگ کتابخوانی اعلام کرده است.

در آتن برگزار شد:

سمینار جایگاه زن در ادیان توحیدی

سمینار جایگاه زن در ادیان توحیدی و زن از منظر امام خمینی (ره) با حضور بانوان اندیشمند ایرانی و خارجی در آتن برگزار شد.

در این سمینار خانم اعرابی عضو جمعیت زنان جمهوری اسلامی و نوه‌ی امام خمینی با بررسی خصایل حضرت فاطمه‌ی زهرا «س» بانوی بزرگ اسلام، جایگاه زن در اسلام و توجه و دیدگاه‌های حضرت امام



حقوق بشر و آزادی و برابری زنان، اعطا می‌کند. در این بیانیه‌ی آمده است: «بهبهانی یکی از اعضای شش نفری هیئت موقت دبیران کانون نویسندگان ایران، منتخب سپتامبر ۱۹۹۸ است که تلاش چشمگیر برای تأسیس کانون نویسندگان مستقل و دمکراتیک در ایران کرده است.»

تحصیل، از مدارس روزانه به مدارس بزرگسالان منتقل می‌شوند از پرداخت شهریه معاف خواهند شد.

آموزش و پرورش تهران با اعلام این مطلب افزود: «برای تشویق دانش‌آموزان دو سال مردودی روزانه برای تحصیل در مدارس بزرگسالان، (دوره‌ی آموزش عمومی) تا سقف سنی ۱۷ سال از پرداخت پنج درصد هزینه‌ها معاف خواهند بود.»

هزینه‌های دریافتی یک سال تحصیلی از دانش‌آموزان عمومی در مناطق ۱۵ تا ۱۹ حداکثر ۱۵۰ هزار ریال و در سایر مناطق حداکثر ۲۵۰ هزار ریال است.

دخترها دو برابر پسرها افسرده‌اند

دختران در سن بلوغ دو برابر پسران هم‌سال خود دچار افسردگی می‌شوند و این آمار در بقیه‌ی عمر آنان دو تا دو و نیم برابر ثابت می‌ماند. به گفته‌ی دکتر پریسا ساعد، روان‌کاو، احتمال

ابتلای جوانان به بیماری افسردگی بیش‌تر در گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال رخ می‌دهد زیرا نوجوانان به طور طبیعی در دوره‌ی بلوغ (۱۱ تا ۱۹ سالگی) دوره‌ی هرج و مرج عاطفی و بحران هویتی را با گذر از مرحله‌ای که

مدال کارل فون اوسیتسکی به سیمین بهبهانی، شاعره‌ی معاصر ایرانی اعطا می‌شود.

جامعه‌ی بین‌المللی حقوق بشر با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد مدال کارل فون اوسیتسکی را روز ۱۲ دسامبر سال جاری در خانه‌ی فرهنگ‌های جهانی در برلن به سیمین بهبهانی به خاطر شهامت در مبارزه برای

فهمیه اسکندری مدیر اجرایی خانه‌ی ریحانه با اعلام این مطلب گفت: «تعداد کسانی که با انگیزه‌های مختلف محل سکونت خود را ترک کرده و به امید یافتن زندگی بهتر در شهرها رها می‌شوند بسیار زیاد است و بسیاری از دختران گرفتار گروه‌های تبهکاری شده و مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند.»

وی افزود: «خانه‌ی ریحانه پایگاهی حمایتی است که این دختران پس از شناسایی به این مرکز انتقال داده می‌شوند و در آنجا با انجام شیوه‌ها و روش‌های خاص مشاوره‌ای و روان‌شناسی شناسایی و تحت حمایت‌های مادی و معنوی قرار می‌گیرند. اگر خانواده داشته باشند پس از اطمینان از صلاحیت سرپرستی به خانواده بازگردانده و چنانچه خانواده نداشته باشند به مراجع ذیصلاح تحویل داده می‌شوند.»

خانه‌ی ریحانه به همت شرکت خدمات اجتماعی تهران وابسته به حوزه‌ی معاونت امور اجتماعی شهرداری تهران دایر خواهد شد.

دختران دانش‌آموزی که ازدواج کرده‌اند، از پرداخت شهریه معاف می‌شوند

دختران دانش‌آموزی که به علت ازدواج در زمان

خمینی در خصوص زنان، فعالیت و نقش انسان ساز آنان را در جامعه تشریح کرد.
در این سمینار زنان اندیشمند مسیحی از کلیسا و دانشگاه یونان و برخی از بانوان مسلمان مهاجر در آتن، ایرانیان مقیم آتن و همسران دیپلمات‌ها شرکت داشتند.

زنان می‌توانند از مشاوران حقوقی قوه قضاییه راهنمایی بخواهند.

دفتر امور زنان قوه قضاییه اعلام کرد که زنان برای حل مشکلات حقوقی خود می‌توانند، با ارائه مدارک لازم از راهنمایی مشاوران حقوقی این دفتر بهره‌مند شوند.

اکرم پوررنگ، معاون امور حقوقی دفتر امور زنان قوه قضاییه و دادیار دیوان عالی کشور، با اعلام این خبر گفت: «دفتر امور زنان قوه قضاییه در صورت نیاز پرونده به اطلاعات حقوقی، نامه‌هایی را برای شعبه‌های مربوطه ارسال می‌کند و برای روشن شدن ذهن قاضی مدارکی را که احتمالاً از قلم افتاده، به وی ارائه می‌دهد.»

وی در مورد نقش زنان قاضی مشاور در رأی نهایی و آثار حضور آن‌ها در دادگاه گفت: «حضور آنان در دادگاه‌های خانواده بسیار مؤثر بوده است به طوری که بیش‌تر مراجعین زن خواهان طرح مسائل خود با قاضی زن هستند.»

پوررنگ افزود: «هم اکنون زنان در پست‌های مشاور دیوان عدالت اداری، مستشار اداره حقوقی، قاضی تحقیق در اداره سرپرستی و اداره مطالعه و تدوین قوانین دادگستری اشتغال دارند.»

دادیار دیوان عالی کشور با تأکید بر لزوم آگاهی زن و مرد نسبت به تکالیف و حقوقشان هنگام ازدواج گفت: «دفتر امور زنان قوه قضاییه مواردی را در اختیار دفاتر ثبت قراردادها که دفترخانه مکلفند هنگام عقد دختر و پسر موارد را به آن‌ها تفهیم کنند.»

انتشار اولین شماره‌ی پژواک، نشریه‌ی جمعیت مبارزه با اعتیاد

اولین شماره‌ی ماهنامه‌ی فرهنگی، اجتماعی پژواک توسط جمعیت مبارزه با اعتیاد منتشر شد.

در سرمقاله‌ی اولین شماره‌ی این نشریه آمده است: «بارها از زبان مسئولان شنیده شده که مقابله‌ی تک‌بعدی با مواد مخدر، بدون توجه به پیشگیری، درمان و جامعه‌پذیری به بن‌بست کشیده می‌شود. این بن‌بست شکستی‌ست و رمز آن همدلی و کلید آن بسیج مردمی است.»

در این شماره مقاله‌هایی از دکتر پرویز پیران با عنوان فریادی گم شده در هیاهو، دکتر مصطفی

صالحی، با عنوان علل روانی اعتیاد به دخانیات در نوجوانان و جوانان، گزارش‌های ویژه، سخنرانی غلام حسین بلندیان، معادن امنیتی وزارت کشور در همایش اعتیاد و خانواده به چاپ رسیده است.

آموزش زنان در رشته‌ی مدیریت خانه

دانشگاه جامع علمی - کاربردی طرح آموزش مدیریت خانه را به منظور آموزش زنان در مقطع کاردانی بررسی کرد.

روابط عمومی وزارت فرهنگ و آموزش عالی اعلام کرد، این طرح در پنجمین نشست شورای مرکزی دانشگاه جامع علمی - کاربردی به ریاست مصطفی معین وزیر فرهنگ و آموزش عالی مورد بررسی قرار گرفت. دکتر معین درباره‌ی این طرح گفت: «خانه‌داری در جهان امروز یک تخصص است و باید از طریق آموزش زنان نسبت به استفاده از روش‌های علمی در امر خانه‌داری اقدام کرد. این امر علاوه بر تقویت نقش محوری بانوان در سامان دادن به امور خانواده، آثار مثبت و گسترده‌ای نیز در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خواهد داشت.»

انتخاب یک زن کاریکاتورپست ایرانی در جشنواره ترکیه

یک کاریکاتورپست زن ایرانی به عنوان بهترین کاریکاتورپست زن در جشنواره‌ی ترکیه انتخاب شد.

وی که لاله‌ی ضیایی نام دارد منتخب شانزدهمین مسابقه‌ی بین‌المللی کاریکاتور آیدین دوغان ترکیه شد.
مصطفی رمضانی، کاریکاتورپست دیگری از ایران نیز موفق به دریافت نشان لیاقت شد.
این مسابقه هر سال در ماه اکتبر (آبان) در استانبول برگزار می‌شود.

رییس شورای مشورتی عربستان:

در اسلام زنان نمی‌توانند پست دولتی داشته باشند

در شریعت اسلام زنان نمی‌توانند سمت دولتی داشته باشند و عضویت در شورای مشورتی نیز شامل همین ممنوعیت می‌شود.

محمدبن جبیر، رییس مجلس مشورتی عربستان، با این سخنان تأکید کرد که زنان حق انتخاب شدن برای این شورا را ندارند و این شورا همچنان در انحصار مردان باقی خواهد ماند.

وی گفت که از زنان تنها می‌شود در زمینه‌های تخصصی مشاغل آن‌ها استفاده کرد نه در مقام

مشورتی.

شورای مشورتی عربستان به بررسی قوانینی که به زنان مربوط است و شایستگی آن‌ها را مطرح می‌کند، می‌پردازد. به گفته‌ی محمدبن جبیر چندی پیش برای تصویب قانونی در مورد چهیزیه از زنان نظرخواهی شد. شورای مشورتی عربستان ۸۰ عضو دارد و وظیفه‌ی آن تنها مشورت در امور مملکتی با دولت است و هیچ کنترل و دخالتی در امور اجرایی ندارد. رییس این شورا از سوی ملک فهد، پادشاه عربستان، منصوب می‌شود. زنان عربستان از بدیاری از حقوق اجتماعی نظیر داشتن شناسنامه و رانندگی کردن محرومند و این قشر از جمعیت عربستان تنها می‌توانند در رشته‌های معلمی و پزشکی مدارج عالی دانشگاهی را طی کنند.

ترور زنان و بروز هرج و مرج در کردستان عراق

راديو اتحادیه‌ی میهنی کردستان، از کردهای عراق خواست تا برای حفظ آرامش و امنیت زنان با مسئولان امنیتی همکاری کنند.

این راديو از اقدامات ناشایست و ضد انسانی که در روزهای اخیر در کردستان عراق رواج یافته خبر داد و این امر را موجب بروز ناامنی و هرج و مرج در این منطقه دانست.

راديو اتحادیه‌ی میهنی کردستان درباره‌ی اقدامات ناشایست علیه زنان و ترور آن‌ها توضیح بیش‌تری نداد.

آنچه بر زنان افغان می‌گذرد

رنج و عذاب زنان افغانی ناشی از قوانین اسلامی نیست، بلکه از به‌کارگیری نادرست برخی از این قوانین در یک جامعه‌ی سنتی مرد سالار می‌باشد.

روزنامه‌ی انگلیسی زبان هندو طی مقاله‌ای درباره‌ی وضعیت زنان در نواحی تحت کنترل طالبان در افغانستان با چاپ این مطلب افزود: «قوانینی که طالبان منعی اجرای آن براساس قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم «ص» است به هیچ وجه اسلامی نیست. در هیچ کجای قرآن کریم گفته نشده است که زن نباید تنها سفر کند یا صورت و دست‌هایش را بپوشاند، بلکه در قرآن فقط نمایان شدن زینت زن در ملاء عام ممنوع شده است. حتا علمای سنتی مکشوف بودن صورت و دست زن را مجاز دانسته‌اند.»

روزنامه‌ی انگلیسی زبان هندو در ادامه نوشت: «علاوه بر این در قرآن کریم، برای بی‌حجابی مجازاتی تعیین نشده و مجازات شلاق فقط در مورد ارتکاب برخی گناهان آن هم به شرط شهادت چهار نفر توصیه شده است.»

این مقاله با اشاره به خشونت‌های تکان دهنده‌ی طالبان علیه زنان نظیر شلاق زدن و سنگسار افزود:

«آنچه این گروه به نام اسلام در مورد زنان انجام می‌دهد ناشی از طرز تفکر جامعه‌ی عشیره‌ای آن‌هاست و ربطی به احکام اسلام ندارد.»

به نوشته‌ی این روزنامه طالبان محصول مدارس پاکستانی است. «مدیریت این مدارس را ملاهای عشایر شمال غربی پاکستان به عهده دارند. این افراد که در زندگی اجتماعی تجربه‌ای ندارند، پس از پیوستن به نیروهای مسلح در افغانستان دستوراتی را که از ملاها در مدارس شنیده‌اند بدون توجه به پیامدهایش به طور مکانیکی اجرا می‌کنند.»

این مقاله افزود: «طالبان در افغانستان نه تنها حقوق مدنی بلکه حقوق شرعی زن را رعایت نمی‌کند و اعمال این گروه درباره‌ی زنان مورد قبول اکثر کشورهای اسلامی نیست.»

روزنامه‌ی انگلیسی زبان هندو با اشاره به وضعیت زنان در کشورهای اسلامی نوشت: «در ایران زنان مسلمان خیلی بیدارند و یک جنبش قوی زنان وجود دارد و یکی از معاونان رییس جمهوری ایران زن است.» در مصر نیز زنان در تمام عرصه‌های دولتی و خصوصی مشغول کارند و در پاکستان و بنگلادش، زنان مسلمان از آزادی زیادی برخوردارند. در کشورهای اندونزی و مالزی نیز زنان موقعیت خوبی دارند.

هندو در خاتمه نوشته است: «به این ترتیب آنچه در افغانستان بر زنان می‌گذرد، ناشی از قوانین اسلامی نیست بلکه این امر ناشی از برداشت نادرست این گروه از قوانین و ناتوانی آن‌ها در پی بردن به حقیقت قوانین اسلامی است.»

انصراف تنها کاندیدای زن ریاست جمهوری امریکا

الیزابت دال نخستین کاندیدای زن انتخابات ریاست جمهوری امریکا انصراف خود را اعلام کرد.



الیزابت دال که به دلیل هزینه‌ی سنگین تبلیغات، ادامه‌ی فعالیت متصرف شده است از اعضای سابق دولت امریکا و نخستین زنی بود که برای انتخابات

ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۰ کاندید شده بود.

وی که از سوی جمهوری خواهان نامزد شده بود، با اشاره به عدم بضاعت مالی خود برای برآمدن از عهده‌ی هزینه‌ی تبلیغات رقابت‌های انتخاباتی گفته که حتا در صورت دارا بودن این هزینه نیز تبلیغات را برای خود دشوار می‌دید.

الیزابت دال گفته است که نامزد مقام معاونت ریاست جمهوری نخواهد شد و مردم را نیز به رای دادن به نفع هیچ کدام از نامزدها ترغیب نخواهد کرد. وی معتقد است با کاندید شدن برای مقام ریاست جمهوری راه را برای انتخاب یک رییس جمهوری زن در امریکا هموار ساخته است.

دو رقیب الیزابت دال، پسر جورج بوش، فرماندار تگزاس و استیو فورد و یک ناشر میلیون هاستند که در پرداخت هزینه‌های تبلیغاتی خود هیچ محدودیتی ندارند.

اگر سال ۹۲ را سال حضور زنان در عرصه‌ی سیاست ایالات متحده به نامیم، سال ۲۰۰۰ سال حضور زنان در سیاست‌های ریاست جمهوری

است. در سال ۹۲ به طور غیر منتظره‌ای چهار نفر به تعداد زنان سنای ایالات متحده اضافه شد (که تعداد زنان را در آن زمان به ۴۸ رساند اکنون تعداد آن‌ها ۵۸ نفر است)

بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی معتقدند خانم الیزابت دال به معاونت ریاست جمهوری از حزب جمهوری خواه برگزیده خواهد شد و ال گور از سناتور دیموکرات (از کالیفرنیا) برای همکاری دعوت خواهد کرد. بنابر آمار ارائه شده ۹۲ درصد امریکاییان گفته‌اند به یک زن برای سمت ریاست جمهوری رای خواهند داد. این در حالی است که در سال ۱۹۷۵ حدود ۷۳ درصد از امریکاییان مخالف داشتن رییس جمهور زن بودند. برخی از مطلقان داخلی معتقدند که خانم دال شرایط لازم نامزدی ریاست جمهوری را دارد و با توجه به این که ریاست سازمان صلیب سرخ را نیز برعهده دارد، با تجربیات مفید و فراوانی به این عرصه قدم می‌گذارد. کلیان فیتز پاتریک جمهوری خواه معتقد است که دال تنها برای تصدی معاونت ریاست جمهوری خود را دچار زحمت نکرده است بلکه هدف اصلی وی قرار دادن زنان در موقعیت‌های برتر سیاسی است. سلیندا لیک جمهوری خواه در این باره می‌گوید: «اگر جمهوری خواه‌ها نامزد زن برای سمت معاونت ریاست جمهوری ۲۰۰۰ معرفی کنند دموکرات‌ها نیز مجبور خواهند شد به اقدامی مشابه دست بزنند.»

وی بدون نام بردن از شخص خاصی اضافه می‌کند: «سرگزیدن نامزد زن برای سمت معاونت از جمله سیاست‌های استراتژیک ال گور است. به اعتقاد او سال ۲۰۰۰ سالی است که زنان موفق خواهند شد رای دهنده‌گان را متقاعد کنند که زن‌ها آمادگی پذیرفتن دست بزنند.»

وی بدون نام بردن از شخص خاصی اضافه می‌کند: «سرگزیدن نامزد زن برای سمت معاونت از جمله سیاست‌های استراتژیک ال گور است. به اعتقاد او سال ۲۰۰۰ سالی است که زنان موفق خواهند شد رای دهنده‌گان را متقاعد کنند که زن‌ها آمادگی پذیرفتن

سمت‌های مهم سیاسی را دارند.»

کاهش تعداد نمایندگان زن در پارلمان هند

انتشار نتایج اخیر انتخابات پارلمان هند نشان می‌دهد، تعداد نمایندگان زن در پارلمان ۵۴۵ نفری این کشور از ۴۹ نفر به ۴۳ نفر کاهش پیدا کرده است.

به گزارش واحد مرکزی خبر، به نقل از خبرگزاری فرانسه، پژوهشگر آمار فعالیت زنان اعلام کرد که از میان چهار هزار و ۶۰۰ نامزدی که در انتخابات اخیر طی ماه‌های سپتامبر و اکتبر به رقابت پرداختند تنها ۲۹۲ نفر زن بودند و این از وعده‌های پوچ جریان‌های سیاسی حاکم بر کشور مبنی بر رعایت تساوی حقوق میان زن و مرد حکایت دارد.

بنابراین گزارش هم اکنون تنها ۴۳ نماینده‌ی زن به پارلمان راه یافته‌اند و بیش‌تر این نمایندگان نیز از حزب ملی‌گرای هند و به رهبری اتال بیهاری واجپایی نخست وزیر و نیز حزب مخالف کنگره هستند.

سونیا گاندی، رییس ایتالیایی تبار حزب کنگره، از جمله‌ی این افراد به شمار می‌رود. با این حال، سیاستمداران زن می‌گویند تنها راه تضمین حقوق برابر در زمینه‌ی قدرت سیاسی برای زنان جامعه‌ی هند تلاش برای تصویب لایحه‌ای است که به موجب آن باید یک سوم کرسی‌های پارلمان، تنها به زنان اختصاص یابد.

دختران در امر تحصیل از پسران موفق ترند

براساس تحقیقی علمی دختران ایتالیایی از پسران درس خوان تر هستند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از رم، نتیجه‌ی این تحقیق که بر روی یک‌هزار دختر و یک‌هزار پسر انجام شد و در مجله‌ی ایودونا ضمیمه‌ی هفتگی روزنامه‌ی کورییره دلا سرا چاپ شد، حاکی است که از یک هزار دختر مورد بررسی در این تحقیق ۶۶۵ نفر موفق به اخذ مدرک دیپلم شدند (در ایتالیا، دیپلم پس از ۱۳ سال تحصیل کسب می‌شود) و ۱۶۰ نفر از آنان مدرک دانشگاهی گرفتند.

بنابراین گزارش از یک هزار پسر مورد بررسی ۵۶۵ نفر موفق به کسب دیپلم و ۱۰۷ نفر دیگر مدرک دانشگاهی کسب کردند.

براساس این تحقیق حضور دختران ایتالیایی در سر کلاس بیش از پسران است. نسبت فزونی حضور در سر کلاس، در مقطع دبیرستان سه درصد و در دانشگاه هشت درصد است. همچنین در دانشگاه بوکنی شهر بقیه در صفحه‌ی ۶۱



قائل نیستیم. در واقع معتقد به شایسته سالاری هستیم. دستاوردهای مدیریتی زنان را نیز وقتی می‌توانیم بسنجیم که تعداد پست‌های زنان تا یک حدی با مردان برابر باشد. متأسفانه در کشور ما درصد پست‌های مدیریتی متناسب با میزان مشارکت زنان در جامعه نیست. در بخش خود ما نیز بدنه‌های کارشناسی را زنان تشکیل می‌دهند و حتی بیش‌تر از مردان ولی پست‌های مدیریتی برای زنان کم داده شده است. حال در رابطه با این که آیا مسئولان - دولت - تمایلی به مدیریت زنان دارد یا خیر باید از مسئولان رده‌های بالا پرسید. به نظرم بعید می‌آید. شاید. بعضی موارد اجتماعی مانع شده است. به نظر می‌رسد خود زنان هم زیاد تمایلی به گرفتن این پست‌ها نشان نمی‌دهند. در چند سال اخیر زنان به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توانند به پست‌های مدیریتی هم برسند. من شخصاً از وقتی به وزارت صنایع آمدم چون در زمینه‌ی کارم مشکلی نداشتم هیچ وقت به فکر گرفتن پست بالاتر نبوده‌ام. وقتی در مرحله‌ای به من پیشنهاد مدیریت شد، فکر می‌کردم که آیا قبول کنم یا نه؟ در هر حال فراهم شدن زمینه‌های اجتماعی بسیار مهم است.

- چه‌طور تمایلی به پذیرش سمت مدیریتی نداشتید؟

گلنار نصراللهی: پست‌های مدیریتی متناسب

● مدیریت زنان دستاوردهای خوبی داشته است. البته من در کار زنان به افراط و تفریط قائل نیستم. در واقع معتقد به شایسته سالاری هستیم.

● خانم‌های کارشناس در سطح وزارتخانه بسیار فعال هستند.

- واقعیت این است که فکر نمی‌کردم به پست بالاتری برای انجام خدمت نیاز دارم. به من گفتند که شما چهار بار کارشناس نمونه شده‌اید و باید ارتقا پیدا کنید. حتی به من پیشنهاد شد که رییس اداره یا معاون بشوم. واقعیت این است که من تمایلی نداشتم. چون وقتی نظری را به عنوان کارشناس می‌دام شنیده می‌شد. من مشکلی نداشتم. منظور من این است که ما مشکل شرعی و... نداریم.

- اکنون شما مدیر کل صنایع نساجی و پوشاک هستید. بفرمایید وضعیت فعلی نساجی کشورمان چگونه است؟

- نساجی یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین صنایع در کشورمان است. اولین صنایع در کشورمان نساجی بوده است که اولین کارخانه ماشینی آن به صدسال پیش برمی‌گردد. وقتی که می‌خواستند ایران را صنعتی کنند از صنعت نساجی شروع کردند. الان ارزش افزوده‌ای که داریم در رابطه با این صنعت تحت پوشش وزارت صنایع ۱۷ درصد مربوط به صنعت نساجی است. ۲۲ درصد اشتغال مربوط به صنایع نساجی است. در گذشته و سال جاری ارزش صادرات نساجی نقش عمده‌ای در صادرات صنایع غیر نفتی داشته است. در این چند سال که در دنیا رکود اقتصادی پیش آمد و اثر آن در صنعت نساجی کشورمان نمود کرد ما را با مقداری مشکل مواجه کرد. به هر حال با تمام

- شما اولین مدیر ستادی زن در وزارت صنایع هستید. موفقیت خود را چه می‌دانید؟

- بله، من اولین مدیر ستادی زن در وزارت صنایع هستم. شما مطلع هستید که بدنه‌ی کارشناسی در وزارت صنایع را زنان کارشناس حتی درصدی بیش‌تر از مردان کارشناس تشکیل می‌دهند. من معتقدم آن چه باعث پیشرفت می‌شود این است که اطلاعات ما همواره به روز باشد و شخص یا کارش پیوندی معنوی - خارج از پیوند مادی که دارد - داشته باشد. در واقع کار را برای خودکار و نتایج بعد از آن انجام دهد. در واقع بایدکاری را که انسان انجام می‌دهد به قصد خدمت به جامعه باشد. البته هیچ کس نمی‌تواند بگوید صددرصد کارش درست است به خصوص در کار اجرایی و علی‌القاعده انسان باید با مشاوره‌ی با افراد به جامعه خدمت کند. چنین عملی مسلماً در جامعه و محل کار نمود پیدا خواهد کرد. من همه‌ی این‌ها را باعث موفقیت افراد در کارهای اجرایی می‌دانم و خودم هم تا حدی آن را رعایت می‌کنم.

- علی‌رغم آن که مدیریت زنان در ادارات دولتی دستاوردهای خوبی به همراه داشته است ولی آنچه در عمل مشاهده می‌شود برگزیدن مردان برای این مشاغل است نظر شما چیست؟

- به نظر من نیز مدیریت زنان دستاوردهای خوبی داشته است. البته من در کار زنان به افراط و تفریط

گلنار نصراللهی مدیر کل صنایع نساجی و پوشاک وزارت صنایع است. او در سال ۶۲ به عنوان کارشناس در وزارت صنایع شروع به کار کرد و در طول سال‌های خدمتش در این وزارتخانه در مقام مشاور معاونت به کار ادامه داد تا آن که از دو سال پیش، به سمت مدیر کل صنایع نساجی و پوشاک که مدیریتی ستادی است، منصوب شد. با توجه به اهمیت این مدیریت نظر خوانندگان عزیز را به گفت‌وگوی ما پیرامون صنعت نساجی، نقش و مدیریت زنان جلب می‌کنیم.

فراز و نشیب‌ها در اقتصاد ما، صنعت نساجی نقش خود را به خوبی ایفا کرده است و فراز و نشیب‌ها را از سرگذرانده است و این هم به لحاظ توانایی‌هایی است که در این صنعت نهفته. شاید اگر صنایع دیگر بودند با مشکلات شدیدتری روبه‌رو می‌شدند.

- علت این رکود چه بود؟

بزرگ‌ترین صنایع نساجی را کشورهای آسیای جنوب شرقی دارند که در واقع سردمداران صنعت نساجی هستند. بحران اقتصادی پیش آمده در این کشورها به صنعت آنان کشیده شد و آن‌ها برای خارج شدن از رکود، قیمت بسیاری از محصولات نساجی خود را کاهش دادند. با پایین آمدن قیمت نفت، بسیاری از الیاف که در صنعت نساجی از مشتقات نفت و پتروشیمی است، همراه با تنزل قیمت نفت کاهش یافت و در نتیجه این محصولات هم پایین آمد. به همین دلیل تقاضا برای خرید محصولات نساجی در دنیا کاهش پیدا کرد. با توجه به این که رقبا ما هم برای خارج شدن از این بحران قیمت‌های خود را دائماً پایین می‌آورند، همه دست به دست هم داد و مشکلات را بیشتر کرد. البته تمام مشکلات صنعت نساجی به این امر بر نمی‌گردد. در حال حاضر صنعت نساجی یکی از مشکلات عمده‌اش دوگانگی‌ای است که در این بخش

● در چند سال اخیر زنان به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توانند به پست‌های مدیریتی هم برسند.

● مدیریت چیت‌ری در حال اقدام برای اصلاح ساختاری، نوسازی و بازسازی کارخانه است.

- قدمت کارخانه‌ی چیت ری به چهل یا پنجاه سال پیش بر می‌گردد. این کارخانه باید در داخل خودش باز سازی می‌شد. به طور مختصر توضیح می‌دهم. ما با یکسری ماشین آلات، کارخانه‌ای را تشکیل می‌دهیم و برای آن کارگر می‌گذاریم و ظرفیت تولید را مشخص می‌کنیم. پس از مدتی که می‌گذرد و عمری که از ماشین آلات می‌گذرد مشخص است که همه چیز رو به پیری می‌رود و تولید اولیه صورت نمی‌گیرد ولی تعداد کارگر و مستحقات و مسائل جنبی را که ایجاد کرده‌ایم و متناسب با همان ظرفیت اولیه است همچنان داریم بنابراین برای هزینه‌های سربارش قیمت تمام شده بالا

باید عرض کنم. ما نباید مشکلات کارخانه را به گردن مدیریت بیندازیم. همه می‌دانیم که اقتصاد ما مشکل دارد. ما خودمان هم ممکن است در کارهای اجرایی‌مان ایده‌هایی داشته باشیم ولی در چرخه‌ی سیستم بناییم. بنابراین نمی‌توانیم بگوییم که مدیریت مشکل ندارد. کارخانه‌هایی مدیریت‌های توانا داشتند که در واقع دستشان هم بازتر بوده است. از این نظر در این نوع کارخانه‌ها مشکلات بسیار کم‌تر از کارخانه‌های دیگر است. ما در داخل چرخه‌ی یک سیستم هستیم. دولتی بودن به اضافه آن سیستم اقتصادی مدیران را با یک سری محدودیت‌های قانونی مواجه می‌کند ولی در بخش خصوصی مدیریت‌ها توانا تر هستند زیرا که یک مقدار از این چرخه‌های قانونی و ضابطه‌مندی رها ترند قاعدتاً این کارخانه‌های مشکلاتشان کم‌تر از کارخانه‌های دیگر است. ما الان کارخانه‌هایی داریم که خود اصل شرکت قدمشان به سی تا چهل سال پیش بر می‌گردد ولی وقتی وارد کارخانه می‌شوید، کارخانه کاملاً نو است. معلوم است که این کارخانه بازسازی و نوسازی‌اش را به موقع انجام داده است. خوب چنین کارخانه‌ای اگر به مشکل سال ۷۷ بر بخورد مشکلاتش کم‌تر از دیگران است نه این که مشکل نداشته باشد.

- چند درصد این کارخانجات متعلق به بخش خصوصی است؟

- در سال‌های پیش درصد کارخانه‌های دولتی و تحت پوشش بیش تر بود ولی به تدریج و با توجه به طرح‌های جدیدی که راه‌اندازی شده عمدتاً از بخش خصوصی است. صنایع بزرگ حدود ۲۰ درصد تحت پوشش هستند. دولتی گفته نمی‌شود چون در صورت دولتی بودن جزو واحدهایی خوانده می‌شوند که ردیف بودجه دارند. در واقع حدود ۷۰ درصد از بخش نساجی، خصوصی است.

- شما چه نظارتی بر آنان دارید و هماهنگی شما برای رشد این صنعت چگونه است؟ آیا از طرف شما حمایت هم می‌شوند؟

- اول این توضیح را می‌دهم که ما در این جا صنایع را دو دسته‌ی خصوصی و دولتی نمی‌کنیم.

اداره‌ی کل ما یک قسمت اجرایی است. آن که مدیریت واحدها را تحت پوشش دارد، سازمان صنایع ملی است و مدیریتش با ما فرق دارد. یا تحت پوشش بنیادها است مثل بنیاد شهید یا بنیاد جانیان. ما مدیریتی را تحت پوشش نداریم. ارائه‌ی خدمات و سیاست‌گذاری‌ها در مجموعه‌ی صنعت، صرف نظر از مالکیت انجام می‌شود. چه دولتی و چه خصوصی ما هیچ نوع امتیازی در رابطه با این مسائل نداریم.

- خصوصی یا دولتی بودن برای مرکز شما که اداره‌ی کل در وزارت صنایع هستید فرقی نمی‌کند؟

سیاست‌گذاری‌ها از طریق همین وزارتخانه است بدون در نظر گرفتن دولتی بودن یا خصوصی بودن صنعت نساجی. البته اگر در دو سال گذشته ارز یارانه‌ای بوده از

میزان مشارکت زنان نیست

می‌رود و تولید پایین می‌آید. از این رو قیمت تمام شده قابل رقابت با سایر کارخانجات دیگر نیست. کارخانه‌ی چیت ری دچار چنین مشکلی شده است. البته چیت ری در سال‌های گذشته از محل عواید کارخانه، کارخانه‌ی دیگری را در کردستان به نام نساجی کردستان ایجاد کرده است. آن‌ها طرحی در دست داشتند که با احداث کارخانه‌ی دیگری در واقع کارخانه‌ی چیت ری را کوچک کنند ولی این برنامه در چیت ری اتفاق نیفتاده است. مسائل و مشکلات این کارخانه بخشی به فروش محصول و برخی به اداره‌ی آن بر می‌گردد. در سال گذشته در هیأت دولت مصوبه‌ای را در رابطه با وضعیت نساجی، بازسازی و نوسازی داشتیم که در مورد کارخانجاتی است که مشابه چیت‌ری است و در واقع این کارخانه مشمول این مصوبه می‌شود. مدیریت این کارخانه الان ندارد در رابطه با اصلاح ساختاری، نوسازی و بازسازی این کارخانه اقدام می‌کند. البته چون مدت زمانی طولانی گذشته است این اصلاحات آسان نیست و طول می‌کشد.

- در بین کارخانجات نساجی مواردی را دارید که موقعیت خود را حفظ کرده‌اند و به روز هستند؟

- بله، خیلی زیاد هستند کارخانجاتی که به روز هستند از ۱۱۹ کارخانه رسیدگی - پنبه یا الیاف مصنوعی شاید حدود ۳۰ درصد دچار مشکلی شبیه چیت ری هستند و مابقی مشکلی به این شکل ندارند. نکته‌ای را

پیش آمده است. ما کارخانجاتی داریم با ماشین آلات پیشرفته و مدرن و کارخانجاتی داریم قدیمی با چهل یا پنجاه سال قدمت که با تعداد زیادی کارگر، ماشین آلات فرسوده و قدیمی دارد. متأسفانه در این کارخانه‌های قدیمی طرح توسعه انجام نشده است بنابراین این نوع کارخانه‌ها نسبت به کارخانه‌های جدید با مشکلات شدیدتری روبه‌رو هستند. از این رو محصولات این کارخانه‌ها در حالت رقابت - چه با محصولات کارخانه‌های جدید و چه با محصولات تولید شده در دنیا - برابر نیست. وجود چنین مشکلاتی است که بحران را شدیدتر کرده است.

- در کشورمان چند واحد صنعت نساجی داریم؟
- در حال حاضر ۵۶۰۰ واحد صنعت نساجی داریم که از ما پروانه‌ی صنعتی دارند. این‌ها کارخانه‌های صنعتی تحت پوشش وزارت صنایع هستند. کارخانجات صنفی هم داریم که از وزارت بازرگانی پروانه‌ی صنفی دارند. کارخانجات بزرگ تحت پوشش وزارت صنایع هستند بعضی از کارخانجات کوچک‌تر در رابطه با واحدهای تولید کننده‌ی پوشاک صنفی هستند که اگر بخواهیم آن‌ها را هم اضافه کنیم خیلی وسیع‌تر و بیش‌تر می‌شود.

- مسئله‌ی کارخانه چیت ری زمانی به بحران چیت ری شهرت یافت. وضعیت این کارخانه چرا به بحران کشیده شد؟

طریق همین اداره‌ی کل تقسیم شده است. حال بگذریم از این که ما در این دو ساله ارز یارانه‌ای به صنعت نساجی نداده‌ایم ولی اگر خدماتی هم باید داده شود، از طریق همین اداره‌ی کل داده می‌شود و ما به طور یکسان در این باره عمل می‌کنیم و هیچ تفاوتی بین واحدهای تحت پوشش و خصوصی نداریم.

سیاست‌گذاری و خدمات شما در صنعت نساجی شامل چه مواردی می‌شود؟

ما در رابطه با صنعت نساجی سیاست‌گذاری می‌کنیم مثلاً در این مورد که لازم است چه سرمایه‌گذاری‌هایی در صنعت نساجی صورت گیرد و از طریق همین اداره‌ی کل، مشاوره‌ها داده می‌شود. یا پیشنهادهای می‌دهیم که صنعت نساجی چه گونه باید باشد، به کجا رود و برنامه‌ریزی‌ها چه طور تنظیم شود. از طریق اداره‌ی کل همه‌ی این‌ها صورت می‌گیرد. البته این‌ها خدمات جنبی‌ست. چون وظایف وزارت صنایع را سیاست‌گذاری‌های طولانی مدت می‌دانم. در سال‌های قبل حتا تا دو سال پیش هم ارز یارانه‌ای در صنایع توزیع می‌شد یا اگر مواد داخلی پتروشیمی کم بود توزیعش از طرف وزارت صنایع صورت می‌گرفته، که من این‌ها را کار اصلی وزارت صنایع نمی‌دانم. من این کارها را جنبی می‌بینم. آن چیزی که باید وزارت صنایع انجام دهد راهبری صنعت نساجی است یعنی یک سیاست‌گذاری کلی باید مبنا باشد و کارخانجات در واقع باید به عنوان مشاور روی وزارت صنایع حساب کنند.

نقش زنان در بخش شما چگونه است؟

البته ما کارخانجات بزرگی مثل چیت‌تری و بافکار و... داریم ولی مدیریت زنان در سطوحی مثل مدیر عامل نیست. البته شرکت‌هایی در بعد کوچک تر چله‌زنان در شرکت‌های کوچک سمت‌های مدیریت دارند. بعد از مدیر عامل، زنان بسیاری مدیریت بازرگانی را بر عهده دارند. در همین شرکت‌های کوچک که زنی متصدی امور است، فکر نکنید که کارش کم‌تر از مردانی است که شرکت‌های بزرگ را اداره می‌کنند. در بررسی عملکردی، زنانی را داریم که در بخش صادرات که بسیار مهم است، بسیار فعال هستند. در بخش کارگری نساجی هم متفاوت است. در ۹۰ درصد کارخانجات نساجی زنان حضور غیرمدیریتی دارند. در بعضی شهرستان‌ها - مثل کرمان که من یکی دو مورد کارخانه دیدم - عمده کارگرها از بین خانم‌ها انتخاب شده بودند. در هر حال در صنایع نساجی با توجه به شرایط کاری، زنان حضور دارند و حضورشان هم مؤثر است البته در جنبه‌ی مدیریت کم‌تر.

عدم رعایت مسائل بهداشتی در کارخانه‌های نساجی و بیماری حاصله از کار کردن در کارخانجاتی که با پنبه و... در ارتباط است، خصوصاً در مورد زنان به دلیل فرزند داری و مسئولیت مادری نگران‌کننده است نظارت شما شامل این بخش نیز می‌شود؟

● رسیدن زنان به آن پست‌هایی که استحقاق واقعی‌اش را دارند مدت زمانی طول خواهد کشید و باید زمینه‌هایی برایش ایجاد شود.

● در ۹۰ درصد کارخانجات نساجی، زنان حضور غیر مدیریتی دارند.

● زنان باید در خودشان این خودباوری را به وجود بیاورند که می‌توانند نقش بیش‌تری داشته باشند.

ما در صنعت نساجی، در قسمت حلاجی و پنبه مشکل داریم. البته در کارخانجات اغلب مردان در این قسمت‌ها کار می‌کنند اما در قسمت ریسندگی زنان فعالیت دارند. یک سری بهداشت کلی رعایت می‌شود، نظارت هم می‌شود مثلاً در بخشی باید کارگران ماسک بزنند یا در قسمتی که بافتندگی است به جهت صدای حاصله باید کارگران از گوشی استفاده کنند. البته من تفاوتی ندیده‌ام که مثلاً زنی از این نظر متأثرتر باشد. اگر باید رعایتی بشود به مدیریت کارخانه حتماً تذکر داده می‌شود.

نقش زنان را در وزارت صنایع چه گونه می‌بینید؟ آیا راه احراز پست مدیریت برای زنان مهیاست؟

قبلاً گفتم که باید از مسئول وزارتخانه که وزیر صنایع است سؤال کنید. من فکر نمی‌کنم که مانعی برای ترقی زنان در وزارت صنایع باشد. ما تعداد زیادی از زنان را در سطح رییس اداره داریم. یکی از زنان اخیراً به عنوان معاون مدیر کل انتخاب شده است. دوزن در حد معاون مدیر کل داریم. در بطنه‌ی کارشناسی عرض کردم که زنان زیادی در بخش کارشناسی هستند. آمارش را می‌توانید از اداره‌ی کل امور اداری بگیرید. خانم‌های کارشناس در سطح وزارتخانه بسیار فعال هستند. به نظر نمی‌آید که مانعی برای ترقی زنان وجود داشته باشد. ولی در هر حال رسیدن زنان به آن پست‌هایی که استحقاق واقعی‌اش را دارند مدت زمانی طول خواهد کشید و باید زمینه‌هایی برایش ایجاد شود. نقش خود

زنان بسیار مهم است زیرا زمینه‌هایی که خود زنان برای خودشان فراهم می‌کنند به مراتب تأثیر کم‌تر از تأثیر زمینه‌های دیگر نیست.

شما آموزش را در ارتقای سطح مدیران زن تا چه حدی ضروری می‌بینید.

در واقع می‌شود گفت تجربه‌های مدیریت زنان در کشور ما مقداری محدودتر است. آموزش مدیریت در سطح ارتقای شغلی زنان بسیار مهم است البته آموزش در ارتقای سطح مدیریت مردان هم نقش دارد. مطلع هستید که اخیراً به آموزش مدیران توجه زیادی می‌شود و حتا در برخی سطوح مدیریت برای گرفتن گروه و پایه مدیران موظفند آموزش ببینند. وزارت صنایع هم به طور مستقل خودش مرکز آموزش دارد. ضمناً طی کردن بعضی از مراحل آموزش برای مدیران اجباری‌ست و از طرف سازمان امور اداری و استخدامی و در مرکز آموزش مدیریت دولتی انجام می‌گیرد. این آموزش‌ها در ارتقای سطح مدیریت فارغ از این که زن یا مرد باشد، بسیار مؤثر است. حال با توجه به این که زمینه‌های تجربی زنان در مدیریت محدود است. به نظر می‌رسد این آموزش‌ها در ارتقای شغلی زنان تأثیر بیش‌تری داشته باشد. مطلع هستید که در سطح مدیریت، تجاری که انسان کسب می‌کند مقداری با زمینه‌ی کارشناسی متفاوت است. زمینه‌ی عملکردی هم متفاوت است. به نظرم می‌آید که کارشناسی مرحله‌ی بهتر و شاید جالب‌تری هم باشد. شما در زمینه‌ی مدیریت یک سری مسائل و ملاحظاتی دارید که در زمینه‌ی کارشناسی ندارید. در زمینه‌ی مدیریت شما باید هماهنگ کننده باشید ولی در



زمینه دوزنگی و پوشاک. بارها از طرف مقامات بالاتر مثلاً مهندس شافعی اعلام کرده‌اند که زنان می‌توانند حتی در خانه به صورت تهیه پوشاک همکاری داشته باشند. از طریق شرکت تعاونی مقداری از این تولیدها را زنان می‌توانند انجام دهند. ما داریم اقدام‌هایی را انجام می‌دهیم ولی این که خودمان تعاونی تشکیل بدهیم نه، چون جزو شرح وظایف ما نیست ولی از چنین سیاست‌هایی حمایت می‌کنیم. البته نه از بابت نگاه به اشتغال زنان، چون ما نمی‌توانیم این نگاه را داشته باشیم. از این بابت که رشد و ترقی صنعت پوشاک را به همراه داشته باشد.

- آیا دانشکده‌های مربوط به آموزش نساجی محدود است؟

- به غیر از پلی تکنیک اکنون دانشگاه اصفهان را داریم و دانشگاه آزاد را.

- از این رشته استقبال شده است؟

- نسبت به سابق بیش تر شناخته شده و استقبال نیز بیش تر بوده است.

- انتخاب مدیران کم صلاحیت مرد، مسئله‌های عادی و معمولی‌ست ولی در مورد زنان انتظار این است که توانایی و قدرت زن بالا باشد، ریشه‌ی این دیدگاه در چیست؟

- من اصولاً از این که پستی را برای زنان خالی کنند، اصلاً موافق نیستم. من معتقدم ما باید شرایط اجتماعیمان به گونه‌ای فراهم باشد که در واقع افراد شایسته را به مدیریت برگزینیم. پست مدیریت به یک زن یا مرد دادن به صرف این که زن یا مرد است به موقعیت اجتماعی آن فرد صدمه می‌زند. باید شرایط به گونه‌ای فراهم شود تا افرادی که توانایی دارند در شغل‌های خاص قرار بگیرند و با سعی و تلاش زمینه برای مراحل بعدی فراهم شود.

- در شرایط برابری زن و مرد، انتخاب چه خواهد شد؟

- من منظورم این است که به صرف زن بودن پستی را برای زنی خالی نکنیم. حالا بیاییم پنج مدیر زن انتخاب کنیم تا یک دید جهانی داشته باشیم؟ من این را به هیچ عنوان نمی‌پسندم و به جایی هم نخواهیم رسید. نتیجه‌ای برای ما ندارد. به نظر من زنان ما توانسته‌اند در حد توان و لیاقتشان پست‌های مطلوب را به دست آورند. حالا ممکن است در بعضی زمینه‌ها هم خیلی حششان رعایت نشده باشد. من فکر می‌کنم در کشورهای دیگر هم چنین باشد. آنجا هم تعداد زنان مدیر با مردان برابر نیست. اگر آمارگیری هم بکنیم چنین تفاوت‌هایی را در آنجا می‌بینیم.

- موفق باشید.

پانویس:

* مناسبانه آمار تفکیک مدیران و کارگران زن در بخش صنعت نساجی موجود نبود تا برای اطلاع خوانندگان به چاپ برسد.

اجتماعی کار خیلی مشکل تر است.

- به نظر شما الان این زمینه فراهم است؟

- بله، به نظر می‌آید که فراهم شده است. در حال حاضر مقداری سهل تر شده است.

- روش پیشنهادی شما برای افزایش مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها چیست؟

- زنان باید در خودشان این خودباوری را به وجود بیاورند که می‌توانند نقش بیش‌تری داشته باشند. جامعه‌ی ما جامعه‌ای سنتی است و به خانواده بسیار اهمیت داده می‌شود. ما همان گونه که می‌خواستیم در خانواده پدر و مادر وقت بیش‌تری را برای ما صرف کنند، به همان نسبت هم ما باید برای بچه‌هایمان وقت بگذاریم. به نظر من فراهم شدن زمینه‌ی افزایش مشارکت زنان، باید با دید سنتی ما در جامعه هماهنگ باشد. افراط و تفریط به پیشرفت زنان نه تنها کمک نخواهد کرد بلکه باعث می‌شود سدی در مقابل آنان قرار گیرد. زمینه‌ها باید طوری فراهم شود که با دیدهای سنتی ما در رابطه با ارزش‌هایمان برخوردی نداشته باشد. من فکر می‌کنم زنانی که هم عهده‌دار مسائل خانه هستند و هم در جامعه کار می‌کنند وظیفه‌ای دو برابر بر عهده دارند که بسیار قابل احترام است. من برای این زنان احترام زیادی قائلم. این زنان سنگینی مضاعفی را بر دوش دارند.

- در قسمت شما آموزش برای زنان وجود دارد؟

- ما در صنعت نساجی به آن صورت که زنان را جدا از مردان ببینیم، آموزش ویژه‌ی زنان نداریم. صنعت نساجی صنعت بزرگی است که به طور سنتی و کوچک اداره نمی‌شود ولی زمینه‌های مشارکت زنان در بسیاری از رشته‌های آن فراهم است. به خصوص در

زمینه‌ی کارشناسی شما عقیده‌ی خودتان را ابراز می‌کنید. با توجه به تجاربی که در مدیریت نیاز است آموزش در زمینه‌ی ارتقای شغلی زنان بسیار مؤثر است.

- از سفرهای داخلی و خارجی حرفه‌تان بگویید؟

- در تمام ماموریت‌های داخل کشور هیچ محدودیتی ندارم، نه از طرف صنایع نه از طرف خودم. در ماموریت‌های خارج از تهران گاه در خدمت آقای وزیر و آقایان معاونین به شهرستان می‌روم. این یک امر عادی است که یکی از مدیر کل‌ها که زن است همراه هیأت باشد.

- سفرهای خارج از کشور چه طور؟

- اخیراً در سفری که آقای مهندس شافعی وزیر صنایع به یونان داشتند، من و یکی از زنان کارشناس امور بین‌الملل همراه ایشان بودیم.

- نظر همکاران مرد در مورد شما چیست؟

- الحمدلله مشکلی ندارم. من هیچ مشکلی با همکارانم نداشتم. ۱۶ سال است که با این همکاران سابقه‌ی کاری دارم و در واقع شخص جدیدی برای آن‌ها نبوده‌ام. فقط اتاق عوض شده است. از اتاق روبه روبه این طرف آمده‌ام. همکاری ما کامل و با تقاضا است.

- گفته می‌شود اعتماد به نفس و صلاحیت فردی، زنان را قادر می‌سازد تا در فعالیت‌های خود موفق شوند، مورد دیگری را سراغ دارید که اضافه کنید تا این نظریه کامل شود.

- به نظر من باید زمینه‌های اجتماعی هم مهیا باشد. بدون فراهم بودن زمینه‌های اجتماعی مشکل است. نه این که نشود. ولی بدون فراهم شدن زمینه‌های



زنان کارفرما:

بازیگران جدید

در صحنه‌ی

اقتصادی

کشورهای غرب

مرجان سعیدی

ترک کردن روستا و رفتن به شهر برای راه‌اندازی شرکت و یافتن ثروت بیش‌تر نمی‌توانست خبر مهم و جدیدی باشد اگر بازیگر اصلی این جریان زن و آن هم زنی مراکشی نبود. اسم او **إل هاشمی** است، او نمونه‌ای برای زنان کارفرما شده است.

در کشورهای صنعتی عضو OECD^۲ شاید بالا رفتن شمار زنان کارفرما بدین حد تعجب‌آور نباشد ولی بی‌دریغ می‌توان گفت آسان‌تر نیست. البته در کشورهای صنعتی زنان به جای ترک روستا و محل زندگی خود بیش‌تر در صددند شرایط زندگی خود را در همان جایی که زندگی می‌کنند، بهبود بخشند. چون تصور به‌تر و کامل‌تری از محیط خود و شرایط آن دارند. به هر حال به طور کلی نمونه‌ی ال هاشمی و زانی چون او نشانه‌ی جالبی از تغییر اوضاع و احوال جوامع و ورود به عصری نو است.

رکود اقتصادی اخیر کشورهای غربی دیگر به صورت چرخه‌ای نیست: بدین صورت که بعد از مدتی نتایج حاصل شده از رکود رفته‌رفته محو شود و دوره‌ی دیگری از شکوفایی اقتصادی رخ نماید. بازار کار و توسعه که در دوره‌ی بحران اقتصادی تنزل پیدا کرده بود، دوباره به حالت قبل از رکود اقتصادی باز نخواهد گشت. تغییرات اخیر که در بازار کار و در الگوی رفتاری مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران به‌وجود آمده تغییراتی زیر بنایی هستند. امروز یکی از فعال‌ترین بازیگران اقتصادی شرکت‌های کوچک و متوسط هستند که قادرند نیازهای گوناگون مصرف‌کنندگان را در جامعه‌ای تحت تأثیر مدام فن‌آوری‌های جدید و اطلاعات فزاینده ارضا کنند. از نظر بازار کار نیز هیچ‌گاه به حالت قبل از بحران بر نخواهند گشت. شغل‌هایی که در طول مدت رکود اقتصادی از بین رفتند، بعد از گذشتن از این بحران دوباره پدیدار نخواهند شد و در عین حال زنان نیز نه تنها قبول نخواهند کرد نیرویی زیر سطح مزد همکاران مرد خود داشته باشند بلکه از کارهای بدون مسئولیت و بدون امکان ترقی نیز روی خواهند گرداند.

بدین ترتیب راه به روی دیدگاه‌های نو، شرکت‌های تازه تأسیس و کارفرمایان نوآور باز شده و نشانه‌هایی نیز موجود است که خبر از این تحول کاری می‌دهند.

رکود اقتصادی غرب و بحران بی‌کاری که به دنبال آن به‌وجود آمد منجر به بالا رفتن درصد احداث واحدهای کوچک تولیدی و خدماتی شد و در این میان بازیگران جدیدی وارد صحنه‌ی اقتصادی شدند و آن زن‌ها بودند. در سال‌های اخیر در کشورهای غربی درصد مهمی از واحدهای کوچک تولیدی و خدماتی توسط زنان تشکیل شده‌اند.

در حدود ۲۰ سال پیش، در کشورهای غربی، زن

بنیانگذار و کارفرما بسیار محدود بود. امروز از نظر اجتماعی و اقتصادی، این گروه پدیده‌ی مهمی را تشکیل می‌دهند. در حال حاضر در کشورهای عضو OECD ۱۰ تا ۱۲ درصد از استخدام‌ها توسط زنان کارفرما انجام می‌گیرد. در سال ۱۹۹۲، ۱۰ درصد از شرکت‌های شمال آفریقا، ۲۲ درصد از شرکت‌های آمریکا و کانادا و ۴۰ درصد از شرکت‌های آلمان، توسط زنان پایه‌گذاری شده بودند. درصد کارفرمایان و بنیانگذاران زن در اسپانیا ۱۶ درصد، در یونان ۱۷ درصد، در آلمان، ایتالیا و انگلستان ۲۲ تا ۲۵ درصد، در ژاپن، کانادا و آمریکا ۳۴ تا ۳۹ درصد است.

دلیل این تغییر نقش چیست؟

شاید بتوان گفت وظایف خانوادگی محول شده به زنان، از جمله بچه‌داری و رسیدگی به امور خانه، به زنان یاد داده که چه‌طور از کوچک‌ترین موقعیت‌های خود بهترین بازده را به دست آورند. وقتی از زنان بنیانگذار شرکت‌ها پرسیده می‌شود که چه‌طور به فکر احداث واحد تولیدی - خدماتی خود افتادند؟ بیش‌تر پاسخ‌ها بر نیاز به داشتن سهم بیش‌تر در بازار کاری و اجتماعی - اجتماعی و به‌دست آوردن استقلال مالی و اجتماعی تأکید دارند. زنانی که به دنبال درآمد بیش‌تر هستند، بعد از مدت‌ها به دنبال کارگشتن بالاخره به فکر احداث واحد تولیدی - خدماتی خود می‌افتند.

کریستینا واسکونسلوس که در شهر لیسبون

در پرتغال زندگی می‌کند، چند سال پیش به این فکر افتاد که بچه‌های شهرنشین هیچ تصویری از زندگی روستایی ندارند و زندگی‌شان در محیط شهر طی می‌شود. او و یکی از دوستانش به فکر تأسیس آژانس مسافرتی افتادند که مخصوص ترتیب دادن سفر برای کودکان و نوجوانان به روستاها باشد.

نوآوری از احتیاج شکل می‌گیرد و زمانی که فکری نو با تقاضای زیادی روبرو می‌شود می‌شود گفت که این نوآوری کارآیی داشته و موقعیت کاری خوبی را فراهم کرده است.

فونتینی پایا دوپولو و پنه‌لوپ

کنستاندونی دو مهندس شیمی در یونان هستند.

این دو خانم مهندس، که از کم بودن سطح حقوقشان در مقایسه با حقوق مردان هم‌رتبه‌های خود ناراضی بودند به فکر تأسیس شرکت افتادند. چون مزرعه‌داران کوچک و متوسط نمی‌توانستند شخصاً در رأس آخرین اخبار علمی و پیشرفت‌های فن‌آوری قرار بگیرند و به‌خاطر محدود بودن درآمدشان دسترسی به آزمایشگاه‌ها و دفترهای مشاوره‌ای بر ایشان سخت بود. شرکت این دو خانم مهندس با فراهم آوردن آخرین تحقیق‌های علمی، درباره‌ی انتخاب درست بذر و کود و نقش آن در بالا بردن سطح محصول‌ها، خدمت بزرگی برای کشاورزان کوچک و متوسط بود.

بخشی دیگر از آنان، فکرم و هدف معینی دارند و

طراحی و دکوراسیون داخلی
منزل خود را به ما بسپارید .

گالری والا

نمایندگی فروش محصولات
پاداجوب

پاداجوب

نقشه تلفن و آدرس

بیش تر شرکت‌های تازه تأسیس، از پول پس انداز افراد تشکیل می‌شود.

در برخی از کشورها انجمن‌ها و مؤسساتی به وجود آمده‌اند تا به زنان در مورد امور مالی، پرداخت وام، تشکیل پرونده‌ی تقاضای وام و غیره کمک کنند.

در فرانسه صندوق دولتی به نام ضمانت برای تأسیس، بازگشایی و توسعه‌ی شرکت‌ها توسط زنان، به زنان در به‌راه انداختن شرکت‌های خود کمک مالی می‌کند. انجمن دیگری به نام راسین در سال ۱۹۸۹ به وجود آمده که همانند توبین‌های آفریقایی کار می‌کند. بدین صورت که زنان عضو این انجمن، هر یک در طول سال مقداری پول به عنوان پس‌انداز، در صندوق انجمن می‌گذارند. هر کس به نوبت خود می‌تواند با ارائه طرح کاری از پول‌های صندوق استفاده کند. این مقدار هرچند اندک می‌تواند به افراد عضو انجمن در به‌راه انداختن شرکت و واحد تولیدی - خدماتی کمک بزرگی ارائه دهد.

در سال ۱۹۷۹ در نیویورک مؤسسه‌ی مالی غیرانتفاعی به نام بانک جهانی زنان به وجود آمد تا به زنانی که درصد تأسیس شرکت بودند، کمک کند. هدف این بانک که دارای ۵۰ شعبه در ۴۰ کشور مختلف دنیاست، توانمند کردن زنان برای راه‌گشودن به جهان مالی، اطلاعات و بازارهای گوناگون است.

در مجموع می‌توان گفت مشکل‌هایی که برای تأسیس هر شرکت وجود دارد، وقتی پای زنان به میدان کشیده می‌شود بیش‌تر و خاص‌تر می‌شوند و در رأس آن، مشکل دسترسی به منابع پولی و سرمایه قرار دارد. زنان باید آگاه باشند که در مسیر به‌راه انداختن شرکتشان با مشکل‌های مختلفی روبرو خواهند بود ولی با دانستن این مسئله اگر با اطمینان به خود، با عزمی راسخ و با پشتکار و جسارت پیش روند، به هدفشان خواهند رسید. □

توضیح:

۱- زال هاشمی به عنوان زنی که جرأت کرده برای ایجاد کسب و کاری روستا را ترک کند در شهر برود شهرت پیدا کرده است. در کشوری که ۶۷ درصد از زنان بی‌سواد هستند و از هر هشت دختر فقط یکی به دبیرستان می‌رود این قدم، حتا اگر کاملاً ملموس نباشد، مهم جلوه می‌کند. مثال دیگر درباره‌ی مراکش راه یابی زنان به شغل پلیسی است. در ابتدا مقامات خواستند امتحانی ده زن پلیس استخدام کنند، بعد از آموزش و موفقیت این ده نفر، ۱۰۰ زن پلیس دیگر استخدام شدند. بعد از بخش اعلامیه، ۴۰۰۰۰ فرم استخدامی به اداره‌ی پلیس رسید. این مثال نیز نشان دهنده‌ی خواست زنان برای راه‌یابی به مشاغل است که تا دیروز منحصر به مردان بوده است.

OECD ORGANISATION FOR
ECONOMIC COOPERATION AND
DEVELOPMENT

می‌خواهند به هر ترتیب شده به آن دست یابند.

میشل لوکونت همسر ماهیگیری در شهر نورماندی در فرانسه، مؤسس شبکه‌ی اطلاعاتی است. این شبکه‌ی اطلاعاتی در خدمت تمام ماهیگیران و همسران آن‌ها قرار دارد. و اطلاعات جالب و مفیدی درباره‌ی صنعت ماهیگیری و آینده‌ی این حرفه در اختیار مراجعان می‌گذارد. هم اکنون خانم لوکونت همکاری خود را با کشورهای اروپایی دیگر نظیر پرتغال، یونان، دانمارک و اسکاتلند گسترش داده و روزنامه‌های نیز منتشر می‌کند. این روزنامه که **صدای زنان از اروپا** نام دارد، در صدد است همکاری زنان را با یکدیگر در سطح کشوری و در سطح بین‌المللی پابرجاتر کرده، استحکام آن را بیش‌تر سازد. در ضمن این که او با تشکیل کلاس‌های متعدد آموزشی، در زمینه‌های مورد نیاز روز و در زمینه‌ی فروش و بازاریابی، زنان را تشویق به فعالیت بیش‌تر می‌کند. در سال ۱۹۹۳ این زنان به عنوان زن نمونه اروپا انتخاب شدند. با نگاه کردن به این نمونه‌ها و نمونه‌های دیگر می‌توان به نیروی نوآوری زنان پی برد.

زنان، برای تأسیس شرکت‌های خود از یک محاسبه‌ی ریاضی که «چه قدر سرمایه لازم است؟» و «چه قدر درآمد خواهم داشت؟» شروع نمی‌کنند. بلکه بعد از مشاهده‌ی وضعیت اطراف خود، طرحی می‌کشند. که این طرح از نیاز و احتیاجی ریشه می‌گیرد که به نظر آنان هنوز بی‌جواب مانده و بخش مهمی از جامعه را در بر خواهد گرفت. با در نظر گرفتن این نیاز اجتماعی، زنان بازارهای جدیدی به وجود می‌آورند که تا قبل از آن نبوده و البته هر بازار نیاز خاص خود را داراست.

در ضمن، زنان بیش‌تر مایلند از طریق شراکت وارد عمل شوند. در تمام نمونه‌های بالا و نمونه‌های بسیار دیگر، شراکت نقش مهمی دارد چرا که به نظر انسان با تشکیل گروه می‌توانند قدرت و مقاومت بیش‌تری در برابر مشکلات مختلفی که بر سر راهشان قرار گرفته، نشان دهند. البته عزم راسخ و پشتکار داشتن و ایستادگی در برابر مشکلات اداری و مالی نیز لازمه‌ی فعالیت‌هایی است که با نوآوری در ارتباط هستند و مشکلات کم نخواهند بود.

برای تازه واردان به صحنه‌ی اقتصادی مشکل اساسی نداشتن اعتماد به خود است.

فقدان اعتبار اقتصادی، دسترسی ناقص به منابع اطلاعاتی و همچنین منابع پولی و سرمایه و تجربه‌ی ناکافی در اداره‌ی امور مالی از دیگر مشکلاتی هستند که باید زنان با آن‌ها روبرو شوند.

مشکل دسترسی به منابع پولی و سرمایه، یکی از دلایلی است که گاه زنان را از تأسیس شرکت‌های خود باز می‌دارد. برای مقابله با این مشکل‌ها، سرمایه‌ی

شغلی دشوار با سدی

برگردان: پرویز یوسفی



نشانی که هر بخش آن نزدیک به ۲۳ کیلو وزن دارد، حمل بسته‌های شیلنگ بر روی شانه و کارهایی از این قبیل. شخص باید تحمل این کارها را، از ابتدا تا انتها داشته باشد.

- همان آزمایش‌هایی که از مردان گرفته می‌شود از شما هم گرفته می‌شود؟

- بله. آن‌ها استانداردها را برای زنان تغییر نمی‌دهند و من نیز این را نمی‌خواهم. آتش‌نشان باید توان قدرت نجات دیگری و خودش را داشته باشد. علاوه بر این، همیشه مردانی هستند که زنان را در این شغل تحمل نمی‌کنند زیرا معتقدند زنان از قدرت کافی برخوردار نیستند. اگر استانداردها را برای زنان پایین بیاورند، به هیچ وجه ما نخواهیم توانست دوش به دوش مردان کار کنیم.

- آیا فکر می‌کردید این مسئله یعنی هم دوش مردان کار کردن برایتان مشکل باشد؟

- زمانی که وارد آموزش‌شده شدم در واقع پای خود را در کفش مردان کرده بودم پس با خودم گفتم: «خوب این‌جا باشگاه پسران است و من به حریم آنان تجاوز کرده‌ام، بنابراین باید تمام سعی خودم را بکنم و اگر موفق بشوم می‌مانم، در غیر این صورت اینجا را ترک خواهم کرد.» این رویه را پیش گرفتم موفق هم شدم و می‌شنیدم که می‌گفتند: «او سخت کوش است و می‌تواند بار خود را به دوش کشد.»

- هرگز همکاران مرد، شما را مورد آزمایش قرار می‌دهند؟

- هر زمان که به ایستگاه جدیدی منتقل می‌شدم، این اتفاق می‌افتاد. هر ماه، ایستگاه‌های آتش‌نشانی برای حفظ آمادگی پرسنل خود اقدام به برگزاری یکسری تمرین‌ها و آزمایش‌های مخصوص آبی و خشکی و طرز کار با ابزار مختلف می‌کنند.

من هر وقت وارد ایستگاهی می‌شدم حجم تمرین‌ها افزایش می‌یافت. این کار به‌خاطر این بود که توان و قدرت و میزان آمادگی مرا امتحان کنند. اما من ابتدا از این امتحان ناراحت نمی‌شوم. زیرا اگر مردم با دیدن توانایی‌های من احساس راحتی بیش‌تری می‌کنند پس من هم به استقبال این امتحان‌ها می‌روم. البته تا جایی که به سلامتی من صدمه نزند.

- با توجه به این که همسر شما - لسلی - دانشجوی دکتری در رشته اقتصاد است آیا این عجیب نیست که کار شما کاری بدنی باشد؟

- به نظر دیگران، ما یک زوج عجیب هستیم. من با آتش مبارزه می‌کنم و او روشنفکر است. به هر حال شوهرم همیشه حامی و پشتوانه‌ی من بوده هنگامی که

سانتی متر قد دارد و مجبور شده وزن خود را حدود ۱۱/۵ کیلو افزایش دهد تا به حد مطلوب برای آتش‌نشانی یعنی ۵۹ کیلوگرم برسد.

اما ظواهر فریبنده هستند. او که سنین ۳۰ سالگی را سپری می‌کند، ۱۰ سال است که به این اشتغال دارد و پنج سال از این مدت را در منطقه پرتیبه‌کار جنوب مرکزی لوس آنجلس کار کرده. او قادر است ماشین‌های آتش‌نشانی و خودروهای کمک‌رسانی به مصدومین را براند، از دیوارها عبور کند و جان افراد در خطر را نجات دهد. تا پیش از جراحی اخیر شانه‌اش به زحمت می‌توانست وزن خود را به ۵۹ کیلوگرم برساند. خبرنگار ما او را در مرکز ۵۸ در یکی از محله‌های شهر لوس آنجلس پیدا کرد. در طی این مصاحبه‌ی سه‌ساعته او دوبار برای موقعیت‌های اضطراری پزشکی احضار شد.

- چرا تصمیم گرفتید از مانکنی به مأمور آتش‌نشانی، تغییر شغل بدهید؟

- من از مردی مانکن در مورد کار و نحوه‌ی اصرار معاشش پرسیدم. او گفت که آتش‌نشان است و باید در ماه ۱۰ روز کار بکند. (حقوق اولیه‌ی آتش‌نشان‌ها در لوس آنجلس ۲۲۷۷ دلار در ماه است.) در آن لحظه، دوست داشتم بدانم چه‌طور می‌شود چنین کاری را انجام داد. وزن من تنها در حدود ۴۸ کیلوگرم بود. او گفت: «تو نمی‌توانی. برای این که وزن بیش‌تر وسایل از تو سنگین‌تر است.» حرف او خیلی به من برخورد و همان موقع تصمیم گرفتم تلاش خودم را بکنم. در دوران مدرسه زیاد ورزش می‌کردم، می‌دویدم، در مسابقه‌های المپیک مدرسه، در رشته‌های دو صد یارد و دو ۴۴۰ یارد امدادی شرکت داشتم. جف‌هام کوچک بود اما قدرت زیادی داشتم. بنابراین به چند ایستگاه آتش‌نشانی مراجعه کردم و سوال‌های زیادی پرسیدم. بعد از آن تصمیم گرفتم خودم را امتحان بکنم. هر بار که مأموران آتش‌نشانی عازم مأموریت می‌شدند من نیز همراه آنان می‌رفتم و آنجا بود که متوجه شدم این کاری است که واقعا به آن علاقه‌مندم.

- از مجموع آتش‌نشان‌های کشور تنها ۱/۸ درصد زن هستند. فکر می‌کنید علت این امر چیست؟

- این کار، کار سختی است. شخص باید ذهن و بدن ورزیده‌ای داشته باشد. در این شغل قسمت فوقانی بدن باید دارای قدرت زیادی باشد که ما زنان فاقد آن هستیم. آزمایش‌های زیادی در مورد استقامت بدنی از فرد گرفته می‌شود. که شامل هفت مرحله است. بلند کردن نردبان و بالا رفتن از آن، کشیدن شلنگ آتش

بیلی پرستار است و سوزی آتش‌نشان. فاصله‌ی افسانه تا واقعیت بسیار است. از ۲۴۰۰ آتش‌نشان مشغول به کار در سازمان آتش‌نشانی در لوس آنجلس آمریکا، ۱۳ نفر زن هستند که سه نفر از آن‌ها کاپیتان، دو نفر مهندس و هشت نفر آتش‌نشانند. و فقط دو نفر غیر آمریکایی هستند.

خانم ورونی استیل اسمال دو رگه‌ای از نژاد آمریکایی و آفریقایی است که به عنوان مددیار پزشکی و آتش‌نشان در آتش‌نشانی لوس آنجلس کار می‌کند. از نظر فاصله و تفاوت‌های جنسی و فیزیکی با مردان دچار مشکلی نیست. او می‌گوید: «کارم از نظر بدنی دشوار و سخت است.»

فن‌آوری ممکن است توانسته باشد جای بسیاری از کارهای توان‌فرسا را پر کند، اما برای نیروی عضلانی مورد نیاز برای کشیدن شلنگ آتش‌نشانی با چند صد پوند وزن، برای بلند کردن سریع نردبان، بیرون کشیدن افراد بی‌هوش از میان لاشه‌ی خودروها و یا آماده باش ماندن به مدت ۲۴ ساعت در پنج نوبت متوالی، جایگزینی نیافته است.

در ابتدا به نظر نمی‌رسد که خانم استیل اسمال برای این کار ساخته شده باشد. او سابقاً مانکن (مدل) بوده و در رشته‌ی علوم انسانی و فیزیک درمانی تحصیل کرده است. خانم استیل گیسوهای بلند و بافته، روز برب و لاک بنفش بر ناخن دارد و فقط ۱۶۵

به نام دنیای مردانه



زندگی برای همه‌ی ما پر از فراز و نشیب است. گاهی که دلمان از غصه‌ها می‌گیرد و سختی‌ها محاصره‌مان می‌کنند... با خود می‌گوییم کاش جایی و کسی بود که حرف‌هایمان را می‌شنید، به پای واگه‌ویه‌ها و درد دل‌هایمان می‌نشست و با راهنمایی‌هایش در طی این مسیر پر از فراز و نشیب یاریمان می‌کرد.

ما آماده‌ایم توانمان را به کار گیریم تا شنونده‌ای مهربان و صمیمی و راهنمایی امین برایتان باشیم.

سئوالات خود را درباره‌ی مسائل حقوقی برایمان بفرستید.

کارشناسان ما نیز روزهای یکشنبه هر هفته شنونده حرف‌ها، مسایل و مشکلات شما هستند.

ضمناً مشاوره‌های حقوقی در دفتر مجله‌ی حقوق زنان برای خوانندگان مجله به طرز رایگان ارائه می‌شود.

● قبل از مراجعه با تلفن: ۶۴۳۷۹۶۴
نمبر: ۶۴۳۴۲۶۰ تماس بگیرید.

کرد. ما حداقل چهار روز پشت سر هم تعطیلی داریم. ولی من عاشق کارم هستم بنابراین حتماً از عهده انجام این کار نیز بر خواهم آمد.

- مشکل‌ترین قسمت کار شما چیست؟

- بلند کردن بعضی از وسایل سنگین، کار واقعاً سختی است. و وقتی مردان برای کمک به طرف می‌آیند، به این فکر می‌کنم که آیا آن‌ها به دلیل زن بودن به من کمک می‌کنند و یا به دلیل همکار بودن؟ من همیشه با این فکر کلنجار می‌روم.

- کارتان بر روی شخصیت شما چه تأثیری گذاشته؟

- این کار سبب رشد شخصیت من شده است. حالا برای زندگی احترام بیش‌تری قائل هستم. ضمناً از ماهیت زنانگی خود نیز محافظت می‌کنم. من در درجه‌ی اول یک زن بعد یک آتش‌نشان هستم. من می‌خواهم در محیط کارم و منزلم مثل هم باشم. نمی‌خواهم دایماً ماسک (نقاب) خود را تغییر دهم و در این جا این طور باشم و در آن جا طوری دیگر. من فقط می‌خواهم به خودم ثابت کنم که می‌توانم یک حرفه‌ای و در عین حال خودم باشم.

- به نظر می‌رسد که نترس باشید. تا به حال پیش آمده که بترسید؟

- وقتی زنگ خطر (آژیر) به صدا در می‌آید مقداری زیادی ماده آدرنالین در بدن ترشح می‌شود. ذهن متمرکز می‌شود و درباره‌ی ترتیب مراحل کارهایی که باید انجام بگیرد، فکر می‌کنیم. مدت‌ها بعد زمانی که به کاری مشغول نیستیم کم‌کم اتفاق‌ها و حوادث در ذهن زنده می‌شود. این مسئله ممکن است آدم را خیلی ناراحت کند. یک بار در مأموریتی به محل سواری که تصادف کرده بود، رسیدیم. درون سواری چند نفر نوجوان بودند که منز یکی از آن‌ها روی صندلی عقب ریخته بود در این موقعیت‌ها روی مرده‌ها را می‌پوشانیم و به مجروحان می‌رسیم. اما این صحنه تا هفته‌ها در ذهن من بود.

- با چنین وضعی چه‌طور برخورد می‌کنید؟

- زیاد انجیل می‌خوانم. با همسر صحبت می‌کنم. به مادرم تلفن می‌زنم ولی درباره‌ی صحنه‌های دردناک کارم با او صحبت نمی‌کنم. هر بار که برای مأموریتی عازم می‌شوم از خداوند طلب آموزش می‌کنم زیرا می‌دانم امکان دارد روزی از مأموریت برنگردم. □

منبع:

Working Woman
1999

دوره‌ی آموزشی را می‌گذراندم با او آشنا شدم. مادرم نگران آن بود که مبادا زخمی شوم و یا بدنم عضله بیاورد و شبیه مردان شوم. اما شوهرم می‌گفت: «خیلی خوب، حالا که خودت می‌خواهی باید قول بدهی عقب نکشی. من هم کمکت می‌کنم برای این که این کار، کار ساده‌ای نخواهد بود.» او همراه من می‌دوید و نام مرا در یک باشگاه بدن سازی نوشت و واقعاً به من کمک کرد تا بدنم شکل مناسب را پیدا کند.

- حالا شما در شیفت‌های ۲۴ ساعته کار می‌کنید، و تمام مدت با مردان هستید این مسئله عجیب نیست؟

- چرا. ولی در عوض خیلی چیزها در مورد مردها یاد گرفته‌ام. زمانی که عضو تیم ورزشی مدرسه بودم با مردهای بسیاری برخورد داشتم ولی با این حال شب اول مضطرب و ناآرام بودم. پارتیشن‌هایی هست که تخت‌ها را از هم جدا می‌کند و من از این که فضا و حریم خودم را دارم راضی‌ام. خوشبختانه در این مرکز همه متاهل هستند و از این نظر همه احساس آرامش می‌کنند.

- آیا واقعاً با مردان احساس برابری می‌کنید؟

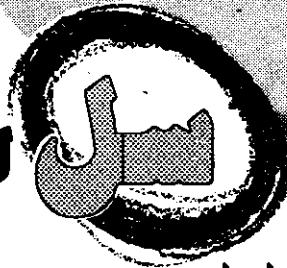
- (با کمی مکث) خیر، ولی چه کار می‌شود کرد؟ من تنها یکبار توانستم با زنی که همکارم بود کار کنم. آن هم این طوری شد که مردی از همکارانم مجبور بود به مراسم تشییع جنازه برود و نوبتش را با من عوض کرد. من و آن خانم با هم سوار ماشین آتش‌نشانی شدیم. آن روز خیلی به من خوش گذشت. خوب است آدم با کسی هم صحبت شود که با او مشترکاتی دارد.

- تا به حال پیش آمده که به خاطر جثه‌تان در معرض خطر قرار بگیرید؟

- نه. برعکس این مسئله به نفع من تمام شده است. یک بار موردی داشتیم که در کانال فاضلاب افتاده بود و از آنجا که جثه‌ی من از همه کوچک‌تر بود و کس دیگری نمی‌توانست از محفظه‌ی چاه عبور کند من حاضر شدم این کار را انجام بدهم و راحت توانستم از آن محفظه عبور کنم.

- تاکنون در مورد شغل خود دچار شک و تردید شدید؟

- بله. بعضی وقت‌ها به خودم می‌گویم: «مگر عقلت را از دست دادی؟» ما به طرف ساختمان‌های آتش گرفته می‌دویم در حالی که همه از آن فرار می‌کنند. ما یلم روزی صاحب خانواده شوم ولی نمی‌دانم می‌توانم از عهده‌اش بر پیام یا نه؟ من با زنان آتش‌نشان که صاحب فرزند هستند، صحبت کرده‌ام. آن‌ها معتقدند در ساعات غیرکاری وقت‌هایی را می‌توان صرف کودکان:



امروز شایع تر از دیروز

● **آسم ریشه‌ای وراثتی دارد و در موارد خاصی چون سرماخوردگی و آلودگی هوا، ناگهان بروز می‌کند.**

● **هرگونه علامت جدیدی مانند خلط خونی، سرفه‌های خلط‌آلود که بیش از سه هفته ادامه یابد، می‌تواند زنگ خطری برای ابتلا به سل باشد.**

با توجه به تغییر فصل، خطر تغییر ناگهانی هوا و افزایش بیماری‌های ریوی از جمله آسم بران شدیم با آقای دکتر باقر افشار استاد دانشگاه علوم پزشکی ایران، فوق تخصص ریه و فوق تخصص مراقبت‌های ویژه گفت‌وگویی کوتاه داشته باشیم.

– آقای دکتر با تشکر از این که وقت خود را در اختیار ما گذاشتید لطفاً در مورد بیماری‌های ریوی صحبت کنید.

– در ایران به‌خصوص در تهران که آلودگی هوا زیاد است بیماری‌های ریوی از جمله برونشیت مزمن و آسم بسیار به چشم می‌خورد. در آمریکا از هر پنج نفر یک نفر مبتلا به بیماری‌های ریوی است. به نظر می‌رسد در تهران با توجه به آلودگی هوا این میزان بیش‌تر است. اما آمار دقیقی در مورد میزان مبتلایان به بیماری‌های ریوی نداریم.

– چرا؟ آیا علت خاصی دارد؟

– چون علامت بیماری‌های ریوی دیرتر از سایر بیماری‌ها و حتماً مدتی بعد از ابتلا خود را نشان می‌دهند.

– در مورد آسم به عنوان بیماری ریوی، که افراد زیادی به آن گرفتارند، توضیح بیشتری بفرمایید.

– آسم ریشه‌ای وراثتی و ژنتیکی دارد. در موارد خاصی چون سرماخوردگی یا آلودگی هوا، ناگهان بروز می‌کند.

– پیش‌گیری از آن چگونه است؟

– در کودکان مستعد، سرماخوردگی زمینه‌ی مناسبی را

برای ایجاد حمله‌های آسمی به‌وجود می‌آورد. موادی که هیستامین دارند مانند خربزه، کیوی و موز می‌تواند باعث ایجاد این حمله‌ها شود. در بعضی افراد استنشام بوی گلر در شوینده‌ها و حتی بوهای چون عطر و ادوکلن و... باعث تحریک و عکس‌العمل بدن و در نتیجه حمله‌های آسمی می‌شود. نگهداری حیوان‌ها و پرندوها در خانه نیز می‌تواند سبب بروز بیماری باشد.

– رژیم غذایی خاصی را پیشنهاد می‌کنید؟

– استفاده از رژیم خاص مفهومی ندارد ولی در مقاله‌ای خواندم که نقش مفید میوه‌های تازه در عدم ایجاد حمله‌های آسمی به اثبات رسیده، استفاده از میوه‌های زرد چون زردآلو و هویج مفید است. از طرف دیگر خود اشخاص یا خانواده‌هایشان بهتر از هر کس می‌توانند تشخیص دهند که با مصرف چه چیزی آسم به سراغشان می‌آید.

البته آسم بیماری قابل کنترلی است که به‌وسیله‌ی دارو و دستورهای پزشک به‌خوبی قابل‌معالجه است.

اگر به دستورهای پزشک کاملاً توجه شود بیماری، در کودکان تا ۷۵ درصد قبل از سن بلوغ معالجه می‌شود و در ۲۵ درصد دیگر با وجود ماندن آسم آثار محربی بر روی بافت ریه به‌وجود نمی‌آورد.

– با خانواده‌ها و اشخاصی برخورد داشته‌ایم که خیلی دیر به فکر معالجه و به کنترل درآوردن بیماری‌های ریوی و تنفسی‌شان افتاده‌اند. نقش مراکز اطلاع‌رسانی را در این مورد چگونه می‌بینید؟

– متأسفانه خیلی از خانواده‌ها نمی‌دانند که بیماری‌های ریوی چه علتی دارد و تا چه حد می‌تواند خطرناک باشد. رادیو و تلویزیون به‌خصوص تلویزیون در این زمینه نقش بسیار حساسی دارد. باید از متخصصان دعوت کرد و به شکل اصولی و بنیادی با زبان ساده در ساعات پربیننده برنامه‌هایی در مورد علامت، پیش‌گیری و درمان بیماری‌های ریوی به‌خصوص سل و یا آسم نمایش دهند. متأسفانه چندی قبل تلویزیون اعلام کرده بود که واکسن آسم ساخته شده، سیل تلفن‌ها سرازیر شد که این واکسن کجاست؟ چه وقت برای استفاده آن بهتر است؟ چند درصد احتمال خطر حمله‌های آسمی را کاهش می‌دهد؟ و سؤالاتی از این دست... بله، این واکسن در گوشه‌ای از دنیا ساخته شده و اثر مثبتی روی حیوان‌ها داشته، ولی آیا روی انسان هم تأثیر دارد؟ آیا به تولید انبوه می‌رسد تا بتوانیم به بیمارانی آسمی بدیم؟

رسالت تلویزیون فقط در اعلام یک خبر نصفه و

نیمه نیست بلکه در روشن کردن ذهن بینندگان و بالا بردن بیش‌تر آنان است. بهتر است این اخبار به طور کامل برای مردم باز شود تا دیوار بی‌اعتمادی بین پزشک و بیمار ایجاد نکند.

– لطفاً درباره‌ی به بیماری سل بیش‌تر توضیح دهید.

– سل بیماری عفونی است که امروزه بیش‌تر از سابق

سخنی کوتاه درباره‌ی آسم

آسم چیست؟

آسم خس خس به هنگام تنفس است یا بیماری تنفسی که در هنگام هیجان و استرس بروز می‌کند؟ ولی آسم فراتر از این‌هاست. آسم بیماری است که در صورت عدم معالجه حتماً می‌تواند کشنده باشد.

در این مقاله در مورد نشانه‌های بیماری، معالجه و داروهای آن به اختصار گفته می‌شود.

* نشانه‌های آسم

اگر شما یا شخصی که او را می‌شناسید دارای نشانه‌هایی مانند: سرفه، خلط، تنفس کوتاه، خس خس و احساس ناراحتی در قفسه سینه باشد، دچار آسم است. علاوه بر این نشانه‌ها مواردی چون بینی پر (تب یونجه و رینیت) - سینوزیت پولیپ‌های بینی -

اگزما نیز می‌تواند باعث بروز آسم شود.

آیا این نشانه‌ها دارای خصوصیت‌های خاصی است؟ فصلی یا ناگهانی است؟ به تدریج وخیم‌تر می‌شود؟ دوره و تناوب آن چگونه است؟ شکل و شدت بروز آن در روز یا شب فرق می‌کند؟ در جای مشخص مانند مدرسه، محل کار و خانه بروز می‌کند؟

نشانه‌ها ممکن است با عوامل ذیل تحریک شود:

– عفونت‌های تنفسی ویروسی.

– قرار گرفتن در معرض گرد و غبار، دانه‌های گرده، سوسک، حیوانات ولگرد، ادرار و آب دهان.

دیده می‌شود و یکی از دلایل آن می‌تواند مهاجرت باشد. کشور مهاجرپذیر ایران، پذیرای مهاجرینی است که درصد بیماری را در جامعه بالا برده‌اند. خانواده‌ها توجه داشته باشند هرگونه علامت جدیدی مانند خلط خونی، سرفه‌ای که بیش از سه هفته ادامه داشته باشد، سرفه‌های خلط‌آلود و... می‌تواند زنگ خطری برای سل به شمار آید، چون بیماری مسری‌ست در محیط مناسب خیلی سریع می‌تواند از شخصی به شخصی دیگر منتقل شود.

- سل به وسیله واکسن قابل پیشگیری است؟
- واکسن مقاومت بدن را در برابر بیماری تا حدی بالا می برد. ولی نمی تواند صد درصد از وقوع و بروز بیماری جلوگیری کند.

- در این بیماری ها احتمال ابتلای زنان و مردان به یک نسبت است؟

البته آمار دقیق در دست نیست ولی در بیماری های ریوی چون آسم درصد ابتلا زنان تا حدودی بیش تر از مردان است.

- چرا فکر می کنید در صد وقوع بیماری در زنان بیش تر است. آیا به دلیل تفاوت خاص فیزیولوژیکی با مردان یا این که در بیش تر جوامع زنان از نظر تغذیه از بهداشت پایین تری

قرار گرفتن در معرض مواد شیمیایی.

- تغییر محل زندگی و کار.

- قرار گرفتن در معرض دود سیگار، عطر، اسپری های خوشبو کننده، بخار، گاز و آئروسل ها.

- احساساتی چون خشم، عصبانیت، گریه، خنده، ناامیدی و ترس.

- مصرف داروهایی از قبیل آسپرین، بتابلوکرها، افزودنی های غذایی و ضدبارداری ها.

- تغییر درجه حرارت هوا، تغییر فشار هوا، تغییر رطوبت و هوای سرد.

- تمرین های ورزشی، پیروید، بارداری، بیماری های تیروئید و نوشیدنی های سرد.

*** آسم می تواند کنترل شود**

با عمل به برنامه های خاص با همکاری شما، پزشکتان و خانواده حتماً با آسم هم می توان یک زندگی فعال و توام با سلامت داشت، ما از این پس این برنامه را AMP می نامیم AMP برنامه ای عملی است که قدرت رویارویی با نشانه های بیماری را به شما می دهد، هر AMP شامل مراحل خاصی است.

*** بهبودی**

اگر بیماری آسم در لحظه های خوب و بد تنهایتان نمی گذارد، پس حتماً نیاز به مشورت با پزشک متخصص دارید تا وی روند بهبود بیماریتان را تنظیم

برخوردارند و معمولاً فشار وارده بر آن ها بیش تر است؟

- زنان و مردان از نظر سیستم تنفسی تفاوت فیزیولوژیک ندارند، اما علت هایی که به آن اشاره کردید می تواند در بروز امراض ریوی دخیل باشد.

- در زنان حامله وقوع آسم به چه صورتی است و تا چه حد برای جنین و مادر خطرناک است؟

- خانم هایی که مبتلا به آسم هستند ممکن است در سه ماهه اول یا دوم یا سوم حمله های آسمی

شدیدتری داشته باشند ولی به این معنا نیست که از نعمت داشتن فرزند محروم شوند. آسم بیماری قابل کنترلی است و در صورت نظارت و کنترل بیماری هیچ خطری مادر و جنین را تهدید نمی کند، حتی در مادران شیرده نباید آسم بهانه ای باشد تا نوزاد از شیر مادر محروم شود.

- آسم و آلرژی بیماری های شایع و پرخرجی هستند آیا انجمن خاصی برای حمایت از این بیماران وجود دارد؟

- انجمن خاصی وجود ندارد چون بیماری های ریوی و خطرهای آن هنوز به وسیله ای عامه مردم شناخته نشده است و این کار نیاز به برنامه های هماهنگ و با همکاری پزشکان، استادان، دانشگاه ها، مراکز پژوهشی مراکز

کند. ممکن است بهبودی به زودی میسر نشود حتماً ماه ها و یا هفته ها طول بکشد، و البته این بستگی به چگونگی ارتباط شما با پزشکتان دارد.

*** پیشگیری**

وقتی کنترل دراز مدتی بر نشانه های آسم داشته باشید می توانید با برنامه ای دقیق از عود بیماری پیشگیری کنید.

*** درمان سریع**

شما حتماً به برنامه ای دیگر در زمان حمله آسم نیاز دارید. برنامه ای، که در کم ترین زمان ممکن بتواند حمله را متوقف کند.

*** در زمان بحران**

آیا فکر می کنید حمله های آسم فقط در راه بیمارستان اتفاق می افتد؟ قبل از این که کارتان به بیمارستان بیفتد حتماً با پزشکتان نشانه های حمله آسم و چگونگی مقابله با آن، گفتگو کنید.

آیا می دانید که:

* $\frac{1}{3}$ مبتلایان به آسم کودکان هستند. $\frac{1}{3}$ از این کودکان به علت شدت بیماری باید در بیمارستان بستری شوند، که نیمی از آن ها در بخش مراقبت های ویژه ایطفال قرار دارند.

* آلرژی می تواند ارثی باشد. در صورتی که یکی از

- اگر بخواهد کاری بنیادی انجام بگیرد باید جلوی مهاجرت به تهران گرفته شود. امکان های تهران هنوز مهاجران را به خود فرا می خواند. بنزین ارزان، تردد زیاد ماشین، جمعیت زیاد تهران همه دست به دست هم داده و تهرانی دودزده را به وجود آورده. طرح ترافیک لازم است ولی کافی نیست.

- استفاده از ماسک مؤثر است؟

- ماسک ها می تواند از ورود درصد زیادی از آلودگی های هوا به ریه جلوگیری کند ولی در تهران غرق در دود، آیا می توان در تمام مدت ۲۴ ساعت از ماسک استفاده کرد؟ شنیده اید که همسر و همکاران شخص سیگاری ممکن است به بیماری ریوی دچار شوند، چرا که در مجاورت دود سیگار هستند. به این ترتیب آیا بودن در

والدین آلرژی داشته باشد $\frac{1}{3}$ از کودکان به بیماری مبتلا می شوند و اگر هر دو حساسیت داشته باشند $\frac{1}{3}$ به آلرژی مبتلا خواهند شد.

* ۲۵ درصد مبتلایان به آسم را افراد زیر ۲۰ سال تشکیل می دهند.

* خطر مرگ در اثر آسم در افراد زیر نه سال و بالای ۵۰ سال بیش تر است.

* سیاه پوستان مبتلا به آسم سه بار بیش تر از سفیدها در معرض خطر مرگ از آسم هستند.

* نیمی از افراد آسماتیک، زنان هستند.

* در بارداری خطر آسم فقط یک درصد بالا می رود.

* تقریباً $\frac{1}{3}$ مبتلایان در هنگام بارداری نشانه های ضعیف تری از حملات آسمی را نسبت به قبل نشان می دهند. در $\frac{1}{3}$ ، علائم بیماری شدیدتر است و در $\frac{1}{3}$ بقیه علائم بیماری تغییری نمی کند.

* گربه می تواند عامل مهمی در ایجاد حمله های آسمی باشد.

* در کودکان، آمپی سیلین و آموکسی سیلین می تواند حساسیت بطئی به وجود آورد. مثلاً ممکن است تمام بدن کودک دو سال و نیمه در صورتی که هفت روز از آمپی سیلین یا آموکسی سیلین استفاده کند، پر از دانه های قرمز شود. □

پانوش:

1 - AMP: (Asthma management Plan)

شهری پر از دود نمی تواند خطر ایجاد بیماری های ریوی را افزایش دهد؟!

- در آن صورت چه باید کرد؟

- درمان بیماری های ریوی باید به گونه ای باشد که بیماری کاملاً ریشه کن شود. در بین بیماران، به کسانی بر می خوریم که در اوج درمان به علت قطع نشانه های بیماری فکر می کنند کاملاً معالجه شده اند و درمان را رها می کنند اما بعد از مدتی با وضعیتی به مراتب بدتر روبه رو می شوند و باید با صرف وقت و هزینه ی بیش تر،

دولتی و مردم دارد. شاید فقط در زمینه های تحقیقی و پژوهشی کاری در این مورد انجام شده باشد.

- در زمینه آلودگی هوا و رابطه ی آن با گسترش بیماری های ریوی و آسم سازمان محیط زیست با شما به عنوان کارشناس و پزشک متخصص بیماری های ریوی و دیگر همکارانتان کار مشترکی انجام داده است؟

- به هیچ وجه.

- ولی این خلاء احساس می شود؟

● آسم در مادران شیرده نباید بهانه‌ای باشد تا نوزاد از شیر مادر محروم شود.

دوباره به درمان بپردازند که متأسفانه در بعضی موارد به علت پیشرفت بیماری، بهبود صد درصد حاصل نمی‌شود.

- شماری از بیماری‌های ریوی چون آسم و برونشیت مزمن نیاز به درمان طولانی دارند آیا داروهای این بیماری‌ها عوارض جانبی خاصی دارد؟

- داروهای بیماری‌های ریوی بسیار مظلوم واقع شده، مثلاً همین اسپری‌ها از بی‌خطرترین داروهاست چرا که نه جذب تمام بدن می‌شوند و نه تا امروز مسئله‌ی خاصی داشته‌اند. برای رفع اسپاسم بهترین است ولی اگر یکی از همکاران بگوید از این اسپری زیاد استفاده نکن و منظورش نه به خاطر عوارض جانبی دارو بلکه به خاطر مسائل دیگر باشد، همین یک جمله تمام اعتماد بین بیمار و دارو را از بین می‌برد و مانعی در راه درمان به‌وجود می‌آورد زیرا بیمار فکر می‌کند حتی مصرف منظم دارو هم نمی‌تواند تاثیری در روند بهبود داشته باشد و عوارض بعدی دارو جدی است.

البته کورتن‌ها که برای بعضی از بیماران ریوی تجویز می‌شود و تجویز آن ضروری است، عوارض جانبی دارد. باید گفت کورتون یک شمشیر دولبه است ولی ما از بین بد و بدتر و بدترین، بد را انتخاب می‌کنیم چنانچه اگر کورتون را حذف کنیم درمان به بن‌بست می‌رسد.

- آیا در ایران کمبودی بابت متخصص ریه وجود دارد؟

- از هر ۱۰۰۰ نفر باید یک نفر وجود داشته باشد ولی در مورد متخصصان ریه این میزان به عوامل مختلفی چون جغرافیایی، فرهنگی و آب و هوایی و... بستگی دارد که به تبع در هر کشوری فرق می‌کند. با توجه به این که در ایران در چند سال اخیر فوق تخصص ریه در دانشگاه‌های زیادی دایر شده است انشاء... با برنامه ریزی دقیق‌تر این کمبود طی چند سال آینده رفع خواهد شد.

- فکر می‌کردم با توجه به تعداد زیاد پزشکان عمومی باید مدت‌ها پیش، این کمبود رفع می‌شد؟

- گرفتن این تخصص مشکل است چرا که مستلزم گذراندن تخصص در رشته‌ی داخلی است که رشته‌ی سنگینی است و سه تا چهار سال طول می‌کشد و بعد از آن دو سال دوره فوق تخصص ریه است که کلاً شش سال به طول می‌انجامد و حاوی مباحث بسیار دقیق، ظریف و مشکل علمی است.

- آقای دکتر از این که وقتتان را در اختیار ما گذاشتید تشکر می‌کنم.

- من هم از شما متشکرم.

زنان و ایدز، همه‌گیری فراموش شده



اوایل دهه ۸۰ زمانی که ایدز و ویروس HIV^۱ شناخته شد، مفهومی جدید، عجیب و مرگ‌آور داشت. اولین قربانیان ایدز یا همجنس‌بازان بودند یا کسانی که خون دریافت می‌کردند و یا معنادانی که از سرنگ واحد استفاده می‌کردند.

عده‌ی زیادی از قربانیان ایدز نه همجنس‌باز بودند و نه دریافت‌کننده‌ی خون و نه معناد تزریقی، بلکه زنانی بودند که با مردان همجنس‌باز همبستر می‌شدند.

● بحران بین‌المللی

در سراسر جهان شمار زنان بیمار به شکل گسترده‌ای رو به افزایش است. به‌خصوص در آفریقا و آسیای جنوب شرقی و مناطقی که بی‌بندوباری جنسی بیش از جاهای دیگر است. بر طبق گزارش care، یکی از بزرگ‌ترین مراکز بین‌المللی امداد، بیش از نه میلیون زن مبتلا به ایدزند، که فقط ۴۱ درصد آن تا امروز گزارش شده است.

● موقعیت زنان مبتلا در آمریکا

در سال ۱۹۹۶، ایدز چهارمین علت مرگ و میر بین زنان ۲۵ تا ۴۴ ساله در آمریکا بود. بسیاری از این زنان پس از تماس جنسی با مردان معناد، به این بیماری مبتلا شدند. هم‌اکنون نزدیک یک میلیون نفر آمریکایی به این

ویروس آلوده‌اند که در حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر را زنان تشکیل می‌دهند.

این تناسب میان نوجوانان در بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۷ از هفت درصد به ۲۲ درصد یعنی بیش از سه برابر افزایش یافت.

● راه‌های مبتلا شدن

بسیاری از زنان از راه‌های مختلفی مانند سکس، تزریق مواد توسط سوزن آلوده، مبتلا به ایدز شده‌اند. به علاوه، زنان معناد معمولاً با رابطه‌ی جنسی کنترل نشده خود با مردی که از سوزن آلوده استفاده می‌کند، شکل پیچیده‌تری به بیماری می‌دهند. حتی خیلی از زنان، بیش از یک شریک جنسی ندارند ولی همان یک نفر ممکن است با اشخاص دیگری رابطه‌ی جنسی داشته باشد. که این رابطه، باعث گسترش زنجیره‌ی پیچیده‌ی ابتلا به بیماری است که به‌همین شکل از شخصی به شخص دیگری منتقل می‌شود و نه تنها ایدز بلکه بیماری‌های مقاربتی دیگری را نیز شیوع می‌دهد. ولی HIV فقط تهدیدی برای زنان معناد و زنانی که با معنادان رابطه جنسی دارند، نیست. هر زن یا مردی که با بیش از یک نفر رابطه‌ی جنسی داشته باشد، خطری بالقوه محسوب می‌شود، به‌خصوص اگر این رابطه از راه صحیح انجام نشود.

زنان جوان زیر ۲۵ سال بیش‌تر در معرض خطر ابتلا به بیماری هستند، چرا که هم، تماس جنسی بیش‌تری دارند هم این که تعداد شریک جنسی آن‌ها بیش‌تر از زنان سنین بالاست و از طرفی کم‌تر می‌توانند شریک جنسی خود را قانع کرده تا از وسایل پیش‌گیری استفاده کنند.

با وجود اخبار امید بخش این روزها مبنی بر روش‌ها، داروها و مواجهه‌های جدید، هنوز همه‌گیری ایدز به پایان نرسیده است.

اگرچه در بین زنان آمریکایی مرگ و میر ناشی از ایدز به علت درمان بهتر و مصرف داروهای جدید کاهش یافته ولی نمودار مرگ و میر مردان مبتلا به بیماری با سرعت بیش‌تری رو به کاهش است. بهترین روش برخورد با این بیماری پیشگیری است. مراکز کنترل بیماری و پیشگیری باید در این زمینه به زنان کمک مؤثری بکنند. اجرای نشست‌های آموزشی برای زنان جوان و زنانی که از نژادهای دیگر هستند از این برنامه‌هاست که حتماً می‌تواند برای زنان کشورهای دیگر نیز به اجرا در بیاید.

● ایدز در آینه آمار

تعداد جوانان ۱۲ تا ۲۴ ساله‌ی مبتلا به بیماری ایدز در آمریکا از ژانویه ۱۹۹۴ تا ژوئن ۱۹۹۷ به قرار زیر بود: از ۷۲۰۰ مورد جدید، ۳۲۰۳ نفر، ۴۴ درصد زنان. از ۴۵۶۶ نفر ۶۵ درصد آفریقایی، آمریکایی از هر دو جنس.

از ۴۴۹ شش درصد معنادان تزریقی از هر دو جنس □ پانوشت:

۱- ویروس نقص سیستم ایمنی بدن

منبع:

نشر مادر پیشنهاد می‌کند

جوانان و ازدواج

مادران و پدران عزیز!

تحقیقات و پرس‌وجو کافی نیست. قبل از اینکه از روحیات، طرز پرورش و نگاه خواستگار فرزندان به زندگی مطلع شوید او را پای سفره عقد ننشانید.

با قوانین خواستگاری، عقد، مهریه، شرایط ضمن‌العقد، جهیزیه و... آشنا شوید.

نویسنده: ا. کیهان‌نیا

اینها و صدها

مطالب خواندنی دیگر

در کتاب

جوانان و ازدواج

صدف

مجموعه ورزشی ممتاز

سالن بدنسازی بزرگ و وسایل مدرن ورزشی و ایروبیک
سونا خشک و بخار و جکوزی، حوضچه، بوفه و محل استراحت
استخر بزرگ روباز با آب مناسب به هوای روز

برنامه پائیزه

بانوان: شنبه تا پنجشنبه از ۹ الی ۱۳

آقایان: شنبه تا پنجشنبه از ۱۴ الی ۲۴

جمعه‌ها از ۹ صبح الی ۲۲

آموزش شنا رایگان

بانوان: ساعت ۹ الی ۱۲ آقایان: ۱۴ الی ۱۷ همه روزه

کارت‌های پیش فروش با تخفیف ویژه

انتهای شیخ‌بهای جنوبی، شهرک والفجر

تلفن: ۴-۸۵۱۳۶۲

خیابان دوم

مخبر

میلان، ۲۲ درصد دختران و ۱۷ درصد پسران فارغ‌التحصیل می‌شوند.

بنابراین تحقیق زنان با کم‌ترین وقت حضور در دانشگاه با معدل بالا نسبت به مردان قبول می‌شوند.

همچنین در دانشگاه‌ها ۴۹ درصد دختران در برابر ۴۱ درصد پسران معدل بالاتر از ۱۰۵ دریافت می‌کنند. این مجله

نتایج این تحقیق را نشانگر بروز تحول در ایتالیا از سال ۱۹۹۰ میلادی می‌داند که موجب خواهد شد در آینده

مسئولیت بیش‌تری در سازمان‌ها به زنان اختصاص یابد.

مرگ ۶۰۰ هزار زن باردار در سال

سالانه ۶۰۰ هزار زن باردار در جهان در طول دوران بارداری یا زمان تولد نوزادشان جان خود را از دست می‌دهند.

به گزارش سازمان ملل از ۱۳۳ میلیون تولدی که سالانه در جهان انجام می‌شود، ۵۰ درصد بدون برنامه‌ریزی قبلی بوده و ۵۰ درصد بدون حضور پزشک است.

سالانه ۱۵ درصد زنان باردار یعنی ۲۰ میلیون نفر به دلیل خون‌ریزی یا عفونت نیاز مبرم به پزشک متخصص دارند.

سه مؤسسه سازمان ملل و بانک جهانی اعلام کردند که دولت‌ها باید قانع شوند تا با فراهم کردن

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن، بنابر گزارش اداره‌ی آمار آمریکا در سال ۱۹۶۵ حدود ۹۰ درصد زنان بین سنین ۲۵ تا ۲۹ سال در آمریکا متأهل بودند ولی در سال ۱۹۹۶ فقط ۵۶ درصد از زنان در این گروه سنی حاضر به ازدواج شدند. این آمار می‌افزاید: هر قدر میزان تحصیلات و اهداف شغلی زنان بالاتر باشد تمایل آن‌ها به ازدواج و داشتن خانواده در سنین زیر ۳۵ سال کم‌تر می‌شود.

زنان ایتالیا وارد ارتش می‌شوند

پارلمان ایتالیا قانون مربوط به ورود و استخدام زنان در ارتش را تصویب کرد.

به نوشته‌ی روزنامه‌ی ایتالیایی کوریره دل‌اسرا، از آغاز سال ۲۰۰۰ میلادی زنان ایتالیایی پس از

شرکت و قبولی در امتحان ورودی خواهند توانست وارد نیروهای هوایی، زمینی و دریایی شوند. این قانون پس

از سال‌ها بحث در پارلمان درباره‌ی به خدمت گرفتن زنان در ارتش، به تصویب می‌رسد.

بدین ترتیب زنان خواهند توانست به حرفه‌ی خلبانی، ملوانی و در نیروی زمینی در سطح افسری و درجه‌داری

مشغول شوند. براساس این قانون، ورود زنان به نیروهای ارتش محدود بوده و سقفی برای آن تعیین شده است.

ایتالیا آخرین کشور عضو ناتو است که مجوز ورود زنان به ارتش را صادر می‌کند.

پارلمان ایتالیا پیش از این مجوز، خدمت نظام وظیفه به طور داوطلب، برای زنان این کشور را صادر کرده بود.

احتیاجات زنان باردار، مرگ و میر بین آن‌ها کاهش یابد. در صورتی که به سلامتی زنان باردار توجه کافی

شود مرگ و میر آنان سه و نیم میلیون نفر و در میان نوزادان یک چهارم میلیون نفر کاهش خواهد یافت.

این سه مؤسسه و بانک جهانی اعتراف کردند که برنامه‌ی در نظر گرفته شده برای زنان باردار در ده سال

اخیر موفق نبوده است. برنامه‌ای که این سه مؤسسه و بانک جهانی برای

آینده در نظر گرفته‌اند اضافه کردن ماماها‌ی حاذق، آگاهی دادن به زنان برای انتخاب و برنامه‌ریزی

درباره‌ی بارداری، توجه به تغذیه مادران و کودکان و دسترسی به بیمارستان‌ها در مواقع اورژانس است.

بنابراین گزارش بیش‌ترین مرگ و میر در میان زنان باردار در کشورهای فقیر و کشورهایمانند

سیرالئون، افغانستان، نپال، موزامبیک و نیجریه که درگیر جنگ داخلی هستند، وجود دارد. بسیاری از

دختران در جنوب آسیا و کشورهای آفریقایی زمانی که به سن ده سالگی می‌رسند، باید با مردان مسن ازدواج

کنند و آن قدر فرزند به دنیا بیاورند تا خانواده صاحب دو فرزند پسر شود.

تمایل زنان امریکایی به ازدواج روز

به روز کاهش می‌یابد

زنان امریکایی به طور روز افزونی از ازدواج روی گردان شده‌اند.

خواص درمانی آب میوه‌ها

دکتر قهرمان شمس



● ۳۰ درصد تولد قبل از موعد در اثر کمبود ویتامین ث است.

پس از بررسی نقش چربی‌ها، پروتئین‌ها، فلزها و ویتامین‌ها این شماره به خواص درمانی آب میوه‌ها اختصاص دارد.

همه‌ی موجودات زنده (انسان، حیوان، نبات) و در بعضی مواد جامد، از به وجود آمدنشان تا ادامه‌ی حیاتشان و از بین رفتن و معدوم شدنشان در اثر هزاران آنزیم انجام می‌گیرد که بعضی از آنها شناخته شده و عده‌ای هنوز ناشناخته مانده‌اند. سؤال این است که آیا این امکان وجود دارد که علاوه بر آنتوسیانین‌ها و

کیلوبین‌ها و ویتامین‌های آ و ث و ای و بتاکاروتن که به عنوان آنتی‌اکسیدان‌های ضد سرطانی شناخته شده است، آنزیم‌هایی در گیاهان و یا میوه‌ها و یا در موجودی وجود دارد که بتواند با بافت‌های سرطانی مبارزه کرده و یا رشد سلول‌های سرطانی را متوقف سازد؟

دکتر جوانا برانت معتقد است به احتمال قوی این آنزیم در ساخت و بافت دانه‌های انگور ذخیره شده است. ارزش غذایی دارویی بسیاری از میوه‌ها از زمان‌های بسیار قدیم مورد تأیید بوده است. قبل از آن که در باره‌ی مواد اصلی و اساسی میوه‌ها به‌خصوص میوه‌های موجود در کشورمان از جهات فوق‌پیردازیم، بی‌مورد نیست نظر چند پزشک و متخصص تغذیه را درباره‌ی خاصیت دارویی میوه‌ها بیان کنیم:

بسیاری از پزشکان، رژیم میوه و یا آب میوه را برای کمک به معالجه‌ی بعضی بیماران تجویز می‌کنند، به خصوص در بیماری‌های قلبی هنگام هیدروپزی یعنی تجمع آب در بدن.

پروفسور اچ - هلیپک می‌گوید اگر غذای شخصی، گاهی اوقات فقط یک لیتر آب میوه باشد، ۴۰۰ کالری انرژی جذب می‌کند. البته حداقل انرژی روزانه‌ی ما از ۲۰۰۰ کالری تجاوز می‌کند ولی همین یک روز استراحت که به بدن داده می‌شود مزایایی دارد:

اولاً - استراحت است که به جهاز هاضمه داده می‌شود که درگیری یا هضم نداشته باشد و جذب غذا سریع انجام گیرد.

ثانیاً در آب میوه آلومین تقریباً وجود ندارد. بنابراین تولید اوره و اسید اوریک منتفی است و کبد و کلیه‌ها زحمتی برای حذف محصول تولید شده از آلومینی نمی‌خواهند داشت و اعضای فوق در حال استراحت بوده و زمان کافی برای تخلیه‌ی سموم باقی‌مانده‌ی گذشته را خواهند داشت.

ثالثاً - قندهای موجود در آب میوه‌ها به سادگی جذب می‌شوند و مقدار قابل ملاحظه‌ای کالری از این راه تأمین می‌شود.

رابعاً - در آب بعضی از میوه‌ها ویتامین ث به قدر کافی وجود دارد و در بعضی میوه‌ها ویتامین ب ۱، ب ۲ و آ نیز در حداقل یافت می‌شود.

کلرور سدیم در آب میوه‌ها بسیار کم است که یک نقطه‌ی مثبت برای میوه‌ها به حساب می‌آید. انسان با غذای روزانه خود حدود ۱۰ تا ۱۵ گرم کلرور سدیم وارد بدن می‌کند و هر گرم کلرور سدیم ۱۰۰ گرم آب در بدن تثبیت می‌کند. بنابراین ۱۰ گرم کلرور سدیم ۱۰۰۰ گرم آب جذب خواهد کرد.

در آب میوه‌ها به جای سدیم به مقدار زیاد پتاسیم وجود دارد که در واقع دافع آب نرمال و یا آبی است که به طور اضافی در بدن متمرکز شده. پزشکانی که داروهای قلبی را با رژیم آب میوه تجویز می‌کنند معالجه‌ی هیدروپزی یا تمرکز آب در بدن را شتاب می‌بخشند.

برای توضیح بیش‌تر درباره‌ی خواص دارویی میوه‌ها لازم است خواص مواد متشکله آن‌ها را بررسی کنیم.

مواد اصلی و اساسی میوه‌ها:

آب، قندها، اسیدهای آلی، املاح معدنی، ویتامین‌ها، آنزیم‌ها و مواد پکتیک تانن‌ها تنویدها، در کنار این

● اگر غذای شخصی، گاهی اوقات فقط یک لیتر آب میوه باشد ۴۰۰ کالری انرژی جذب می‌کند.

مواد اصلی پروتئید، رنگ‌ها و بعضی روغن‌ها را نیز باید نام برد که نقش ثانوی دارند.

رقم اصلی را در میوه‌ها، آب میوه‌ها تشکیل می‌دهند. به طوری که آب سیب تقریباً ۸۴/۸ درصد، آب انگور ۸۲/۵ درصد، آب نارنج ۸۷/۲ درصد را شامل می‌شوند. جالب است که بدانید آب میوه به وسیله‌ی ریشه گیاه تصفیه می‌شود و در واقع آبی است استریل شده و از هر حیث قابل اطمینان برای شرب و در موقع بیماری‌ها، آب این میوه‌ها جزء مشروبات استریل است و هیچ نوع آلودگی ندارند مشروط بر این که آلودگی ثانوی پیدا نکرده باشند. این‌ها مشروبات غیرالکلی استریل شده هستند و طبق نظر پروفسور ث - اچ - بندلی آب میوه فعال‌کننده‌ی ترشح معده و روده‌ها بوده و همچنین تحریک‌کننده‌ی اعضای بدن که دافع ترشحات سمی هستند مانند کلیه‌ها، پوست و غیره هستند. بنابراین این نوع مشروبات، شست و شو دهنده‌ی اعضای بدن بوده و اعمال جذب و دفع را شتاب می‌دهند. به همین علت پروفسور پالی چت تجویز می‌کند که چند روز قبل از عمل جراحی به بیمار رژیم میوه داده شود.

عامل دوم در میوه‌ها قند آن‌هاست. قند میوه‌ها در واقع عامل اصلی مولد انرژی میوه‌ها است.

نوع قند و میزان آن تابع نوع میوه و میزان رسیده بودن آن است و از نظر شیمیایی، قندها هیدروکربورها هستند که از ترکیب کربن - هیدروژن و اکسیژن تشکیل شده‌اند و نسبت هیدروژن به اکسیژن مانند آب است. قند اصلی این میوه‌ها گلوکز است که آن را دکستروز نیز می‌نامند و همچنین لولوز که آن را فروکتوز نیز می‌گویند. در واقع این دو قند از گلوکوسیدهای بسیار مهم مواد غذایی هستند و با سهولت جذب می‌شوند.

این طور به نظر می‌رسد که در انگور رسیده باید این دو نوع قند یعنی گلوکز و فروکتوز به مقدار مساوی باشد ولی در بعضی از انگورها این نسبت به میزان ۲/۵ گلوکز

و یک فروکتوز هم می‌رسد.

قند میوه‌ها به‌خصوص قند انگور به محض این‌که وارد بدن شد، جذب بدن می‌شود و انرژی قابل ملاحظه‌ای ایجاد می‌کند. مثلاً ۹۰۰ کالری برای یک لیتر آب انگور تولید می‌کند، هنگامی که آب این نوع میوه‌ها تحت تأثیر فرمانتوسیون قرار گرفت، مقدار زیادی از انرژی غذایی آن تلف می‌شود چون این نوع فرمانتاسیون‌ها از گلوکز میکروب هستند. یعنی با پس دادن حرارت همراه هستند. در واقع با حجم مساوی آب انگور و شراب،

میزان کالری آب انگور فوق‌العاده زیادتر است. به همین علت در جنگ جهانی دوم ژنرال دوگل دستور داد کارخانجاتی که آب میوه را بدون آن‌که فرماتنه شود - یعنی بدون آن‌که به شراب تبدیل شود - در معرض فروش قرار دهند، از پرداخت مالیات معاف خواهند بود. به همین جهت مصرف آب انگور در فرانسه دو برابر قبل از جنگ گردید و از تلف شدن مقدار زیاد انرژی غذایی جلوگیری به عمل آمد و همین عمل در سوییس نیز انجام گرفت و در واقع کمکی برای تأمین انرژی اطفال شد.

سومین عامل که در میوه‌ها و آب میوه‌ها وجود دارد اسیدهای آلی موجود در آن‌ها است. اسیدهای آلی که در میوه‌ها وجود دارد به صورت زنجیری است و با اسیدهای معدنی و اسیدهای حلقوی و سایر اسیدهای آلی میوه‌ها در بدن سوخته شده و ایجاد کالری می‌کند و املاح آن‌ها ایجاد کرنات‌های قلیایی می‌کند و به هیچ وجه حالت قلیایی خون را ضعیف نمی‌کند و مهم‌تر از همه این‌که طبق بررسی سهولت این اسیدها میکروب کش هستند و بعد از مدت مشخص، بیماری از میکرو اورگانیزم‌ها را از بین می‌برند. برای مثال در آب سیب با $PH=2/4$ باسیل‌های تیفیکس پارادی سنتریک بیش از ۲۴ ساعت نمی‌توانند دوام آورند این خاصیت مهم میکروب کشی آب میوه‌ها موجب می‌شود که آب میوه صنعتی در مقابل میکرو اورگانیزم‌ها مقاوم باشد. ما به‌خوبی می‌دانیم که در یک محیط خنثا یا قلیایی میکروب‌ها حتی در درجه حرارت صد درجه سانتی‌گراد مقاوم هستند، در صورتی که آب میوه‌ها را می‌توان فقط با پاستوریزه کردن کاملاً استریل کرد.

اسیدهایی که در آب میوه‌ها نقش فوق‌العاده را بازی می‌کنند عبارتند از: اسید تارتاریک، اسید والیک، اسید سیتریک و مختصری اسیدهای مفید دیگر. باید توجه داشت که این اسیدهای آلی موجود در میوه‌ها اولاً اشتها آور هستند. ترشح بزاق را تحریک می‌کنند و همچنین ترشحات معده و روده‌ها را شتاب می‌دهند. یک لیوان آب میوه قبل از صرف غذا اشتها آور است البته نمی‌توان گفت که اشتها آور بودن آب میوه‌ها فقط منوط به اسیدهای حلال آن‌هاست بلکه در مواد متشکله‌ی آب میوه‌هاست که این خاصیت ایجاد می‌شود. شرط مساعد برای آب میوه‌ها که از هر حیث مورد قبول باشد هفت گرم اسید آلی در لیتر است.

املاح معدنی در آب میوه‌ها

در میوه‌ها املاح مختلف پتاسیم، منیزیم، سدیم، آهن، مس، آلومینیوم و منگنز به صورت سولفات، فسفات، سیلیکات و کلرور یافت می‌شود. در این املاح چند نکته مهم که در ارتباط با سلامتی است قابل ذکر است: نخست آن‌که میزان پتاسیم که در حد ماکزیمم در میوه‌ها وجود دارد. پتاسیم یک عامل ضروری برای بدن

● قند میوه‌ها به‌خصوص قند انگور به محض این‌که وارد بدن می‌شود جذب می‌شود و انرژی قابل ملاحظه‌ای ایجاد می‌کند.

بوده و کمبود آن ایجاد کرامپ‌های شدید در بدن می‌کند.

مطلب مهم دیگر این است که کلرور سدیم در آب میوه‌ها در حد فوق‌العاده ضعیف است و این امر جزو محاسن آب میوه‌ها می‌باشد.

و بالاخره نکته‌ی جالب دیگر بین کلسیم و فسفر است که در اشخاص بالغ نسبت (۲/۰) و در بچه‌ها (۱) است، این رابطه در آب انگور ۶/۰ تا یک بوده که کمال مطلوب است.

از نظر فیزیولوژی املاح معدنی میوه‌ها اهمیت خاصی دارند: نخست آن‌که به اعضای بدن به‌خصوص استخوان‌ها، خون و اعصاب مواد اولیه‌ی لازم سازنده را می‌رسانند. در عین حال اثر مضر بعضی از اسیدهای ایجاد شده در بدن را خنثا می‌کنند مانند اسیداوریک و همچنین حالت قلیایی خون را تنظیم و تعدیل می‌کنند. و نکته‌ی دیگر وجود بعضی ویتامین‌ها در میوه‌ها و آب میوه‌هاست. ما می‌دانیم که ویتامین‌ها جزء مواد فرعی ولی ضروری برای بدن هستند که کمبود یا فقدان آن‌ها در بدن موجب بروز بیماری‌های گوناگون می‌شود. ویتامین‌هایی که یک انسان در طول ۷۰ سال عمر خود جذب می‌کند حدود دو کیلوگرم است که در مقابل ۲۸ تن غذا که مصرف می‌کند، نیاز خواهد داشت. بدون این ویتامین‌ها ادامه حیات مقدور نیست، در میوه‌ها، سبزی‌های تازه، جوانه گندم و جو، شیر، کره، کبد ماهی مخصوص و تخم مرغ بعضی از ویستامین‌ها وجود دارد. آقای مک داوول رئیس تحقیقات کمیسیون سترلیس فلوریدا ثابت می‌کند که بسیاری از تلفات بچه‌ها در اثر اسکوربوت (تباهی خون) در ماه‌های بین ۲ و ۱۲ در اثر فقدان ویتامین ث است. به طوری که اگر به این اطفال آب نارنج داده شود این بیماری ایجاد نمی‌شود. همین مرکز تحقیقات ثابت می‌کند که ۳۰ درصد تولدهای قبل از موعد در اثر فقدان ویتامین ث است. به خصوص در هفته‌های دهم

تا چهاردهم بارداری که ذخیره‌ی غذایی در حداقل است. به همین علت به زنان باردار توصیه می‌شود که در مدت بارداری آب نارنج و یا لیمو ترش مصرف کنند.

در میوه‌ها ویتامین‌های آ و ب ۱ و ب ۲ و ث به نسبت‌های مختلف مشاهده می‌شود.

میزان ویتامین‌های موجود در سیب و انگور به‌خصوص در مورد ویتامین ث در حدی نیست که بتواند نیاز بدن را از این حیث تأمین کند ولی نارنج و لیمو ترش دارای ویتامین ث قابل ملاحظه هستند. نارنج ۸۰ - ۵۰ میلی گرم درصد گرم میوه و لیمو ترش ۱۰۰ - ۵۰ میلی گرم در ۱۰۰ گرم میوه است.

در انگور قسمت عمده‌ی ویتامین‌های آن در پوست و خوشه متمرکز است. به همین علت آب میوه انگور ویتامین کمی دارد.

معمولاً در کارخانجات تهیه‌ی آب میوه به‌خصوص آب میوه‌ی سیب و انگور محصول را با اضافه کردن ویتامین‌ها غنی می‌کنند. این روشی است که در دنیا متداول شده و در کشور ما نیز باید تقویت شود.

به‌جاست که انگور و آب انگور را به‌عنوان یک ماده غذایی و یک غذای مولد انرژی و غذای بهداشتی و دارویی تلقی کنیم. ولی نمی‌توانیم این میوه را به‌عنوان تأمین‌کننده‌ی ویتامین بدن به‌کارگیریم مگر آن‌که آب میوه را قبلاً به‌وسیله‌ی ویتامین مربوطه غنی کرده باشیم. مثلاً با مخلوط کردن آب چند میوه می‌توانیم به این هدف برسیم. برای مثال مخلوط کردن آب سیب با آب لیمو ترش و یا نارنج به منظور تأمین ویتامین ث در آب سیب.

لازم می‌دانم که به دو نکته اشاره کنیم:

۱- هوا اثر نامطلوب در روی ویتامین ث دارد. البته با دخالت آنزیم اکسیداز به‌خصوص در حرارت بالاتر از حرارت عادی بنابراین درجه حرارت پاستوریزاسیون موجب از بین رفتن ویتامین ث نمی‌شود، مشروط بر این‌که حرارت دادن در مقابل هوا انجام نگرفته باشد زیرا وجود اکسیژن محرک آنزیم اکسی داسیس و ویتامین ث را از بین می‌برد. بنابراین میوه‌های محتوی ویتامین ث را باید در غیاب هوا پاستوریزه کرد از طرف دیگر حرارت پاستوریزاسیون آنزیم اکسیداز را فلج کرده و بعداً خطری متوجه ویتامین ث موجود در آب میوه نخواهد بود.

۲- دشمن بسیار شدید ویتامین ث مس و املاح آن است. البته فلزات دیگر نیز به‌طور ضعیف اثر منفی دارند، بنابراین باید خواه در صنعت و یا در منازل از به کار گرفتن ظروف مس برای نگهداری آب میوه‌های محتوی ویتامین ث اجتناب کرد.

در اغلب کشورها آب میوه را با اسید اسکوربیک یا ویتامین ث غنی می‌کنند. در کشور فرانسه اسید اسکوربیک را به‌عنوان ضد اکسیداسیون در آب میوه‌ها به کار می‌گیرند و در امریکا مصرف عمده‌ی ویتامین ث برای جلوگیری از تیره شدن و تغییر رنگ میوه‌های منجمد شده است. □



جنبش اجتماعی زنان در غرب

همه افراد جامعه، به میدان آمده بود، باعث ارتقای خواست افراد جامعه برای کسب حقوق و آزادی‌های بیش‌تر شد. ولی از آنجا که مناسبت‌های سرمایه‌داری در ماهیت و کارکرد اقتصادی خود، نمی‌توانست پاسخ‌گوی این نیازها باشد؛ ناگزیر باعث تنش و تناقض‌هایی می‌شد که در باره‌ی حقوق زنان شکل حادث‌تری می‌یافت و در نتیجه زنان را به مبارزه‌ی اجتماعی فرامی‌خواند. (و از آن‌جایی که سرمایه‌داری جوان، شیوه‌های لازم برای جلوگیری از تعارض را نمی‌داند)، با وجود همه‌ی این ناملایمت‌ها رشد سرمایه‌داری، بستر مناسب‌تری برای مبارزه‌های حق‌طلبانه‌ی زنان را فراهم می‌کرد. پس از تثبیت و گسترش انقلاب صنعتی همراه با تحولات عمیق فرهنگی به تدریج نیاز به قوانین حقوقی عادلانه‌تر و انسانی‌تر ضرورت خود را در پدیده‌ی جامعه نشان می‌داد. در این ایام (دوره‌ی گذر به نظام صنعتی) جنبش تمامیت‌خواه مردسالارانه حتماً با ورود گسترده‌ی زنان به بازار کار نیز تداوم یافته و در مقابل فرهنگ عصر جدید همچنان مقاومت می‌کرد. بدیهی‌ست در این دوره باسست شدن تدریجی وابستگی اقتصادی زن به مرد، زنان به عنوان نیروهای تولیدی در جامعه مطرح شدند و از این رو نابرابری، ظلم و تعدی‌ها را نپذیرفته و قوانین ناعادلانه کار و حقوق صنفی و حتا سلطه‌ی نظام مردسالارانه را نیز به مبارزه طلبیدند.

بدین سان مقاومت و اعتراض زن علیه انواع ستم اجتماعی و جنسی نه فقط در شکل مبارزه‌های فردی، به ظهور می‌رسد، بلکه در عرصه‌های گوناگون شکل و محتوای اجتماعی و گروهی به خود می‌گیرد. مشارکت اجتماعی (عمدتاً اقتصادی) آرام آرام سبب می‌شود که زن به اعتراض خود، به شکلی اجتماعی بنگرد و از منافع خویش به عنوان فردی از یک گروه اجتماعی که مورد ظلم واقع شده، دفاع کند.

«از این دوره به بعد اعتراض زن علیه نابرابری و تحقیر، صرفاً به مقاومت در مقابل خشونت و سلطه‌ی مرد خانواده محدود نمی‌شود تا عاطفه او را از این مبارزه منصرف کند، بلکه عصبانی علیه نابرابری‌های اجتماعی به‌شمار می‌آید.»^{۲۲}

«در چنین شرایطی جای شگفتی نیست که زنان از هر قشری سربه‌شورش بردارند. زنان کارگر علیه مزد کم، بیکاری، دشواری کارهایی که به آن‌ها واگذار می‌شد و زنان بورژوا علیه محرومیت از تمامی حقوق اقتصادی، دست به قیام می‌زنند و تمام این زنان از هر محیط

اجتماعی که باشند، با عمل یا با بیان مصائب، از لگدمال شدن حقوق خود پرده برمی‌دارند.»^{۲۳}

در اروپای قرن هجدهم در نتیجه‌ی انقلاب صنعتی و مشکل‌های ناشی از آن بر مردم به‌ویژه کارگران و زنان، شورش‌های متعددی از جمله شورش غذا و مالیات صورت گرفت که به ذکر مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم: «شورش غذا در انگلستان - در پایان قرن هجدهم، که تجربه‌ی انقلاب سیاسی ندارد - یکی از اشکال مهم مُنازعه‌های سیاسی در دورانی است که با بی‌ثباتی اجتماعی و خشونت داخلی مشخص می‌شود. مشارکت زنان در این بحران‌ها به واسطه نقشه‌هایشان در اقتصاد خانواده و نیز به واسطه‌ی ساختارهای سیاسی و دین‌آمیزی‌هایی در داخل جوامع با درجه و سطوح مختلف صنعتی شدن، شکل گرفته است. مشارکت زنان مردان در ۶۱۷ شورش ناشی از بحران اقتصادی که بین سال‌های ۱۷۹۰ و ۱۸۱۰ در شهرهای انگلستان از دهکده‌ها تا پایتخت اتفاق افتاد.

در شهرهایی که تقریباً صنعتی شده بود، شورش غذا و نقش زنان در آن‌ها بارز می‌نمود. زنان و مردان به عنوان مدافعان اقتصاد خانواده، تولیدکنندگان داخلی را به خاطر قیمت‌گذاری (نامناسب) تحت فشار قرار می‌دادند. آنان مکرراً رؤسای دادگاه‌های محلی را مجبور به تسلیم شدن یا حمایت از اقدام‌ها و اعمال فشار خود می‌کرد. (قبلاً) در شهرهایی که تحت فشار شهری و صنعتی شدن و تقسیم کار براساس جنسیت (بیش‌تری) بودند، شورش غذا به عنوان شکلی از مشارکت سیاسی بی‌تأثیر شده بود چنان‌که مردان سازمان‌های جدیدی را به صورت «اتحادیه‌های کارگری» و گروه‌های کار - با تبلیغات سیاسی خود و ادعاهای جدید در مورد قدرت‌ها و کارفرمایان تشکیل می‌دادند و زنان هم در شورش‌های غذا شرکت می‌کردند، اما «بعداً» زنان نیز به صورت شرکت‌کنندگان در نیروی کار (به خصوص در صنایع نساجی) مشارکت داشتند.»^{۲۴}

«در فرانسه نیز در قرن هجدهم وقتی شورش‌های غذا در پاریس رایج شد، زنانی مونسوم به سان کولوت‌ها اقدام‌ها (یا شورش‌های) معمول در مورد مالیات‌های عمومی را با مانورهای سیاسی ترکیب کردند.»^{۲۵}

«و همچنین در هلند زنان در صفوف مقدم شورش‌های غذا و مالیات حضور بارزی داشتند. البته در این شورش‌ها زنان کم‌تر دنباله روی مردان بودند.»^{۲۶}

در غالب کشورهای اروپای غربی در شورش‌های غذا مردان و زنان با هم شرکت داشتند، ولی در فرانسه، بیش‌تر شورشیان را زنان تشکیل می‌دادند، به خصوص زنان طبقه‌ی سوم جامعه. (برخورد قدرت‌های سیاسی با زنان شورشی در هلند ملایم‌تر و در فرانسه بسیار شدیدتر بود.)

علاوه بر شورش‌های پراکنده‌ی زنان در کشورهای اروپای غربی، شکل دیگر اعتراض‌های آن‌ها به صورت سازمان یافته در قالب اتحادیه‌های کارگری نمایان شد. ابتکار تشکیل اتحادیه‌ها با مردان بود. زنان نیز از آن

طریق به بیان خواسته‌های خود پرداختند. این اتحادیه‌ها در زمان جنگ جهانی اول به دلیل وجود فشارهای اقتصادی مضاعف بر زنان رشد بیش‌تری یافت.

پانویس:

- ۱ - الوین تافلر، موج سوم، ترجمه‌ی شهیندخت خوارزمی، (تهران: فاخه، ۱۳۷۴)، صص ۳۳-۳۱.
- ۲ - همان منبع، ص ۵۱.
- ۳ - هارولدز، لاسکی، سیر آزادی در اروپا، ترجمه‌ی رحمت‌الله مقدم مراغهای، (تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۷)، صص ۳۲-۳۱.
- ۴ - همان، صص ۳۰-۲۹.
- ۵ - همان، صص ۲۲-۲۰.
- ۶ - تافلر، همان منبع، صص ۵-۱۵۳.
- ۷ - ناهید مطیع، «جامعه‌پذیری جنسی مانعی برای توسعه‌ی زنان، ص ۳»، ۱۹ (شهریور و مرداد ۱۳۷۲)، ص ۲۸.
- ۸ - همان منبع.
- 9 - Jane S. Jaquette, Women in Politics, (U.S.A: Awiley Interscience, 1974), P.259.
- ۱۰ - دکتر شریعتی، زن، (تهران: چاپخش، ۱۳۶۹)، صص ۲۱۵-۶.
- ۱۱ - تافلر، همان منبع، صص ۴۱-۴۰.
- ۱۲ - نوشین احمدی خراسانی، «برخی موانع ساختاری در راه مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان»، جامعه سالم، س ۵، ش ۲۳، (آذر ۷۴) صص ۴۹-۴۶.
- ۱۳ - همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد لیبرالیسم علاوه بر تغییر سنت‌ها، سعی در تغییر حکومت به نفع خود داشت. سپس در این راه موفق شد و حکومت‌های لیبرالی بورژوازی (یا دموکراتیک) بر سرکار آمدند.
- 13-2 - B. Alison Jaggar, Feminist Politics and Human nature, (U.S.A: Rowman and Allanheld, 1983).
- به نقل از آلیسون جگار، «چهار تلقی از فمینیسم»، ترجمه‌ی س. امیری، مجله زنان، س ۵، ش ۲۸، (فروردین ۷۵)، صص ۵۲-۴۸.
- ۱۴ - تافلر، همان منبع، ص ۱.
- 15 - Kung Ae Park, "Women and Revolution in china", Korea and World Affairs, Vol. 14, NO.4.
- 16 - Jaquette, Ibid, P.245.
- ۱۷ - آندره میشل، جنبش اجتماعی زنان، ترجمه‌ی همایون‌نجاتی زاده، (مشهد: نیکا، ۱۳۷۴)، ص ۶۳.
- ۱۸ - عبدالحمید ابوالحمد، مبانی علم سیاست، (تهران: توس، ۱۳۶۹)، صص ۵-۳۳۴.
- ۱۹ - مطیع، همان منبع.
- ۲۰ - ابوالحمد، همان منبع.
- ۲۱ - آلیسون جگار، «فمینیسم به مثابه فلسفه سیاسی»، ترجمه‌ی مریم خراسانی، جامعه سالم، س ۵، ش ۲۶، اردیبهشت ۷۵، صص ۶۲-۶۰.
- ۲۲ - نوشین احمدی خراسانی، «برخی موانع ساختاری در راه مشارکت اجتماعی، اقتصادی زنان»، جامعه سالم، س ۵، ش ۲۳، (آذر ۷۴) صص ۹-۴۶.
- ۲۳ - آندره میشل، جنبش اجتماعی زنان، ترجمه‌ی همایون‌نجاتی زاده، (مشهد: نیکا، ۱۳۷۴)، ص ۱۸ تا ۱۹.
- 24 - Harriet B.Applewhite andDarline G.levy, Women and politics in the Age of Democratic Revolution, (U.S.A: michigan U.P,1990), P.14.
- 25 - Ibid, P.P.4-5.
- 26 - Ibid, P.P.15-16.